



فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی

فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۱۵، سال

چهارم، تابستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب‌اله محمودیان

سردبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور علمی: دکتر رضا خانی

ویراستار فارسی: مهندس علی محمدنیاکان

مدیر امور فنی و رسانه: دکتر امید محمودیان

مترجم انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۴۵۰۰۰ تومان



نشانی دفتر فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک ۳۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴ -

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:

Ilamzagro@Gmail.com



ہیئت تحریریه:

دکتر رضا احمدی

رشتہ تخصصی: جنگلداری

دکتر پریسا پورمحمدی

رشتہ تخصصی: باستان شناسی

دکتر شاہین حیدری

رشتہ تخصصی: معماری - انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشتہ تخصصی: ہیدرو ژئولوژی

دکتر رضا خانی

رشتہ تخصصی: زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشتہ تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشتہ تخصصی: باستان شناسی

دکتر سہیلا درویشی

رشتہ تخصصی: باستان شناسی

دکتر فرنگیس درویشی

رشتہ تخصصی: باستان شناسی

داوران این شماره:

دکتر ناصر راد

دکتر لیلا خسروی

دکتر خداکرم مظاہری

دکتر سہیلا درویشی

دکتر حاجی کریمی

دکتر علی خاکی

دکتر ناصر راد

رشته تخصصی: روابط بین‌الملل

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته تخصصی: زبان‌شناسی

دکتر حبیب‌اله محمودیان

رشته تخصصی: باستان‌شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته تخصصی: باستان‌شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته تخصصی: باستان‌شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته تخصصی: باستان‌شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته تخصصی: تاریخ اسلام

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	ویژگی های کلی مقاله.....
۷	پوشش گیاهی سیمره و شواهدی از دیرین گیاه شناسی در محیط زیست جامعه باستانی قلا پیروز علی. لیلی نیاکان.....
۲۶	آنالیز عنصری ملات گچ گچ ببری های مسجد صیمره با استفاده از روش های آزمایشگاهی. فاطمه حاجیان، علی سنایی نژاد، اکبر شریفی نیا.....
۸۹	نقش صنایع دستی در توسعه کار آفرینی روستایی در مناطق زاگرس (مطالعه..... موردی: گلیم گل برجسته ایلامی). منیژه افرا، حبیب اله محمودیان، شهرام سرابی
۱۳۴	روابط ایران و ارمنستان بر اساس یافته های باستان شناسی. پریسا پور محمدی.....
۱۴۱	مطالعه و بررسی باستان شناختی اشیای مفرغی لرستان.....
۱۴۶	(باتا کید برسنجاق های مفرغی) ماندانا محمودی.....
۱۶۱	بررسی تحولات تاریخی حضور نیروهای روس در جنگ جهانی اول در منطقه پشتکوه (ایلام) و علل عقب نشینی آنان. علی نوراللهی.....
۱۹۴	چکیده انگلیسی مقالات.....

ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد.
مقاله نباید در نشریه دیگری منتشر شده باشد.
چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه فصلنامه است.
پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود.
مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده نویسنده (نویسندگان) است.
مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
نام کامل نویسنده، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه جداگانه‌ای ضمیمه شود.
ارسال مقاله از طریق ایمیل فصلنامه مطالعات ایلام شناسی نیز، امکان‌پذیر است.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده انگلیسی باشد.
عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.
مشخصات نویسنده: شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.
چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.
واژه‌های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه تخصصی است که دارای اهمیت باشد.
مقدمه: شامل طرح مسأله اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه مسأله مورد نظر مطرح شود.
متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و ... همراه باشد.
نتیجه‌گیری: شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است. **پی‌نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید. **منابع:** فهرست‌نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه نامه مجله.
چکیده انگلیسی: چکیده انگلیسی باید عیناً ترجمه چکیده فارسی باشد.

شیوه‌ی تنظیم متن: مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم ولی با اندازه ۱۱ نوشته شود.

شیوه‌ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام‌خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 33: 1999). **ارجاع به اسناد تاریخی:** عنوان سند، شماره طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده محل تحصیل.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود. **توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

پوشش گیاهی سیمره و شواهدی از دیرین گیاه‌شناسی در محیط زیست جامعه باستانی قلاپروزعلی

لیلی نیاکان^۱

چکیده

این مقاله گزارش مقدماتی است بر روی بقایای دانه‌های گیاهی به دست آمده از محوطه باستانی قلاپروزعلی در مجاورت رودخانه سیاب که در حواشی رود سیمره واقع شده است. شواهد گیاه باستان‌شناسی نشان از آن دارد که آغاز کشاورزی در دوره هولوسن حدود ده هزار سال پیش در این سرزمین بوده است. بنابراین، در دوره نوسنگی شاهد اهلی کردن و پرورش گیاهان در طی هزاران سال بوده‌ایم. فرایند فوق در هرازه سوم پیش از میلاد بر اساس مطالعات گیاه باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی بیانگر رشد و گسترش کشاورزی در این دوران توسط پژوهشگران گزارش شده است. پژوهش بر روی دیرین تغذیه‌شناسی انسان‌های گذشته یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در پژوهش‌های باستان‌شناسی می‌تواند شرایط زیست محیطی دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ منطقه را از نظر پوشش گیاهی و جانوری در محوطه‌های باستانی ترسیم کند. این اطلاعات به شناخت و شکل‌گیری استقرارهای انسانی و آگاهی از اقتصاد معیشتی و روابط پیچیده انسان با محیط زیست منجر می‌گردد. هدف اصلی این مقاله کسب اطلاعاتی درخصوص بررسی و شناخت پوشش گیاهی و یافته‌های گیاهی به دست آمده از کارگاه لایه‌نگاری و چگونگی استفاده

^۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. lilyNiakan@yahoo.com

ساکنین از این منابع بوده است. فرایند فوق توانست شرایط زیست محیطی این مردمان، نوع کشاورزی و دامداری این محوطه آغاز ایلامی را مشخص کند. بقایای گیاهی و جانوری بر جای مانده در این محوطه باستانی، مورد پژوهش‌های گیاه باستان‌شناسی و جانور باستان‌شناسی قرار گرفت و توانست بخشی از رژیم غذایی ساکنان قلاپیروزعلی را از طریق کشاورزی، ماهیگیری و دامداری مشخص کند. وجود نمونه‌هایی از غلات، میوه درختان، استخوان‌های حیوانات و ماهی‌ها نشان‌دهنده استفاده و تغذیه ساکنان قلاپیروزعلی در هزاره سوم پیش از میلاد؛ یعنی آغاز سکونت در کنار رودخانه سیاب در حاشیه رود سیمره بوده است.

واژگان کلیدی: سیاب، سیمره، قلاپیروزعلی، دیرین تغذیه‌شناسی، آغاز ایلامی،

مقدمه: رودخانه سیمره به لحاظ موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در محدوده ارتفاعات زاگرس در استان‌های ایلام و لرستان از تنوع پوشش گیاهی قابل ملاحظه‌ای و گروه‌های اکولوژیک خاصی برخوردار است. شناخت دقیق گونه‌های اکولوژیک گیاهی در این حوضه آبگیر می‌تواند ما را در شناخت یافته‌های گیاهی به دست آمده از محوطه قلاپیروزعلی در این محدوده جغرافیایی رهنمون کند. گیاه‌شناسی نیز، یکی از علوم میان رشته‌ای باستان‌شناسی و رشته‌ای تخصصی از باستان‌شناسی محیطی است که به بررسی و مطالعه بقایای گیاهی که به صورت فسیل در محوطه‌های باستان‌شناسی به دست آمده می‌پردازد.

پژوهش‌های دیرین زیست محیطی و دانش میان رشته‌ای در چند دهه اخیر وارد مطالعات باستان‌شناسی در ایران شده است. این مطالعات توانست گام مهمی را در روند شناخت اقتصاد معیشتی و رژیم غذایی در دوران‌های پیش از تاریخ در محوطه‌های باستانی مانند: سیلک کاشان (تنگبرگ، ۱۳۸۳)، زاغه دشت قزوین (شیرازی و

همکاران، ۱۳۸۵)، شهر سوخته سیستان (کنستانتینی و همکاران، ۱۳۸۶)، کنار صندل جیرفت (تنگبرگ، ۱۳۸۷)، چپاسبزشرقی سیمره (دارابی، ۱۳۹۴)، تپه دامغانی (تنگبرگ و همکاران، ۱۳۸۹) و دیگر محوطه‌های باستانی بردارد. هدف از انجام مطالعات گیاه باستان‌شناسی در قلا پیروزعلی بازسازی تاریخ پوشش گیاهی این بخش از حوضه آبگیر سیمره در هزاره سوم پیش از میلاد بود.

جغرافیا، اقلیم و زیست محیطی حوضه آبگیر سیمره

رود سیمره در مرز مشترک استان‌های ایلام و لرستان با طول حدود ۲۴۳ کیلومتر از تلاقی جریان رودخانه‌های قره‌سو و گاماسیاب به وجود آمده است. این رود پس از عبور از طاق‌دیس‌های مختلف و پیچ‌وخم‌های زیاد، در محل برخورد با طاق‌دیس بزرگ کبیرکوه با رودخانه کشکان یکی گردیده و رود کرخه را به وجود آورده است (ابرلندر، ۱۳۷۹: ۱۴۵). این رود به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود در استان‌های ایلام و لرستان و قرار گرفتن در محدوده ارتفاعات زاگرس از تنوع پوشش گیاهی قابل ملاحظه‌ای و گروه اکولوژیک خاصی برخوردار است. به طوری که نقش بارزی در تأمین آب اراضی کشاورزی از دوران‌های کهن تاکنون برعهده داشته است. با توجه به مطالعات انجام شده در محدوده جغرافیایی لرستان در حوضه آبگیر سیمره می‌توان به دامنه‌های اکولوژیک گیاهی اشاره کرد. بخش وسیعی از این منطقه تحت پوشش جنگل‌های بلوط زاگرس است. وجود رویشگاه‌های گلابی وحشی و توده‌های منحصر به فرد و بادام کوهی و دیگر گونه‌های واقع در ارتفاعات کبیرکوه از جلوه‌های خاص گیاهی در محدوده منطقه مورد مطالعه به شمار می‌رود.

حوزه مورد مطالعه براساس تقسیمات اقلیمی دو مارتن دارای شش اقلیم نیمه خشک سرد، نیمه خشک فرا سرد، مدیترانه‌ای سرد، مدیترانه‌ای فرا سرد، نیمه مرطوب، سرد،

نیمه مرطوب فرا سرد، را در بر می‌گیرد. در بخش ایلام این حوزه به واسطه ارتفاعات کبیرکوه، همه اقلیم‌های مذکور وجود دارد؛ ولی بخش لرستانی آن فقط شامل: دو اقلیم نیمه خشک سرد و نیمه خشک فرا سرد است. بارندگی حوزه بسته به ارتفاعات اقلیم‌های مختلف از حداقل ۴۲۰ تا بیش از ۷۰۰ میلیمتر متغیر است (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۶). نوع واحدهای اکولوژیک منطقه در حوضه رودخانه سیمره در مرزهای کنونی استان‌های ایلام و لرستان شامل: واحد اکولوژیک جنگل بلوط در قالب هشت تپ گیاهی به جزء اراضی کم ارتفاع حاشیه رودخانه سیمره در عمده کوهستان‌های منطقه از قبیل کبیرکوه، مانشت، کلم و زردلان از لحاظ اقلیم نیمه خشک سرد و فراسرد مدیترانه‌ای فرا سرد و نیمه مرطوب سرد در دامنه ارتفاعی ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد و بارندگی آن مناسب و از ۴۸۰ میلیمتر و در ارتفاعات پایین‌تر تا ۶۷۰ میلیمتر که در ارتفاعات فوقانی متغیر است گونه غالب این واحد بلوط ایرانی *Quercus brantii* است.

واحد اکولوژیک جنگل بلوط و بنه: این واحد در شیب‌های شمالی کبیرکوه (منطقه زرین‌آباد) با لکه‌هایی در مناطق کلم و پاگل گراب استان ایلام در مسیر سیمره رویش دارد. از لحاظ اقلیم‌های نیمه خشک سرد و فراسرد مدیترانه‌ای فرا سرد و سرد در دامنه ارتفاعی ۲۱۴۴ تا ۲۴۴ متری از سطح دریا قرار دارد و بارندگی آن بین ۰۱۴ تا ۹۳۴ متغیر است. گونه غالب این واحد بلوط ایرانی *Quercus brantii* و بنه *Pistacia atlantica* و گیاهان علفی یک ساله است.

واحد اکولوژیک بادام بی برگ (وامچک): این واحد اکولوژیک به صورت توده‌های منسجم و عمدتاً در منطقه کلم، بدره و حاشیه رودخانه سیمره در منطقه خوش قدم واقع شده است. از لحاظ اقلیمی محدود به اقلیم نیمه خشک سرد و در دامنه ارتفاعات ۹۰۰

تا ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار داشته؛ بارندگی آن بین ۴۶۰ تا ۵۶۰ میلی‌متر است. از نظر زمین‌شناسی معمولاً روی سازند گچساران و اراضی گچی واقع شده است. گونه غالب این واحد اکولوژیک بادام بی‌برگ (وامچک) *Amygdalus arabica* گونه‌های بلوط و بادام تنگرس و گونه‌هایی از گون، بوته‌ها و گیاهان علفی یک‌ساله به همراه دارد که به صورت یک تپ گیاهی یکسان دیده می‌شود (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹، ۱۵-۱۶ و تصاویر ۱، ۲ و ۳).

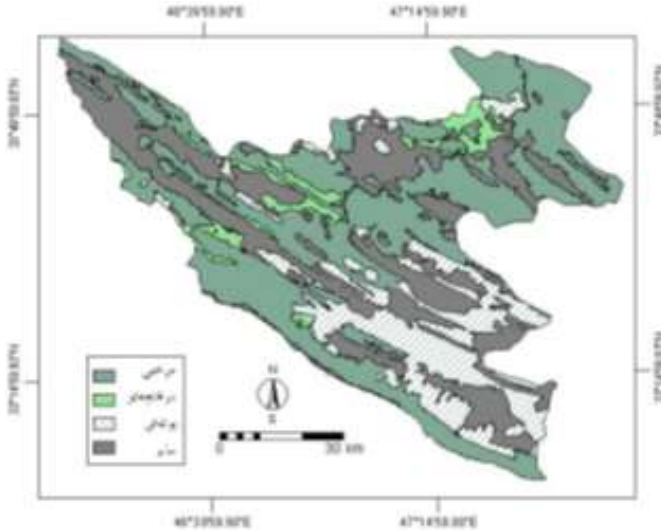


تصویر ۱: چشم اندازی از رود سیمره در مرز طبیعی دو استان ایلام و لرستان

(ماخذ نگارنده ۱۳۸۹)



تصویر ۲: پراکنندگی گونه‌های گیاهی در حاشیه سیمره (ماخذ نگارنده ۱۳۸۹)



تصویر ۳: نقشه واحدهای اکولوژیک در حوضه رودخانه سیمره (ماخذ:

حسین زاده و همکاران ۱۳۹۲)

محوطه باستانی قلاپیروزعلی

محوطه باستانی قلاپیروزعلی با موقعیت جغرافیایی UTM: 0703683-3688846 به فاصله ۳/۵ کیلومتری تا تاج سد سیمره، در نوار باریکی از تراس رسوبی کواتردر حواشی رود سیاب در تراس‌های مرتفع، پست و دشت تشکیل شده است. سازند گچساران، تنگه سیاب و تراس‌های رسوبی آن را در پیرامون خویش گرفته و شرایط مناسبی را برای مکان‌گزینی و استقرارهای انسانی به وجود آورده است. ارتفاع این تپه در تراس گسترده بالا بیش از ۶۰ متر؛ ارتفاع بخش پست محوطه شامل: سه پشته مخروطی، بین ۲۰ تا ۲۲ متر نسبت به تراس مذکور بوده است. رقوم ارتفاعی این محوطه در بخش پست آن ۶۸۰ و در بخش مرتفع آن ۷۴۰ متر از سطح دریا است. نهشته‌های متوالی از بقایای فرهنگی شوش II و شوش III تداومی از آغاز نگارش به دوران عیلامی را در پی داشت. از نظر آغاز شهرنشینی محوطه قلاپیروزعلی با توجه به یافته‌های فرهنگی و بقایایی از ساختارهای معماری مربوط به دوران آغاز نگارش و آغاز عیلامی در این حوزه فرهنگی بسیار مهم بوده است. بقایای معماری بر جای مانده دارای کاربردهای متفاوتی شامل: برجک‌های نگهبانی، تالارهای بزرگ با کف خشتی، انبارک‌ها و تأسیسات حرارتی در فضاهای سرباز و پوشیده بودند از دیگر یافته‌ها می‌توان به ابزارها و مصنوعات سنگی، اشیای استخوانی، صدف، حصیر و دانه‌های گیاهی کربونیزه شده و بقایای استخوان حیوانی از لایه‌های مختلف باستانی از جمله کارگاه لایه نگاری گردآوری شده اشاره کرد. این یافته‌ها اطلاعات سودمندی را در رابطه با منابع طبیعی و زیست محیط منطقه در حوزه پژوهش‌های گیاه‌شناسی و جانورشناسی این حوزه جغرافیایی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. فرآیند فوق

توانست بخشی از پوشش گیاهی و رژیم غذایی ساکنان قلاپیروز علی را از طریق دامداری، ماهیگیری و کشاورزی مشخص کند (تصویر ۴)



تصویر ۴: عکس هوایی از موقعیت جغرافیایی و تراس‌های محوطه قلا پیروز علی در مجاورت رودخانه سیاب و حواشی رود سیمره



بقایای باستانی گیاهی و جانوری در کارگاه لایه‌نگاری

مطالعات باستان‌شناسی در دوران‌های پیش از تاریخ و آغاز تاریخی با بررسی داده‌های گیاهی و استخوانی و بقایای جانوری از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به طوری که می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای در روند معیشت وضعیت اقتصادی و فرهنگی در اختیار بگذارد. آنچه در این پژوهش ارائه گردید، بخشی از این مطالعات براساس یافته‌های کارگاه لایه‌نگاری مانند ذغال‌های به دست آمده از دانه‌های کربونیزه شده و

قطعات ریز چوب‌های ذغال شده در لایه‌های خاکستر از تأسیسات حرارتی این محوطه در کف‌های استقراری به دست آمد، ارائه می‌گردد. بنابراین، این بقایا می‌تواند بازتابی از چگونگی پوشش گیاهی منطقه باشد که توسط انسان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، چون این محوطه در نزدیک دو زیست بوم لرستان و ایلام که توسط سیمره از یکدیگر جدا شده‌اند، هر کدام از این زیست بوم‌ها می‌توانستند نقشی در استفاده ساکنان از پوشش گیاهی را ایفا کنند.

کارگاه لایه‌نگاری در جهت جنوبی تپه قلاپیرو زعلی بر روی تراس میانی، بر شیب نسبتاً تند تپه براساس شناخت مواد فرهنگی سطحی که بقایایی از استقرارهای شوش ۲ و ۳ را نشان می‌داد، نخست به ابعاد ۲×۲ متر با هدف شناخت توالی فرهنگی، گاه‌نگاری، ایجاد شد. مراحل معماری و استقراری به روش لایه و فیچر کاوش گردید. ابعاد کارگاه به دلیل قرارگیری آن در شیب تند تراس، دارای حجم زیادی از رسوبات، قطعات سفال، مصنوعات و ابزارهای سنگی بود. از این رو، ابعاد کارگاه به ۳×۵ متر گسترش داده شد. نتایج به دست آمده از کاوش شامل لایه‌های رسوبی، لایه‌های خاکستر، ذغال، دانه‌های آهکی و ساختارهای ساختمانی از سنگ‌های لاشه و خشت بوده است. در لایه‌های زیرین شاهد تجمع خاکستر حاصل از تأسیسات حرارتی و آثار آتش‌سوزی برخشت‌ها و پاره‌خشت‌های نیمه‌پخته به همراه یافته‌هایی مانند: سفال، اسیدین، فلاخن، مشته، حصیر، دوک و اثر مهر بودیم. در ادامه کاوش به رسوبات رودخانه‌ای سبزرنگ رسیدیم و کارگاه در تراز ۳۰۰ سانتی‌متر به خاک بکر رسید نتایج کاوش نشان داد ۱۵ لایه و ۵ ساختار و سه دوره استقراری و دو دوره فرهنگی مربوط به دوره‌های شوش II و شوش III شناسایی و ثبت گردید. در حقیقت، هدف اصلی در این مقاله شناسایی پوشش گونه‌های گیاهی و جانوری موجود، سیمره و

درک و شناخت آنها در شیوه‌های معیشتی و اقتصادی ساکنان قلا پیروزعلی در تنگه سیاب در دو کیلومتری رود سیمره بود. بنابراین، به منظور دستیابی به داده‌های زیست محیطی در برش لایه‌نگاری در طی کاوش، تمام سطوحی که دارای لایه‌های خاک و خاکستر بودند، جمع‌آوری گردید. پس از سرند خشک در محوطه کارگاه و به دست آوردن مواد درون آن شامل: قطعاتی از قطعات کوچک سفال، ابزار سنگی و استخوان، جداگانه برداشت شد. همچنین، سعی گردید تصاویری از پوشش گیاهی منطقه برداشت شود (تصویر ۵).



تصویر ۵: کارگاه لایه‌نگاری و عملیات سرند خشک در کارگاه لایه‌نگاری

پس از گذراندن این مرحله، برای به دست آوردن بذر و دانه گیاهان، خاکسترهای سرند شده را به کنار رودخانه سیاب انتقال داده و با غرقاب سازی، عملیات سرند آبی بر روی آنها - با هدف اینکه بتوان این مواد سبک‌الی را از اضافات سنگین گل و لای که با الک‌هایی دارای چشمه‌هایی ریز به صورت شناورسازی جدا شود- انجام شد. بنابراین، رسوبات ته نشست به دست آمده شامل: دانه‌های گیاهی و دیگر یافته‌های ریز را در تنظیف‌های سفید قرار داد و به منظور جمع‌آوری مواد گیاهی و جانوری و خشک شدن برای مطالعات بعدی به پایگاه منتقل گردید. در طی جدا کردن نمونه‌های از دانه‌های ذغال و استخوان، با دقت فراوان برداشت شدند. بخشی از ذغال-

هایی که شامل دانه های گیاهی کربونیزه شده بسیار آسیب دیده بود و تعداد کمی از وضعیت حفاظتی خوبی برخوردار بودند که خود عامل مهمی در شناسایی و تعیین نوع گونه‌های گیاهی و اطلاع از چگونگی نوع کشاورزی بوده است. مطالعات در روند آنالیز و شناسایی این مواد گیاهی و جانوری در آزمایشگاه گیاه باستان‌شناسی موسسه ایگروم در ایتالیا توسط دکتر لورنزو کنسانتینی به انجام رسید (تصویر ۶)



تصویر ۶ چشم اندازی از رودخانه سیاب و مراحل انجام عملیات سرند آبی ، جمع‌آوری بقایای گیاهی و آزمایشگاهی



تصویر ۶ مراحل انجام عملیات سرند آبی، جمع‌آوری بقایای گیاهی و آزمایشگاهی

یافته‌ها

آزمایشات گیاه‌شناسی و جانورشناسی بر روی دانه‌های گیاهی و استخوان‌های جانوری از سرند خاکستر در طی شناورسازی به دست آمد مطالعات بر روی یافته‌های گیاهی ذغال شده به وسیله میکروسکوپ با قابلیت انعکاس نور به دست می‌آید. بنابراین، انجام مراحل مطالعات میکروسکوپی بر روی شناسایی بذرها و دانه میوه‌ها انجام گرفت. ساختار تشریحی آنها براساس شکل و ساختارشان نشان داد نمونه‌های از غلات چون عدس، گندم، جو، بود. بیشترین درصد شامل: عدس بود این خود می‌تواند بیانگر جامعه‌ای باشد که این غلات در این جا کشت می‌شده است. نمونه‌هایی از میوه درختان مغزدار دارای پوست سخت از جمله بلوط، بادام، پسته کوهی، از درصد بالایی برخوردار بودند و گلابی وحشی نیز، در بین بقایای گیاهی وجود داشت، در کنار این دانه‌های گیاهی، یافته‌های جانوری جدا گردید و در آزمایشات بقایای از جانوران آبری مانند: استخوان ماهی، صدف‌های خوراکی رودخانه‌ای و صدف‌های حلزون نیز شناسایی شد. از دگر سو، بقایای از شاخ و استخوان‌های جانورانی شامل: بز و گوسفند در لایه‌های خاکستر به دست آمد. قطعات سفال‌های دارای نقش بز با شاخ‌های بلند خود شاهدهی برای استفاده این جانوران در بخشی از رژیم غذایی ساکنان

قلاپیروزعلی را در هزارهٔ سوم پیش از میلاد را تشکیل داده بود. گیاهان آبی چون جگن یانی که هنوز در جاشیهٔ سیاب رویش داشت برای بافت حصیر به کار برده می‌شد. بخشی از آن در کف‌های استقرار در لایه نگاری به دست آمد. همچنین، از علف‌های خودرو که برای سوخت تأسیسات حرارتی به کار برده می‌شد تعداد مصنوعات سنگی چون هاون، کوبنده، تخته و ابزارهای سنگی چون تیغه‌های سنگی بسیار در طی کاوش به دست آمده، نشانگر موقعیت خوب کشاورزی و استفاده ساکنان از ساحل رود سیمره و رودخانه سیاب برای زراعت و کشاورزی بوده است. اگرچه این یافته‌ها غیرمستقیم به شمار می‌آید؛ ولی دلیلی بر استفاده غلات در رژیم غذایی است. وجود وزنه‌های ماهیگیری و استخوان ماهی نشانگر صیادی بودن ساکنان قلاپیروزعلی در هزارهٔ سوم پیش از میلاد است (تصاویر ۶، ۷، ۸، ۹)





تصویر ۷: نمونه‌ای از دانه‌های گیاهی غلات گندم، جو، عدس، و میوه‌های درختان بلوط، بادام، پسته کوهی، بنه حاصل از آزمایشات



تصویر ۷: نمونه‌ای از دانه‌های گیاهی غلات گندم، جو، عدس، و میوه‌های درختان بلوط، بادام، پسته کوهی، بنه حاصل از آزمایشات





تصویر ۸: نمونه‌ای از استخوان فک و دندان، بقایای صدف‌های دو کفه‌ای و حلزونی و یک قطعه سفال با نقش بز



تصویر ۹: نمونه‌ای از ابزارهای سنگی در کارگاه لایه نگاری یک



تصویر ۹: نمونه‌ای از ابزارهای سنگی در کارگاه لایه‌نگاری یک

بحث و نتیجه‌گیری:

رودخانه سیمره به لحاظ موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در محدوده ارتفاعات زاگرس در استان‌های ایلام و لرستان از تنوع پوشش گیاهی قابل ملاحظه‌ای و گروه های اکولوژیک خاصی برخوردار است. شناخت دقیق گونه‌های اکولوژیک گیاهی

در این حوضه آبگیر می‌تواند ما را در شناخت یافته‌های گیاهی فسیل شده به دست آمده از محوطهٔ قلاپیروزعلی در این محدوده جغرافیایی رهنمون کند. این اطلاعات به شناخت و شکل‌گیری استقرارهای انسانی و آگاهی از اقتصاد معیشتی و روابط پیچیده انسان با محیط زیست منجر می‌گردد. نتایج آزمایشات و مطالعات بر روی یافته‌های گیاهی قلاپیروزعلی منجر به شناسایی منابع گیاهی استفاده شده توسط ساکنان در این جامعه باستانی شد. فرآیند فوق در هزارهٔ سوم پیش از میلاد براساس مطالعات گیاه باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی بیانگر رشد و گسترش کشاورزی و مرتع‌داری و دامپروری در این دوران شده است. نمونه‌هایی شناسایی شده از میوه درختان مغزدار دارای پوست سخت از جمله بلوط، بادام‌بنه، پسته کوهی، از درصد بالایی برخوردار بودند که اکنون نیز، پراکندگی این درختان را در ارتفاعات و حاشیهٔ سیمره دیده می‌شود. علاوه بر آن، غلاتی مانند: عدس، گندم و جو شناسایی شد که عدس یا درصد بالایی سهم بیشتری در این آزمایشات به دست آورد.

جانوران آبری مانند استخوان ماهی، صدف‌های خوراکی رودخانه‌ای و صدف‌های حلزون در رژیم غذایی‌شان استفاده شده است. وجود قطعاتی از استخوان‌های سوخته و دندان و شاخ بزسانان در لایه‌های خاکستر و قطعات سفال‌ها با نقش بز با شاخ‌های بلند خود شاهی برای استفاده این آبریان و جانوران در بخشی از رژیم غذایی ساکنان قلاپیروزعلی را در هزارهٔ سوم پیش از میلاد را تشکیل داده است. تعدد مصنوعات سنگی چون هاون، کوبنده، تخته و ابزارهای سنگی چون تیغه‌های سنگی به دست آمده، در لایه‌های باستانی نشانگر موقعیت خوب کشاورزی و استفادهٔ آنان از ساحل رودخانهٔ سیمره و سیاب برای زراعت و کشاورزی بوده؛ اگرچه این یافته‌ها غیر مستقیم به شمار می‌آید؛ ولی دلیلی بر استفاده غلات در رژیم غذایی است. وجود وزنه‌های

ماهگیری و استخوان ماهی نشانگر صیادی بودن ساکنان قلا پیروزعلی در هزاره سوم پیش از میلاد است. نتایج آزمایشات انجام شده بر روی مواد فرهنگی به دست آمده، نشان داد که رژیم غذایی ساکنان قلا پیروزعلی از طریق دامداری، ماهگیری و کشاورزی تأمین می شده است

منابع و مآخذ:

- ابرلندر، تئودر؛ (۱۳۷۹)، رودخانه‌های زاگرس، ترجمه معصومه رجبی و احمد عباس‌نژاد، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- حسین‌زاده و همکاران؛ (۱۳۹۲)، بررسی تیپ‌های گیاهی و دانه‌های اکولوژی حوضه رودخانه سیمره در استان‌های ایلام و لرستان، نشریه حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی جلد اول شماره دوم.
- تنگبرگ، مارگارتا؛ (۱۳۸۳)، گزارش مقدماتی مطالعات گیاه باستان‌شناسی در تپه سیلک، نقره کاران سیلک به کوشش دکتر صادق ملک شهמידادی، سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، ناشر پژوهشکده باستان‌شناسی.
- تنگبرگ، مارگارتا، و همکاران؛ (۱۳۸۹)، مردم و گیاهان در دره هلیل رود در دوره مفرغ، دومین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی تمدن جیرفت.
- گزارش مقدماتی پژوهش‌های باستان‌شناسی در تپه دامغانی سبزوار؛ (۱۳۸۷)، مجله باستان‌شناسی و تاریخ شماره ۴۹.
- جزیره‌ای، محمدحسین، ابراهیمی‌رستاقی، مرتضی؛ (۱۳۸۲)، جنگل‌شناسی زاگرس. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دارابی، حجت؛ (۱۳۹۴)، فصل اول کاوش نجات‌بخشی در محوطه نوسنگی بی‌سفال چیا سبز شرقی، سد سیمره، همایش پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد سیمره به کوشش لیلی نیاکان، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- درویش زاده، علی؛ (۱۳۸۲)، زمین‌شناسی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر.
- شیرازی، زهره و همکاران؛ (۱۳۸۵)، گزارش مقدماتی مطالعات باستان‌شناسی، گیاه-شناسی در تپه زاغه تلاش برای بازسازی پوشش گیاهی دشت قزوین در هزاره ششم قبل از میلاد، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای شماره ۴.
- کستانتینی و سیدسجادی؛ (۱۳۸۲)، مطالعات گیاه باستان‌شناسی در شهر سوخته، تهران، معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ملک‌شهمیزادی، صادق؛ (۱۳۷۸)، پیش‌از تاریخ ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی، تهران: انتشارات و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- میلر، نیومی؛ (۱۳۸۲)، شواهد گیاه‌شناسی باستانی در مورد محیط زیست کاربرد گیاهان کشاورزی و تماس درون در ایران پیش از عصر برنز، چکیده مقالات نخستین مجمع بین‌المللی پیامدهای فرهنگی کهن در ایران و غرب آسیا، موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران.
- نیاکان، لیلی؛ (۱۳۸۹)، گزارش نخستین فصل کاوش پژوهشکده باستان‌شناسی در محوطه قلاپیروز علی در حوزه فرهنگی سیمره لرستان. آرشو پژوهشکده باستان‌شناسی.
- نیاکان، لیلی؛ (۱۳۹۴)، گزارش نخستین فصل کاوش پژوهشکده باستان‌شناسی در محوطه قلاپیروز علی در حوزه فرهنگی سیمره لرستان. پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد سیمره
- Oberlander, T. (1965). "The Zagros Stream", *Syracuse geog.series*
I. Syracuse University press: 164-168.

آنالیز عنصری ملات گچ گچبری‌های مسجد صیمره با استفاده از روش‌های XRD و XRF

فاطمه حاجیان^۱، علی سنایی‌نژاد^۲، اکبر شریفی‌نیا^۴

چکیده

شناسایی ترکیبات ملات گچ به کاررفته در تزئینات گچ‌بری با هدف کشف اصول عمل‌آوری آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این پژوهش، ملات گچ به کار رفته در تزئینات گچ‌بری مسجد شهر تاریخی صیمره، با هدف کشف ترکیبات و در نهایت منشأیابی محل تأمین گچ مورد نیاز آن مورد مطالعه قرار گرفته است. در راستای تحقق این هدف، نمونه‌هایی از ملات گچ به کار رفته در تزئینات گچ‌بری به همراه نمونه‌هایی از ملات آثار معماری و گچ طبیعی کوهپایه‌های اطراف شهر تاریخی صیمره با هدف بررسی تطبیقی ترکیبات آن‌ها به آزمایشگاه جهت انجام مطالعات XRF و XRD ارائه گردید. نتایج مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهد، در ترکیب ملات گچ تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره، کانی‌های ژپس ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$)، کوارتز (SiO_2) و کلسیت (CaCO_3) و در ترکیب سایر نمونه‌ها، سنگ گچ کوهپایه و ملات سازه‌های معماری، تنها دو کانی ژپس ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$) و کوارتز (SiO_2) مشاهده شد. در نتیجه ترکیب کلسیت با ملات گچ تزئینات گچ‌بری این مکان تاریخی امری آگاهانه و به جهت دیرگیری ملات گچ و ایجاد فرصتی برای نقش‌اندازه بر آن‌ها بوده

^۲ کارشناس ارشد زمین‌شناسی و کارشناس آزمایشگاه XRD پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی (نویسنده مسئول).

^۳ مدیر پایگاه پژوهشی شهر تاریخی صیمره

^۴ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

است. از جهتی مشخص شد که کوهپایه‌های کبیرکوه با ساختار زمین‌شناسی سازند گچساران، منبع تأمین گچ مورد نیاز ملات بکاررفته در تزئینات گچبری و برپایی آثار معماری این شهر باستانی بوده است.

واژگان کلیدی: مسجد صیمره، ملات گچ، XRD و XRF، کبیرکوه، گچ بری.

مقدمه: گسترش علم باستان‌شناسی در چند دهه اخیر و توجه روزافزون به تعامل و نقش منابع زیست محیطی در فعالیت‌های بشری و خلق بناهای باستانی باعث گردیده تا باستان‌شناسان نیاز روزمره‌ای به علوم دیگر به خصوص علوم پایه و مهندسی پیدا کنند. وجود یک گروه با تخصص‌های باستان‌شناسی و علوم مرتبط در کنار یکدیگر سبب تحلیل هر چه بهتر موضوع‌های این رشته شده است. با قرار دادن ویژگی‌ها، کاربردها و روش‌های علوم میان رشته‌ای مختلف در کنار یکدیگر، درمی‌یابیم که تمامی مواد فرهنگی از اهمیت یکسانی در مطالعات باستان‌شناسی برخوردار هستند و مطالعه هر یک تا چه اندازه به بازسازی جوامع گذشته کمک می‌نماید. تمامی این مطالعات در کنار یکدیگر، این توانایی را در یک باستان‌شناس ایجاد می‌کند که بتواند صحیح‌ترین تفسیر را در مورد سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی، مسائل و پیچیدگی‌های فرهنگی و سطح فناوری ارائه دهد. بنابراین، برای رسیدن به این اهداف و پاسخ به پرسش‌های علمی دقیق در جنبه‌های مختلف، باستان‌شناسان رشته‌های علمی را با یکدیگر ترکیب ساخته و گرایش‌ها و حوزه‌های گوناگونی را به وجود آورده است. برای نمونه یکی از این حوزه‌هایی که به عنوان موضوعی بین‌رشته‌ای در قالب علوم باستان‌شناختی مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفته، باستان‌سنجی^۱ است. یکی از مسایل کلیدی در مطالعات آزمایشگاهی داده‌های باستان‌شناسی، شناسایی مواد می‌باشد.

اصطلاح Characterization معانی گسترده‌ای را برمی‌گیرد. ساختار فیزیکی و شیمیایی مواد، شناسایی منبع و محل ساخت، شناسایی مواد خام، شناخت مصنوعات تکنولوژی و غیره. تجزیه آزمایشگاهی بر روی داده‌های باستانی، به تکنیک‌های مختلفی منتهی گردیده است. این روش‌های آزمایشگاهی بر دو گونه تقسیم می‌شوند: داده‌های آلی (Organic) و غیر آلی (Inorganic). اصولاً هدف از آنالیز اشیای باستانی پاسخ به یک یا چند سؤال زیر است:

– یافتن منشا به منظور قرار دادن شیء باستانی در مجموعه تاریخی – جغرافیایی خود؛

– دستیابی به تکنولوژی ساخت؛

– تعیین بخش‌های مرمت شده شی و اصالت اثر؛

– تعیین روش‌های مرمت.

تمام دستگاه‌هایی که در آزمایشگاه‌های فیزیک برای آنالیز و تجزیه عنصری و ترکیبی به کار می‌روند مانند xrd و xrf، برای بررسی آثار تاریخی، فرهنگی و هنری مورد استفاده قرار می‌گیرند تا بتوان تصویری از شرایط اقتصادی، اجتماعی، چگونگی استخراج و استحصال مواد اولیه و فن آوری‌های گذشته به دست داد (بحرالعلومی، ۱۳۹۳: ۳۵). همانگونه که می‌دانیم، استفاده از گچ در فلات ایران پیشینه‌ای طولانی دارد. گچ به عنوان وسیله ساختمانی برای بیش از ۲۵۰۰ سال مورد استفاده قرار گرفته است و از آن به عنوان عایقی برای ممانعت از نفوذ آب در دیوارهای خشتی استفاده می‌شد (Blair, 2000:242). در ایران اوج استفاده از گچ، و کاربرد آن به عنوان ماده مورد استفاده در آرایه‌های معماری دوره ساسانی است (Kroger, 1982). پس از آن آفرینش و ترکیب شیوه‌های مختلف در ساخت تزئینات گچی در دوره اسلامی سبب شده است که بیش از ۱۲ شیوه مختلف گچ بری در ایران شناسایی و دسته بندی شوند

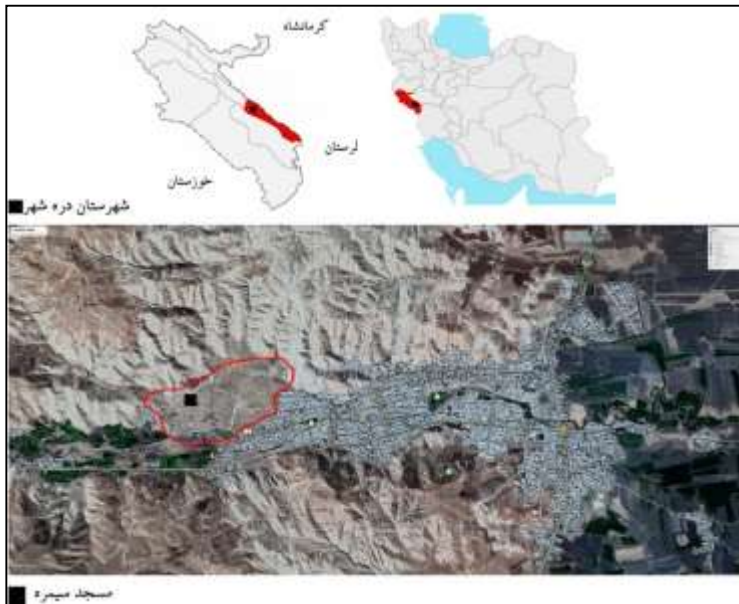
که در ساخت برخی از این آثار به استفاده از افزودنی‌های مختلف آلی همچون چسب‌ها، بست‌ها و یا افزودنی‌های معدنی همچون رنگدانه‌ها اشاره شده است (صالحی کاخکی و اصلانی، ۱۳۹۰: ۹۷). ناخالصی‌هایی همچون رس و ماسه نیز، تقریباً همیشه به مقدار کم یا زیاد در ترکیب با ملات گچ مشاهده شده است. بنابراین، بنظر می‌رسد در ساخت و ترکیب ملات گچ مورد نیاز تزئینات گچ‌بری، با هدف ایجاد بستر و متناسب با زمان مورد نیاز هنرمندان برای ارائه نقوش تزئینی، دستورالعمل‌هایی به کاررفته باشد که می‌توان با استفاده از دستگاه‌های آزمایشگاهی چون XRF و XRD آن‌ها را شناسایی و به بخش مهمی از شیوه تولید و ایجاد ملات مورد نیاز سطوح تزئینات گچ‌بری در معماری ایرانی و اسلامی پی‌برد. بر این اساس در این پژوهش، ملات گچ به کاررفته برای ساخت تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره بنایی متعلق به قرون اولیه اسلامی (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵) با هدف کشف ترکیبات و در نهایت منشأیابی محل تأمین گچ مورد نیاز آن مورد مطالعه قرار گرفت. اهمیت این پژوهش از آن رو است که تاکنون مطالعات اندکی در رابطه با تکنیک ساخت ملات گچ تزئینات گچ‌بری ایران صورت گرفته و بنابراین، انجام چنین پژوهش‌هایی برای تکمیل مطالعات باستان‌شناسی ایران ضروری است و از سویی دیگر، با وجود اهمیت مسجد صیمره به عنوان بنایی از قرون اولیه اسلامی، سهم آن در مطالعات معماری و باستان‌شناسی ایران بسیار اندک است.

پیشینه پژوهش: پیشینه مطالعات باستان‌شناسی تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره را می‌توان به دو دسته مطالعاتی با رویکرد هنری و مطالعاتی با رویکرد آزمایشگاهی تقسیم‌بندی کرد. در رابطه با رویکرد نخست می‌توان به مطالعاتی چون "کاوش‌های و پژوهش‌های باستان‌شناختی دره شهر (صیمره)" نوشته سیمین لک‌پور (۱۳۸۹) که در آن

نویسنده بخشی از کتاب خود را به مطالعه شکلی و فرمی نقوش تزئینی گچ‌بری‌های مسجد صیمره اختصاص داده است، "مطالعه تطبیقی نقوش گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی صیمره بانمونه‌های مسجد جامع نائین" نوشته حسینی و دیگران (۱۳۹۴) که در آن نویسندگان ضمن مقایسه تطبیقی نقوش تزئینی دو بنای مورد نظر، قدمت مسجد صیمره را پیش از مسجد نائین و اهمیت آن را در مطالعات هنر اسلامی خاطر نشان می‌سازند و " بررسی تطبیقی تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره با مسجد نه‌گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی" نوشته مبینی و دیگران (۱۳۹۷) اشاره کرد که در آن نویسندگان به مقایسه شکلی و فرمی تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره با بناهای نامبرده پرداخته و مسجد صیمره را یکی از بناهایی مهم در بررسی چگونگی انتقال هنر گچ‌بری ساسانی به دوران اسلامی نام می‌برند. متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه مطالعات آزمایشگاهی بر روی تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره صورت نگرفته است و این پژوهش برای نخستین بار به چنین مهمی پرداخته است؛ اما بطور کلی تاکنون مطالعات بسیار اندکی در رابطه با آنالیز عنصری ملات گچ به کاررفته در معماری و تزئینات وابسته به آن صورت گرفته است. در این رابطه می‌توان تنها به مواردی چون " آنالیز عنصری ملات دوره ساسانی به روش XRD و استفاده از آن در تاریخ‌گذاری بناهای منتسب به این دوره" نوشته فیروزمندی شیره‌جین و ماهیار (۱۳۹۳) که در آن نمونه‌های از ملات گچ به کاررفته در بناهای قلعه دختر فیروزآباد، کاخ اردشیر، آتشکده بیشابور، آتشکده تخت رستم، چهارتاقی گهواره دید، آتشکده تخت سلیمان و کاخ سروستان مورد آنالیز عنصری قرار گرفته و علاوه بر شناسایی ملات دوره ساسانی که ترکیبی از گچ و سنگ آهک بوده که در سنگ اولیه گچ به صورت " ژپس" به همراه " کلسیت" یا منیزیت موجود بوده است، به تاریخ‌گذاری بناهای نامبرده

براساس نتایج آزمایشگاهی فوق پرداخته است. " مشخصات فیزیکی و شیمیایی گچ-بری‌های محراب مقبره محمد الحساوتی، دوره فاطمی، قاهره، مصر" نوشته کامل و دیگران (۲۰۱۴)، که در آن نویسندگان به ترکیب شیمیایی ملات گچ به کاررفته در محراب این مقبره سنگ آهک^۲ سولفات کلسیم^۳، دولومیت^۴، کوارتز^۵، انیدریت^۶، بازائیت^۷ و سدیم کلرید دست یافته‌اند و " بررسی فنی تزئینات گچ‌بری خانه شهشهان اصفهان با استفاده از روش‌های دستگاهی SEM-EDS و XRD و شیمی تر" نوشته محتشم و دیگران (۱۳۹۳) که در آن نویسندگان در کنار دیگر روش‌های آزمایشگاهی شناسایی ترکیبات گچ این بنا با استفاده از روش آزمایشگاهی XRD، حضور فاز غالب ژپس را در ترکیب ملات گچ آن بدست آورده‌اند، اشاره کرد.

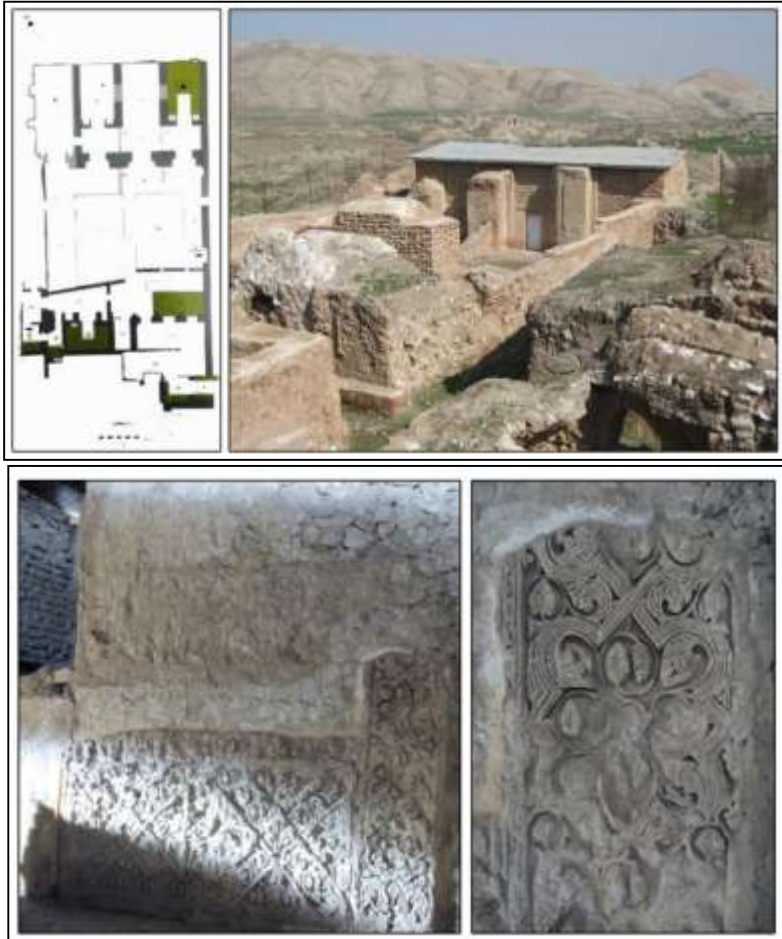
موقعیت جغرافیایی: شهرستان دره شهر در شرق استان ایلام قرار دارد. این شهرستان از شرق منتهی به شهرستان پلدختر از استان لرستان، از غرب به شهرستان بدره و از جنوب به شهرستان آبدانان از استان ایلام محدود است و نوار شمالی این شهرستان را رودخانه سیمره به عنوان مرز دو استان ایلام و لرستان تشکیل می‌دهد (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان دره‌شهر، شهر تاریخی و مسجد صیمره

شهر تاریخی صیمره در بخش جنوب و جنوب‌غربی شهرستان دره‌شهر قرار دارد. در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی در این شهر تاریخی، مسجد این شهر موسوم به مسجد صیمره شناسایی و کشف گردید. این بنا در یک فضای مستطیل شکل به طول و عرض ۴۰۵۰×۲۲۰۰ سانتی‌متر در جهت شمالی، جنوبی و با ۲۵ تا ۳۰ درجه انحراف به طرف غرب کاوش و شناسایی شده است. مصالح این بنا همچون دیگر یافته‌های معماری شهر با مصالح سنگ لاشه و ملات گچ نیم‌کوب و نیم‌پخت ساخته شده و تمامی سطوح نمای داخلی دیوارها و کف‌ها با لایه‌ایی از گچ اندود شده است. پوشش فضای این بنا به صورت طاق گهواره‌ای بوده است که متاسفانه از بین رفته‌اند. از دیگر ویژگی‌های معماری این بنا می‌توان به مواردی چون؛- ساخت پلان بنا در محدوده‌ای مستطیل شکل در جهت قبله- ساختار جبهه شمالی این مسجد با سه دهانه

به صحن مرکزی گشوده می‌شود که دهانه میانی بزرگتر و ارتفاع آن بلندتر از دو دهانه جانبی است و دهانه چهارم که غربی‌ترین دهانه ورودی جبهه شمالی است جزء تغییراتی است که در مرحله اتمام بنا، به مجموعه اضافه شده است. شواهد موجود در جای جای بنا حاکی است که بنا در دو مرحله ساخته و به اتمام رسیده و همچنین، به دلیل تغییر کاربری بنا در اثر وقایع سیاسی، تغییراتی در نقشه اولیه آن ایجاد شده است - وجود حیاط مرکزی با حوضی بزرگ در میان آن و ساخت و سازهای واقع در جبهه شمالی و جنوبی حیاط - قرارگیری وضوخانه‌ایی در محدوده جنوب شرقی حیاط مسجد - ساختار عبادتگاهی T شکل - وجود دو محراب مسطح قرینه در دیوار قبله که هیچ یک از دو محراب در محورا اصلی قرار ندارند - استفاده از تزئینات گچ‌بری با نقش مایه‌های متنوع گیاهی و هندسی (تصاویر شماره ۲، لک‌پور، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۵)^۸. بنظر محققان تزئینات گچ‌بری‌های مسجد صیمره به دو روش قالب‌گیری و کنده‌کاری با دست ساخته شده‌اند (همان: ۱۹۴). با علم به تأثیر هنر گچ‌بری ساسانی بر نقوش تزئینی گچ‌بری‌های صیمره و با اطلاع از اینکه در ساخت گچ‌بری‌های ساسانی از سه روش کنده‌کاری، روش قالب‌گیری و ریخته‌گری و روش گچ‌بری پیش ساخته استفاده شده است (محمدی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۴۵) بنظر می‌رسد با توجه به تکرار نقوش تزئینی، تکرار طرح‌های آن‌ها در سطوح دیوارها و وجود میله‌های آهنی برای نصب قاب‌های گچ‌بری مسجد صیمره (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۹۵)، همانند دوره ساسانی، بیشتر از روش قالب‌گیری برای ساخت تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره استفاده شده است.

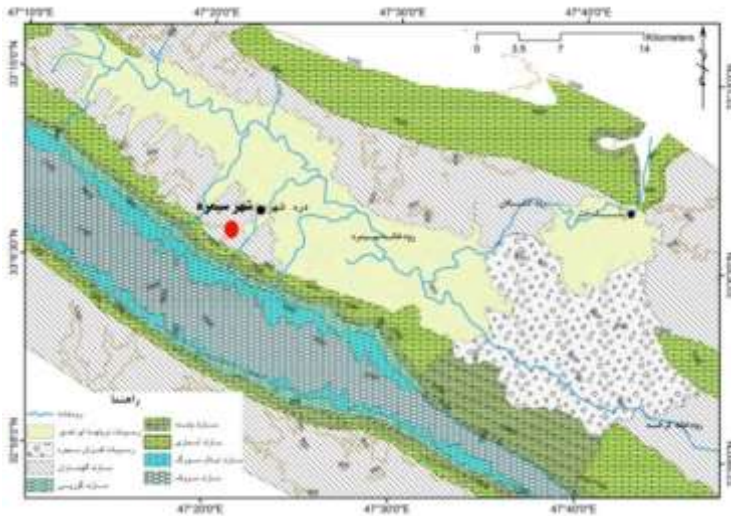


تصاویر شماره ۲: الف: پلان مسجد سیمره و نمایی از آن، دید از جنوب غرب،

ب: نمونه‌هایی از سطوح گچ بری شده دیوارهای داخلی مسجد سیمره

زمین‌شناسی: شهرستان دره‌شهر از نظر زمین‌شناسی در بخش زاگرس چین‌خورده قرار دارد و از نظر شرایط زمین‌شناسی حاکم بر منطقه، رسوبات سطحی این شهرستان به صورت رسوبات آبرفتی که متعلق به دوره‌ی کواترنری و به صورت تناوب لایه‌هایی از رس، ماسه و شیل بر روی هم انباشته شده است. این شهرستان در محل یک ناودیس قرار دارد که هنوز سازند گچساران زیر بنای آن را تشکیل می‌دهد. این سازند از یکسری رسوبات شامل: مارن‌های رنگین همراه با ژئیس (گچ آبدار)، نمک و لایه‌های رسی تشکیل شده است و در مقایسه با بقیه‌ی سازندهای زمین‌شناسی در سطح استان ایلام، بیشترین پوشش سطح را به خود اختصاص داده است (شریفی‌نیا و شاکرمی، ۱۳۹۶: ۹). شهرستان دره‌شهر به سمت جنوب شرقی تا جایی گسترش دارد که تپه-ماهورهایی از سازند آغاچاری^۹، آن را در حوالی دهستان ارمو محدود می‌کند. شکل و تنوع ناهمواری‌های این تپه‌ماهورها انعکاسی از جنس زمین و نسبت مقاومت آن در برابر عوامل فرسایش به ویژه آب‌های روان است. این تپه‌ها بیشتر از تناوب لایه‌های نمکی و انیدریتی و مارن‌های رنگارنگ و گاهی آهکی و مقداری شیل تشکیل گردیده است که در مقابل فرسایش حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند. از دیگر بخش‌های زمین‌شناسی منطقه مورد مطالعه، سازند گورپی^{۱۰} است که یکی از سازندهای حوضه‌ی رسوبی زاگرس به شمار می‌رود (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴-۳). در این منطقه سازندهای آهکی آسماری و بنگستان که دارای پتانسیل لغزشی بسیار فراوانی هستند، به عنوان واحدهای مقاوم و سازندهای پاینده، شیل‌های گورپی و گرو را به عنوان واحدهای غیر مقاوم و انعطاف‌پذیر می‌توان نام برد (یمانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸). در

برخی از منابع، سازنده‌های گورپی (GU)، ایلام- سورگه (IL-SG) و سروک (SV) را متعلق به دوران دوم زمین‌شناسی و سازنده‌های پابده (Pd)، آسماری (As)، گچساران (Gs) و آغاچاری (Aj) را به دوران سوم متعلق می‌دانند. تشکیلات عهد حاضر (ALs, AL) نیز در دوران چهارم زمین‌شناسی در درهٔ سیمره شکل گرفته‌اند (مظاهری و نظری، ۱۳۸۷: ۴۲، نقشهٔ شمارهٔ ۱).



نقشهٔ شمارهٔ ۱: زمین‌شناسی شهرستان دره‌شهر (یمانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸).

نمونه‌های مورد مطالعه

در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده، تزئینات گچ‌بری مسجد سیمره، بخش کوهپایه‌ها در ضلع غربی بنا و ملات به کاررفته در آثار معماری شهر تاریخی سیمره، سه نمونه تهیه و به آزمایشگاه پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث فرهنگی و شرکت خصوصی بینالود برای انجام مطالعات آزمایشگاهی XRF و XRD ارسال شدند (تصویر شمارهٔ ۳).



تصویر شماره ۳: موقعیت جغرافیایی برداشت نمونه‌ها از شهر تاریخی صیمره (نگارندگان).

روش‌های آزمایش دستگاه XRF

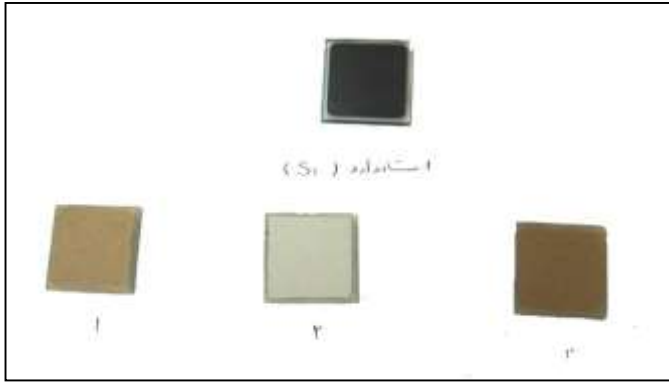
XRF دستگاهی است برای اندازه‌گیری طول موج و شدت امواج فلورسانس ساطع شده از اتم‌های مختلف در نمونه که نتیجه آن شناسایی نوع و میزان عناصر ماده است. طیف سنجی فلورسانس پرتو X یکی از روش‌های آنالیز است که از برهم کنش پرتوهای X با یک ماده استفاده می‌کند، تا ترکیب عناصر آن ماده را بدست آورد (سرداری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۷). XRF به عنوان ابزاری سریع در آنالیز دستگاهی، در بسیاری از آزمایشگاه‌های سراسر جهان به طور وسیعی به کار گرفته می‌شود. برای آنالیز نمونه‌های همگن و یا آن‌هایی که نسبت به تجزیه شدن مقاوم هستند، کارآیی بالایی دارد. همچنین هنگامی که با اشیای موزه‌ای سر و کار داریم، سیستم XRF به دلیل غیر مخرب بودنش روش مطلوبی به شمار می‌رود. از این روش برای منشأیابی افسیدین، شیشه، سرامیک و فلز نیز استفاده می‌شود (نیکنامی و رضایی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). این تکنیک همچنین در زمینه‌های مختلف همانند متالورژی، جرم‌شناسی، علوم پلیمر، باستان‌شناسی، شیمی، محیط زیست، زمین‌شناسی و معدن‌شناسی به کار

می‌رود (سبزعلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴، گلستانی فرد، ۱۳۸۳: ۹۳). مزیت این روش نسبت به پیکسی این است که با انتخاب مناسب هدف اولیه، عناصر خاصی را می‌توان ترجیحاً در نمونه تشخیص داد.

دستگاه XRD

XRD دستگاهی است برای اندازه‌گیری فواصل صفحات اتمی یا به عبارتی شناسایی ساختمان مواد که نتیجه آن تعیین نام کانی یا کانی‌های تشکیل دهنده نمونه است. این دستگاه کاربرد وسیعی در علم زمین‌شناسی، مواد، علوم محیطی، شیمی، فیزیک، متالورژی و دیگر علوم وابسته دارد. روش پراش پرتو ایکس (X-ray Diffraction, XRD)، از آن جهت که روش مستقیمی برای تعیین نوع فازها و ساختار بلورین مواد است، بسیار اهمیت دارد. در واقع پیشرفت چند دهه اخیر شناسایی فازی، کانی‌شناسی و بلورشناسی، در گرو کشف این روش می‌باشد (محمدی‌فر، ۱۳۳۲، ۳). در این روش نمونه‌ها (تصویر شماره ۴) در معرض بمباران پرتوهای اشعه ایکس با طول موج ۱.۰۰- آنگستروم قرار داده می‌شوند. حاصل کار یک دیفراکتوگرام یا الگوی پراش است. هر نمونه با توجه به ساختار بلوری آن الگوی پراش منحصر به فردی دارد که با مقایسه آن با الگوهای پراش استاندارد نوع ترکیب شناسایی می‌شود. شناسایی نمونه‌ها در الگوی پراش پودری بر اساس موقعیت خط‌ها و شدت نسبی آن‌ها صورت می‌گیرد. دستگاه پراش سنج پرتو ایکس در این پژوهش، از نوع پودری است و در سال ۱۳۷۴ در پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار نصب و راه‌اندازی شد. این دستگاه متعلق به کمپانی SIEFERT مدل T2T و ساخت کشور آلمان می‌باشد. تیوب این دستگاه از جنس مس با توان ۵/۳ کیلو وات است و در شرایط

شدت جریان ۳۰ Ma و ولتاژ ۴۰ kv نمونه‌ها آنالیز می‌شود. با روش پراش پرتو X طول موج‌های مختلف را می‌توان جدا ساخته و اندازه‌گیری نمود.

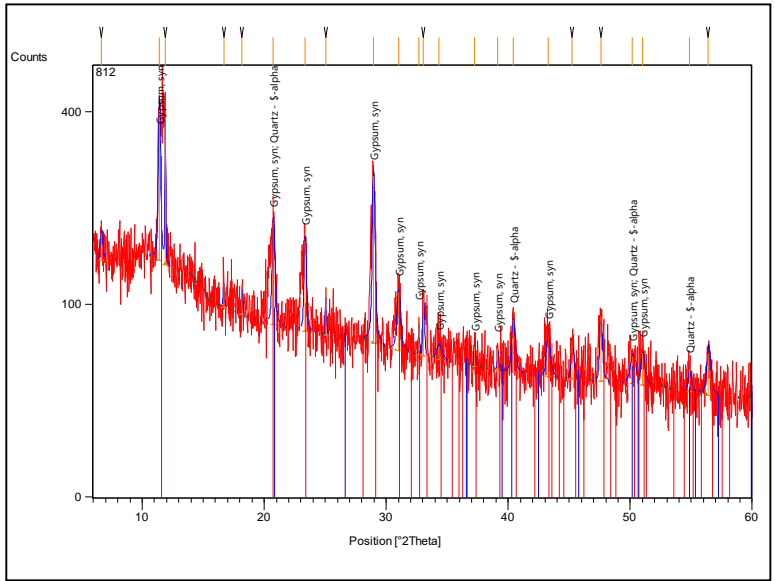


تصویر شماره‌ی ۴: تصویری از نمونه‌های آماده شده به روش قرص برای آنالیز با روش XRD

تحلیل و تفسیر داده‌ها

بعد از آماده‌سازی پودری نمونه‌ها، قرص از نمونه تهیه و در دستگاه XRD تحت زاویه ۵ تا ۶۰ درجه (2θ) آنالیز شد و اطلاعات مربوط به شناسایی فازهای بلوری با استفاده از نرم‌افزار خود دستگاه و همچنین بانک اطلاعاتی PDF2 با نرم‌افزار High Xpert Score Plus مقایسه و بررسی شدند. این داده‌های خام در نرم‌افزارهای مناسب به صورت نمودار ترسیم می‌گردد. که در یک محور فاصله شبکه‌ای و یا زاویه بین اشعه‌ی تابش و اشعه‌ی بازتابش و در محور دیگر شدت بازتابش قرار دارد. در مرحله بعد انطباق کارت‌های استاندارد با پیک‌های مجهول است. کارت‌های استاندارد کارت‌هایی است که در شرایط آزمایشگاه و نمونه‌های خالص مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. حال، با استفاده از یک روش آماری، کارت‌ها بر دیاگرام نمونه مجهول منطبق می‌گردد و سپس فازهای مختلف شناسایی می‌گردد. نتیجه کار به صورت یک دیاگرام و یک جدول شامل نام فازهای مختلف ارائه می‌گردد.

تفسیر نتایج آزمایش نمونه سنگ گچ کوهپایه‌های اطراف شهر تاریخی صیمره
 در نتیجه آزمایش نمونه مورد مطالعه و برداشت شده از کوهپایه‌های اطراف شهر
 تاریخی صیمره طیف زیر به دست آمد (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: آنالیز XRD سنگ گچ کوهپایه‌های اطراف شهر تاریخی صیمره (نگارندگان).
 با کمک نرم‌افزارهای موجود ابتدا پیک‌های (قله‌ها) شاخص حاصله، شناسایی و تعیین
 شدند. لیست پیک‌های مربوطه به شرح زیر است (جدول شماره ۱)؛

Pos. [°2Th.]	Height [cts]	FWHM [°2Th.]	D- spacing [?]	Rel. Int. [%]	Tip width [°2Th.]	Matched by
6.6673	36.41	0.2362	13.25758	14.33	0.2834	
11.4063	254.14	0.1968	7.75792	100.00	0.2362	00-033-0311
11.8739	242.43	0.0590	7.45343	95.39	0.0708	
16.6812	25.35	0.1181	5.31472	9.97	0.1417	
18.1887	31.48	0.0590	4.87747	12.39	0.0708	

20.7492	122.69	0.2362	4.28101	48.28	0.2834	00-033-031 01-075-0443
23.3439	103.42	0.1968	3.81072	40.69	0.2362	00-033-0311
25.0465	47.79	0.0590	3.55540	18.80	0.0708	
28.9514	213.66	0.2362	3.08413	84.07	0.2834	00-033-0311
30.9997	54.96	0.3149	2.88485	21.62	0.3779	00-033-0311
32.6562	33.38	0.0590	2.74221	13.13	0.0708	00-033-0311
33.0490	57.22	0.1181	2.71051	22.51	0.1417	
34.3313	10.49	0.4723	2.61215	4.13	0.5668	00-033-0311
37.2221	14.96	0.1181	2.41565	5.89	0.1417	00-033-0311
39.1417	15.45	0.1181	2.30149	6.08	0.1417	00-033-0311
40.3971	43.29	0.3149	2.23282	17.03	0.3779	01-075-0443
43.2575	31.92	0.3149	2.09158	12.56	0.3779	00-033-0311
45.2513	24.13	0.2362	2.00395	9.49	0.2834	
47.5715	52.44	0.1968	1.91149	20.63	0.2362	
50.1903	18.77	0.4723	1.81772	7.38	0.5668	00-033-0311; 01-075-0443
51.0087	21.90	0.3149	1.79046	8.62	0.3779	00-033-0311
54.8470	14.05	0.2362	1.67390	5.53	0.2834	01-075-0443
56.4002	27.34	0.2880	1.63008	10.76	0.3456	

جدول شماره ۱: لیست پیک‌های به دست آمده در آنالیز XRD سنگ گچ کوهپایه‌های

شهر تاریخی صیمره

آنچه که در این داده‌ها برای ما مهم است عدد d -spacing و 2θ [deg] و در صد مربوطه است. با در دست داشتن این اعداد و مقایسه آن‌ها با بانک اطلاعاتی موجود به ترکیب مواد سازنده پی خواهیم برد که در این نمونه و بررسی این اطلاعات و پیک‌های شاخص در بانک XRD به ترکیب ژیبس یا گچ ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$) و کوارتز (SiO_2) رسیدیم (جدول شماره ۲).

Visible	Ref. Code	Score	Compound Name	Displacement [°2Th.]	Scale Factor	Chemical Formula
*	00-033-0311	32	Gypsum, syn	0.000	0.328	Ca S O ₄ · 2 H ₂ O
*	01-075-0443	15	Quartz - α	0.000	0.044	Si O ₂

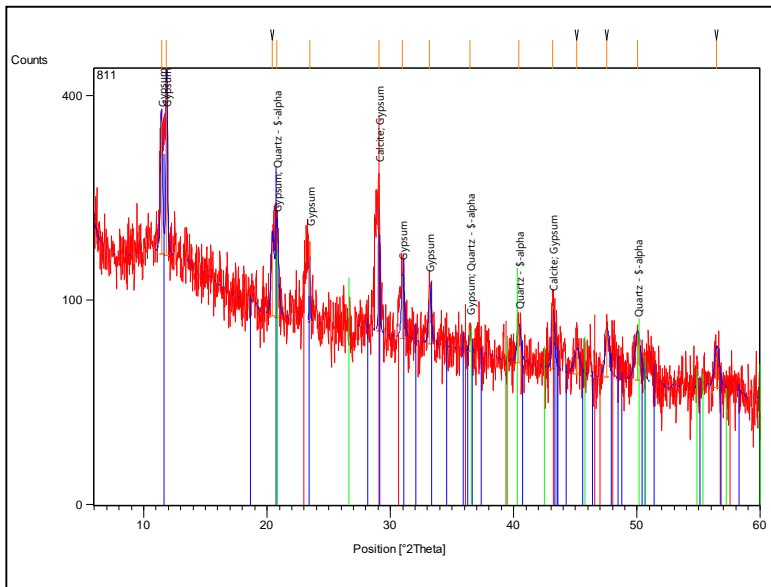
جدول شماره ۲: نتایج XRD نمونه‌های کوهاپایه (نگارندگان)

مقایسه این اطلاعات با نتایج XRF نشان می‌دهد (جدول شماره ۳) که در این نمونه اکسید کلسیم و گوگرد از فراوانی بیشتری برخوردارند که هر دو از بنیان‌های ساختار ژئیس (سولفات کلسیم آبدار) هستند. اکسید سیلس (SiO₂)، اکسید آلومینیوم (Al₂O₃)، اکسید سدیم (Na₂O)، اکسید پتاسیم (K₂O)، اکسید منیزیم (MgO)، اکسید تیتانیم (TiO₂)، اکسید منگنز (MnO)، اکسید فسفر (P₂O₅) موجود که در آنالیز XRF نیز مشاهده می‌شود ترکیباتی هستند که در ساختار کانی‌های رسی دیده می‌شود و چون تنوع این کانی‌ها فراوان بوده و قابلیت تبادل کاتیونی بالایی دارند، معمولاً انواع این کاتیون‌ها را در خود دارند. مقدار بالای عدد L.I.O نشان دهنده ترکیبات فراری همچون آب و دی‌اکسید کربن و مواد آلی است که در اثر حرارت دادن نمونه از دست می‌روند. این عدد نیز خود تأییدی بر وجود گچ، که یک ترکیب سولفات آبدار است و نیز کانی‌های رسی است که در ساختار خود آب بین لایه‌ای دارند؛ اما باید توجه شود که تمام مقدار مواد کربناته و آلی موجود در ساختار نیز به این حجم مواد، XRF فرار افزوده می‌شوند (جدول شماره ۳). به عبارت دیگر آزمایش نسبت به بقیه روش‌های ذکر شده به جز پژوهش‌های ویژه، آنالیز چندان مفیدی برای شناسایی ساختار آثار گچی تاریخی نیست.

نمونه	Si o 2	Al ₂ o ₃	Fe 2o 3	Ca o	Na 2o	K 2 o	Mg o	Ti o 2	Mn o	P ₂ o ₅	So 3	L.O .I	Sr
	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	ppm

جدول شماره ۳: نتایج XRF نمونه‌های برداشت شده از سنگ گچ کوهپایه‌های شهر تاریخی صیمره

تفسیر نتایج آزمایش نمونه ملات گچ تزئینات گچ بری مسجد صیمره
 در نتیجه آزمایش نمونه مورد مطالعه و برداشت شده از ملات گچ تزئینات گچ بری‌های مسجد صیمره طیف زیر به دست آمد (نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲: آنالیز XRD سنگ گچ ملات به کاررفته در تزئینات گچ بری مسجد صیمره

همانند نمونه کوهپایه، با کمک نرم‌افزارهای موجود ابتدا پیک‌های (قله‌ها) شاخص حاصله شناسایی و تعیین شدند. لیست پیک‌های مربوطه به شرح زیر است (جدول شماره ۴)؛

Pos. [°2Th.]	Height [cts]	FWHM [°2Th.]	D-spacing [Å]	Rel. Int. [%]	Tip width [°2Th.]	Matched by
11.4336	203.7	0.1574	7.73941	72.63	0.1889	00-036-0432
	4					
11.8542	280.5	0.1181	7.46575	100.00	0.1417	00-036-0432
	0					
20.4403	80.31	0.2362	4.34501	28.63	0.2834	
20.7809	99.29	0.2362	4.27455	35.40	0.2834	00-036-0432; 01-075-0443
23.4369	84.88	0.0590	3.79581	30.26	0.0708	00-036-0432
29.0646	185.3	0.0590	3.07237	66.08	0.0708	01-086-2343; 00-036-0432
	5					
30.9924	59.55	0.2362	2.88552	21.23	0.2834	00-036-0432
33.1844	49.47	0.1968	2.69975	17.64	0.2362	00-036-0432
36.4473	16.62	0.1574	2.46521	5.92	0.1889	00-036-0432; 01-075-0443
40.3988	28.75	0.3149	2.23274	10.25	0.3779	01-075-0443
43.1746	50.39	0.1968	2.09540	17.97	0.2362	01-086-2343; 00-036-0432
45.1149	16.55	0.4723	2.00969	5.90	0.5668	
47.5616	34.74	0.3149	1.91186	12.38	0.3779	
50.0136	33.55	0.4723	1.82373	11.96	0.5668	01-075-0443
56.4311	19.66	0.3840	1.62926	7.01	0.4608	

جدول شماره ی ۴: لیست پیک‌های به دست آمده در آنالیز XRD ملات

تزیینات گچ‌بری مسجد شهر تاریخی صیمره

در این نمونه‌ها با توجه به اطلاعات به دست آمده و پیک‌های حاصل، ترکیب غالب کلسیت به همراه ژیپس است. وجود کمی کانی کوارتز احتمالاً در این نمونه، به منظور کمک به دیر شکل گرفتن گچ (جهت داشتن زمان برای شکل دهی) به آن افزوده شده است. درصد بالای اکسید کلسیم و گوگرد در آنالیز XRF هم مؤید ترکیب گچ و کلسیت در این نمونه است (جدول شماره ۴). افزایش مقدار اکسید سیلیس در اینجا به خاطر وجود مقداری کوارتز در ترکیب نمونه است که در نتایج XRD نشان داده شده است (جدول شماره ۵). این نمودار نشان می‌دهد که فاز غالب

گچ به صورت ژئیس می‌باشد که نشان دهنده‌ی شیوه عمل‌آوری مناسب و ترکیب اصولی آن با آب می‌باشد.

نمونه	Si 2	Al 3	Fe 3	Ca o	Na 2o	K 2o	M go	Tio 2	M no	P2o 5	So 3	L. O.I	Sr
	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	PP m
ملا	۵	.۶۴	.۲۷	.۰۲	.۰۵	۱۸	۴۹	.۰۳۴	۰۰	.۰۵۱	.۲۹	.۰۹	۱۵۷
ت	.۱	۰	۰	۳۱	۰	۰	۰	۰	.۶	۰	۴۳	۲۱	۰
گچ	۲								۰				
بری													

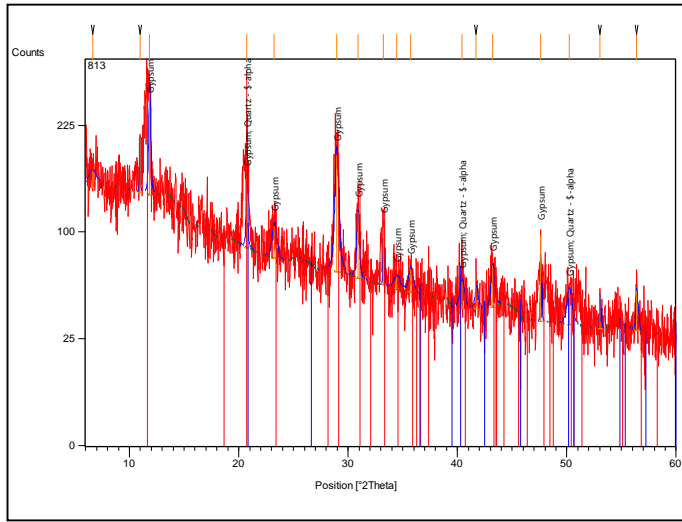
جدول شماره ۴: نتایج XRF نمونه‌های برداشت شده از ملات گچ

ترتینات گچ بری مسجد صیمره

Visible	Ref. Code	Score	Compound Name	Displacement [°2Th.]	Scale Factor	Chemical Formula
*	01-086-2343	40	Calcite	0.000	0.636	Ca (CO ₃)
*	00-036-0432	35	Gypsum	0.000	0.413	Ca SO ₄ !2 H ₂ O
*	01-075-0443	14	Quartz - \$-alpha	0.000	0.189	SiO ₂

جدول شماره ۵: نتایج XRD نمونه‌های ملات گچ ترتینات گچ بری مسجد صیمره (نگارندگان).

تفسیر نتایج آزمایش نمونه ملات گچ به کاررفته در آثار معماری شهر تاریخی صیمره در نتیجه آزمایش نمونه مورد مطالعه و برداشت شده از ملات آثار معماری شهر تاریخی صیمره طیف زیر بدست آمد (نمودار شماره ۳)؛



نمودار شماره ۳: آنالیز XRD ملات آثار معماری شهر تاریخی صیمره

همانند نمونه‌های گذشته، با کمک نرم‌افزارهای موجود ابتدا پیک‌های (قله‌ها) شاخص حاصله شناسایی و تعیین شدند. لیست پیک‌های مربوطه به شرح زیر است (جدول شماره ۶)؛

Pos. [°2Th.]	Height [cts]	FWHM [°2Th.]	D-spacing [Å]	Rel. Int. [%]	Tip width [°2Th.]	Matched by
6.6307	19.47	0.9446	13.33077	14.25	1.1336	
10.9490	71.28	0.0590	8.08086	52.18	0.0708	
11.8451	136.59	0.1968	7.47147	100.00	0.2362	00-036-0432
20.7211	117.30	0.1181	4.28675	85.88	0.1417	00-036-0432; 01-075-0443
23.2496	29.04	0.4723	3.82595	21.26	0.5668	00-036-0432
28.9476	119.24	0.3936	3.08452	87.30	0.4723	00-036-0432
30.8861	58.94	0.2362	2.89521	43.15	0.2834	00-036-0432

33.2248	47.08	0.0787	2.69657	34.47	0.0945	00-036-0432
34.4428	8.90	0.6298	2.60394	6.52	0.7557	00-036-0432
35.7080	16.76	0.4723	2.51453	12.27	0.5668	00-036-0432
40.4103	18.46	0.4723	2.23213	13.51	0.5668	00-036-0432; 01-075-0443
41.7163	13.98	0.3149	2.16522	10.24	0.3779	
43.2008	29.66	0.3149	2.09419	21.71	0.3779	00-036-0432
47.6079	63.93	0.0590	1.91011	46.80	0.0708	00-036-0432
50.1962	21.59	0.4723	1.81752	15.80	0.5668	00-036-0432; 01-075-0443
53.0326	20.17	0.0720	1.72538	14.77	0.0864	
56.3833	23.67	0.1440	1.63053	17.33	0.1728	

جدول شماره ۶: لیست پیک‌های به دست آمده در آنالیز XRD ملات آثار معماری شهر صیمره

در این نمونه‌ها نتایج XRD و XRF از حضور ژئیس حکایت دارد. اکسیدهای موجود نیز وجود کانی‌های رسی را تایید می‌کنند (جدول شماره ۸ و ۷).

Visible	Ref. Code	Score	Compound Name	Displacement [°2Th.]	Scale Factor	Chemical Formula
*	00-036-0432	32	Gypsum	0.000	0.679	CaS O ₄ ·2H ₂ O
*	01-075-0443	14	Quartz - alpha	0.000	0.091	SiO ₂

جدول شماره ۷: نتایج XRD نمونه‌های ملات آثار معماری شهر تاریخی صیمره

نمونه	SiO ₂	Al ₂ O ₃	Fe ₂ O ₃	CaO	Na ₂ O	K ₂ O	MgO	TiO ₂	MnO	P ₂ O ₅	So ₃	L.O.I	Sr
	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	ppm
ملات	.۵۹	.۴۲	.۰۱۹	.۳۱	.۰۱	.۱۱	.۱۹	.۰۲	.۰۰	.۰۳	.۰۲	.۸۶	۵۲
آثار معماری	۱	۰		۳۲	۰	۰	۰	۰.۷	۰.۸	۰.۸	۴۴	۲۰	۱

جدول شماره ۸: نتایج XRF نمونه‌های برداشت شده از ملات آثار معماری شهر تاریخی صیمره (نگارندگان).

نتیجه‌گیری:

با استناد به نتایج مطالعات آزمایشگاهی و بررسی ترکیب نمونه‌های مورد مطالعه، نتایج زیر حاصل شد:

- ترکیب ژپس $(CaSO_4 \cdot 2H_2O)$ و کوارتز (SiO_2) در همه نمونه‌ها دیده می‌شود.
- ترکیب کلسیت $(CaCO_3)$ تنها در نمونه‌های ملات گچ تزئینات گچ بری مسجد صیمره دیده شد.

- بر اساس نتایج به دست آمده از آنالیز XRF مابقی عناصر به دست آمده، عناصر موجود در ترکیب کانی‌های رسی و برخی ناخالصی‌های اولیه در سنگ گچ است. کانی‌های رسی در طبیعت طی فرآیندهای هوازدگی و فرسایش سنگ‌های منطقه ایجاد می‌شوند و افزودن خاک رسی به گچ به مقادیر زیاد آن را کندگیر می‌کند.

همانطور که مطرح شد مهم‌ترین یافته این پژوهش که نشان‌دهنده شیوه ساخت ملات تزئینات گچ‌بری و ترکیبات آن است، اضافه شدن کلسیت به ترکیبات ملات گچ است. بنابر نتایج مطالعات آزمایشگاهی این پژوهش، در ترکیبات سنگ گچ تپه‌های گچی ضلع غربی شهر تاریخی صیمره، کلسیت مشاهده نشد. این ماده که به صورت طبیعی در سنگ آهک یافت می‌شود، در ترکیب با گچ سبب دیرگیری آن و در نتیجه فراهم آوردن شرایطی زمانی مناسب برای ایجاد نقش بر روی سطوح گچ‌بری و نیز استحکام بخشی و بالابردن سطح مقاومت آن می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد، چنین ترکیبی در ملات گچ تزئینات گچ‌بری مسجد صیمره، آگاهانه و با ترکیب مواد آهکی (خاک یا سنگ) به همراه سنگ گچ منطقه حاصل گردیده است. همانگونه که پیش از این و در بخش پیشینه پژوهش مطرح شد، به نظر می‌رسد ترکیب چنین موادی در ایجاد سطوح گچ‌بری در دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی، امری متداول و

مهم بوده است چراکه مطالعات XRF انجام شده نشان می‌دهد که در ساختار ملات دوره ساسانی ترکیب گچ و سنگ آهک که در سنگ اولیه گچ به صورت "ژیپس" به همراه "کلسیت" یا "منیزیت" وجود دارد، استفاده شده است. در پاسخ به بخشی دیگر از اهداف پژوهش که دستیابی به موقعیت مکان تأمین گچ مورد نیاز ملات آثار معماری و تزئینات گچ‌بری شهر تاریخی صیمره بود، بنظر می‌رسد با توجه به نقشه زمین‌شناسی شهرستان دره شهر و با توجه به قرارگیری شهر تاریخی در بخشی از این شهرستان که ساختار زمین‌شناسی آن را سازند گچساران تشکیل می‌دهد، تپه‌های ضلع غربی شهر تاریخی، مکان تأمین گچ مورد نیاز ملات گچ بخش‌های گوناگون معماری این شهر تاریخی بوده است. بر این اساس، بنظر می‌رسد قرارگیری شهر تاریخی صیمره در دامنه‌های گچی رشته کوه کبیر کوه با هدف برپایی سازه‌های معماری با تکیه بر مصالح بوم‌آورد، همانند ترکیب کلسیت با ملات گچی که با روش سنتی نیم-کوب^{۱۲} آن را به مصارف مورد نیاز خود می‌رسانند، امری آگاهانه بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Archaeometry
2. Lime
3. gypsum
4. dolomite
5. quartz
6. anhydrite
7. bassanite

۸. جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک به؛

۹. لک‌پور، سیمین، (۱۳۸۹)، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (صیمره)، پازینه و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.

۱۰. در گذشته این سازند به نام فارس بالائی مشهور بود. سازند آغاچاری از حدود ۳۰۰۰ متر ماسه سنگ آهکی قهوه‌ای رنگ تاخاکستری، مارن‌های قرمز ژپس دار و همچنین سیلتستون تشکیل شده است (پایگاه ملی داده‌های علوم زمین). بالا آمدن کوه‌ها و پس‌روی دریا بر اثر چین‌خوردگی و راندگی طی زمان میوسن پایانی و پلیوسن موجب تشکیل محیط و حوضه‌های خلیج دهانه‌ای و دریاچه‌ای شده است. مقدار زیادی مواد تخریبی به صورت لایه‌های قرمز و رسوبات تخریبی در ناودیس‌های مجاور انباشته شده و بدین طریق سازند آغاچاری در حوضه‌ی زاگرس به وجود آمده است (امیری بختیاری، ۱۳۹۲: ۳۹).

۱۱. نام این سازند از کوه گورپی، در شمال شهرستان مسجدسلیمان گرفته شده است. در گویش بختیاری گورپ به معنای صدای انفجار است. این سازند قبلاً قسمتی از مارن دزک و یا قسمتی از مارن‌های دارای گلویریژنیا محسوب می‌گردید. برش نمونه سازند گورپی در تنگ پابده در یال جنوب‌غربی پلانچ جنوب شرقی کوه گورپی، در شمال شهرستان لالی و مسجدسلیمان، اندازه‌گیری شده است. در مورد مختصات رأس این سازند اختلاف نظرهایی وجود دارد (پایگاه ملی داده‌های علوم زمین: اطلاعات علوم زمین).

۱۲. در بررسی ساختارهای خانواده سولفات‌های کلسیم سه ماده وجود دارند که قابل تبدیل به یکدیگر هستند. این سه ماده عبارتند از: انیدریت یا همان گچ سوخته (CaSO_4)، بازانیت یا همی‌هیدریت ($\text{CaSO}_4 \cdot 0.5 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$)، که همان پودر گچ قبل از اختلاط با آب است؛ و ژپس، یا سولفات کلسیم دو آبه ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$)، که همان سنگ گچ قبل از پخت یا ملاط گچ بعد از گیرش است (عباسیان، ۲۲: ۱۳۷۱؛ Hudson-Lamb Et Al., 1996: 283).

۱۳. جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد تولید گچ نیم‌کوب به روش سنتی در گذشته ر. ک به؛

۱۴. سلیمانی، آرین، پیرک، مهدی، (۱۳۹۱)، بازتولید گچ نیم‌پخت نیم‌کوب، به روش سنتی، فصلنامه پژوهش معماری رضوی، سال اول، شماره ۱، ۷۳-۶۱.

منابع و مآخذ:

- امیری‌بختیاری، حسن، نورائی‌نژاد خیرالله؛ (۱۳۹۳)، «بازنگری چینه‌شناسی زاگرس: سازندهای گچساران»، ماهنامه علمی- ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز/ شماره ۱۱۱، ۴۵-۴۰.

- بحرالعلومی، فرانک؛ (۱۳۹۳)، «باستان سنجی، راه ارتباطی علوم طبیعی و باستان‌شناسی» فصلنامه فیزیک روز، شماره پنجم، ۳۲-۳۷.

- حسینی، سیدهاشم. یوسفوند، یونس. میری، فرشاد؛ (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقوش گچ بری‌های مکشوفه شهر تاریخی صیمره با نمونه‌های مسجد جامع نائین»، مجله پژوهش هنر، شماره ۹، صص ۸۵-۷۱.

- ربانی، جواد و قاسمی نژاد، ابراهیم و امینی، عبدالحسین؛ (۱۳۸۸)، «پالینواستراتیگرافی و چینه‌نگاری سکانسی سازند گورپی در برش دره شهر جنوب شرقی ایلام»، فصلنامه زمین‌شناسی ایران، سال سوم، شماره دهم، ۱۳-۳.

- سبزی‌مهدی، گودرزی‌علیرضا، خزایی کوهپیر مصطفی، خادمی ندوشن فرهنگ؛ (۱۳۸۹)، «مطالعه وضعیت اقتصادی اشکاتیان در دوران مهرداد اول و مهرداد دوم، براساس آزمایش سکه‌های نقره (یک‌درهمی) به وسیله دستگاه XRF» پیام باستان‌شناس، دوره ۷، شماره ۱۳، ۱۰۰-۹۱.

- سرداری، علیرضا، طاهری، محمدحسین، بهشتی، سید ایرج؛ (۱۳۹۶)، آنالیز پتروگرافی و XRF سفال‌های دوره‌ی باکون تل مش کریم شهرستان سیمرم، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۵، دوره هفتم، ۸۰-۶۵.
- سلیمانی، آرین، پیرک، مهدی؛ (۱۳۹۱)، بازتولید گچ نیم‌پخت نیم‌کوب، به روش سنتی، فصلنامه پژوهش معماری رضوی، سال اول، شماره ۱، ۷۳-۶۱.
- شریفی‌نیا، اکبر، شاکرمی، طیبه؛ (۱۳۹۶)، باستان‌شناسی و تاریخ دره شهر (سیمره)، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
- صالحی کاخکی، احمد، و اصلانی، حسام؛ (۱۳۹۰)، معرفی دوازده گونه از آرایه‌های گچی در تزئینات معماری دوران اسلامی ایران براساس شگردهای فنی و جزئیات اجرایی، مطالعات باستان‌شناسی، ۸۹-۱۰۶: تابستان و پاییز، دوره ۳، شماره ۱.
- عباسیان، میرمحمد؛ (۱۳۷۱)، مبانی شیمی فیزیک گچ، شرکت ایران گچ، تهران.
- فیروزمندی، شیره‌جین، ماهیار، شاهین؛ (۱۳۹۳)، «آنالیز عنصری ملات دوره ساسانی به روش XRD و استفاده از آن در تاریخ‌گذاری بناهای منتسب به این دوره»، فصلنامه مطالعات ایرانی، سال ۱۳، شماره ۲۵، ۲۳۳-۲۱۷.
- گلستانی‌فرد، فرهاد، محمدعلی بهره‌ور، اسماعیل صلاحی؛ (۱۳۹۶)، روش‌های شناسایی و آنالیز مواد، دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
- لک‌پور، سیمین؛ (۱۳۸۹)، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (سیمره)، چاپ اول، انتشارات پازینه. تهران.
- مبینی، مهتاب، شاکرمی، طیبه، شریفی‌نیا، اکبر؛ (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی تزئینات گچ بری مسجد صیمره با مسجد نه گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی، فصلنامه هنرهای تجسمی، دوره ۲۳، شماره ۱، ۷۲-۶۱.

- محتشم، عادل، صالحیون، لیلا، احمدی، کامران؛ (۱۳۹۳) بررسی فنی تزیینات گچ
بری خانه شهشهان اصفهان با استفاده از روش‌های دستگاهی *SEM-EDM* و *XRD*
و شیمی تر، فصلنامه مواد و فناوری‌های پیشرفته، جلد ۳، شماره ۲، ۴۹-۳۷.
- محمدی‌فر، یعقوب، امینی، فرهاد؛ (۱۳۹۴)، باستان‌شناسی و هنر ساسانی، شاپیکان،
تهران.
- مظاهری، خداکرم، نظری، رحیم؛ (۱۳۸۷)، مکان‌یابی محل‌های باستانی عصر مفرغ
دره سیمره با کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی، مجله پیام باستان‌شناس، شماره ۱۰،
سال ۵، صص: ۴۷-۳۳.
- نیکنامی، کمال‌الدین، رضایی، ایرج؛ (۱۳۹۲)، تجزیه عنصری خاک باستانی دوره
مس- سنگی تپه زاغه برای شناسایی مکان‌های فعالیت‌های ویژه، مطالعات باستان‌شناسی،
دوره ۵، شماره ۲، ۱۸۲-۱۶۳.
- یمانی، مجتبی، گورابی، ابوالقاسم، عظیمی‌راد، صمد، (۱۳۹۱)، زمین‌لغزش بزرگ
سیمره و توالی پادگان‌های دریاچه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، شماره ۴،
سال ۴۴، صص: ۶۰-۴۳.

1. Blair S, 2000, "The Origin & History of Plasterwork (Stucco) in Iran" ,the Circle of Ancient Iranian Studies (CAIS) , pp 242-244.
2. Kamel, A.M.A, Marie, H.A.H, F. Ali, M, Mahmoud, H.A, (2014), " Chemical and physical characterization of the stucco mihrab of the mausoleum of Muhammad Al-Hasawati, Fatimid period, Cairo, Egypt", Periodico di Mineralogia, Vol 83, No 3, and PP: 313-327.
3. Hudson-Lamb, D. L., Strydom, C. A., & Potgieter, J. H. (1996). The thermal dehydration of natural gypsum and pure calcium sulphate dehydrate (gypsum). *Thermochimica acta*, 282, 483-492.
4. Kröger, J. (1982). Sasanidischer Stuckdekor: Ein Beitrag zum Reliefdekor aus Stuck in sasanidischer und frühilamischer Zeit nach den Ausgrabungen von 1928/9 und 1931/2. Mainz: Philipp Von Zabern.

نقش صنایع دستی در توسعه کارآفرینی روستایی در مناطق زاگرس نشین

(مطالعه موردی: گلیم گل برجسته ایلامی)

منیژه افرا^۵، حبیب اله محمودیان^۶، شهرام سرابی آسیابر

چکیده شهرام سرابی

بررسی های تاریخی نشان می دهد روستائیان در فصول غیر کشت با بهره گیری از مواد اولیه حاصل از کشاورزی و دامداری به تولید انواع صنایع دستی مورد نیاز در زندگی روزمره خانوار های زاگرس نشین پرداخته و از این رهگذر ضمن پر کردن اوقات فراغت، بخشی از نیازهای اقتصادی خود را تأمین می نمایند. توسعه این بخش رونق بازار کار و کارآفرینی روستایی را در مناطق غربی ایران بویژه در استان های ایلام و لرستان موجب شده است. در واقع وجود مواد اولیه، سابقه تولید، عدم نیاز به سرمایه گذاری گسترده و بسیاری مزایای دیگر در تحولات اقتصاد متکی بر صنایع دستی روستائیان نقش مؤثر داشته است. گلیم گل برجسته از جمله زیرانداز های سنتی و بومی روستائیان ایلامی بوده که با ابتکار و خلاقیت هنرمندان این رشته از صنایع دستی در بازار منطقه و کشور به شهرت رسیده است. در این نوشتار این هدف دنبال شده تا یافته های حاصل از پژوهش های علمی در این زمینه ارائه گردد.

واژگان کلیدی: صنایع دستی و سنتی، گلیم بافی، نساجی سنتی، گلیم نقش برجسته،

بافته های داری، زاگرو- ایلامی. مدرس و پژوهشگر باستان شناسی

مقدمه: کمتر صنعت دستی را می توان یافت که امکان ایجاد رشد و توسعه در مناطق روستایی را نداشته باشد؛ چرا که این صنایع دستی نه تنها امکان تولید در مناطق

^۵ - مدرس دانشگاه و پژوهشگر پژوهشگاه وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

^۶ - عضو هیئت علمی دانشگاه.

روستایی را داشته و دارند؛ بلکه در واقع اساس منشاء و منبع اصلی آنها مناطق روستایی بوده است. صنایع دستی به جهت ماهیتی که دارند یا ناشی از فرهنگ جوامع بوده و یا منعکس کننده هویت و فرهنگ بومی منطقه‌اند و چون از آنها به عنوان سفیران فرهنگی نام برده می‌شود، همیشه مردمانی طالب دانستن هویت و اسرار این فرهنگ دیرینه هستند و همواره گروهی را به سوی خود جلب می‌کند. اینجاست که انگیزه‌ای برای شکل دادن صنعتی دیگر به نام صنعت تولیدات دستی نمایان می‌شود. صنایع دستی امروزه به قدری در توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان در تدوین برنامه‌های اقتصادی، این مهم را لحاظ می‌نمایند. از جهتی تولیدات صنایع دستی در میان فرهنگ‌های مختلف زمینه‌ساز توسعه بخش توریسم و گردشگری شده است. از این‌رو، صنایع دستی یکی از منابع مهم درآمدزایی در عرصه‌های جهانگردی است. در خیلی از مناطق دیدنی، صنایع دستی را که براساس ویژگی‌های بومی و استعدادهای هر منطقه تولید شده عرضه می‌نمایند.

این اقدام ضمن اشتغال و کارآفرینی و جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها، جاذبه‌های گردشگری را به سود اقتصاد ملی افزایش می‌دهد. لذا، صنایع دستی نقش بسزایی در جذب و جلب گردشگران دارد و از طرفی با برنامه ریزی همه جانبه و بنیادی در صنعت گردشگری می‌توان آمار اشتغال و کارآفرینی در بخش صنایع دستی را نیز بالا برد. جهانگردی برای صنایع دستی و محصولات محلی بازار به وجود می‌آورد و صنایع دستی و فرآورده‌های محلی موجب جلب گردشگر می‌شود. ایران یکی از ده کشور پرجاذبه گردشگری در جهان است و آثار بی‌شمار تاریخی، باستانی

و جاذبه‌های طبیعی آن به حدی است که هر گردشگری را با هر سلیقه و یا هر بینش و تفکری به سوی خود جلب می‌کند، با توجه به اینکه یکی از سیاست‌های کشورمان در زمینه اقتصادی دستیابی به سهم مناسب در تجارت جهانی است. لذا، رونق صنایع دستی به ویژه در روستاها و مناطق عشایری می‌تواند این هدف مهم و کلیدی را محقق سازد. بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد استان‌های ایلام و لرستان واقع در بخش غربی زاگرس به دلیل شرایط جغرافیایی، فعالیت‌های دامپروری و زندگی کوچ‌نشینی در عرصه تولیدات فراورده‌های صنایع دستی و سستی به ویژه تولیدات مورد نیاز در زندگی روزمره کوچ‌نشینی از منظر تولیدات و تنوع در بخش صنایع دستی از جایگاه مطلوبی برخوردارند. بنابراین، برنامه‌ریزی متکی بر یافته‌های علمی و توجه به پیشینه تاریخی می‌تواند توسعه این صنعت را به دنبال داشته باشد. لذا، در این نوشتار علاوه بر شناسایی و معرفی صنایع دستی موجود در منطقه، ارتباط بین گردشگری و گسترش صنایع دستی و در نهایت بهبود وضع اقتصادی و کارآفرینی روستایی را مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

بوم‌شناسی منطقه مورد مطالعه

رشته‌کوه زاگرس شامل: کوه‌های متعدد و مرتفعی است که به موازات یکدیگر امتداد یافته و بخش عمده‌ای از غرب و جنوب کشور را از کردستان تا منطقه فارس در بر گرفته‌اند. کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه بزرگ‌ترین رودهای کشور است که در بخش جنوب غربی فلات ایران جریان دارند. این موقعیت موجب شده بیش‌ترین استقرارها و سکونتگاه‌های اولیه بشری در کنار این رودها ایجاد شوند.

در محدوده کوهستانی غرب زاگرس دو عارضه مهم جغرافیایی دیده می‌شود که از نظر بررسی تمدن‌ها و اقوام و نیز راه‌ها و پل‌های ارتباطی این منطقه مهم تلقی می‌شوند. این دو پدیده عبارتند از: رود سیمره (کرخه و شعبات آن) و دیگری سلسله ارتفاعات کبیرکوه. این پدیده‌ها در ایجاد شرایط خاص برای ایجاد راه‌ها و جاده‌ها مورد توجه می‌باشند (محمودیان، ۱۳۹۵: ۲۴). رود خانه سیمره در خوزستان کرخه نامیده می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۰: ۴۳). برخی، نام رود سیمره را از نام قوم کیمریان یا سیمریان دانسته‌اند. شاید هم سیمره در اصل «سین مره» بوده است. در تمدن سومر، خدای ماه و لقب شاهانی چون نارام‌سین، ابی سین و... بوده است. (سهرابی، ۱۳۷۶: ۴۶). نام رود از دو کلمه گا (= گاو) و ماساب (= ماهی) به وجود آمده است. (راولینسون، ۱۳۷۲: ۶۷).

تعاریف و مفاهیم

صنایع دستی: دست‌سازهایی که بار هنری دارند و نشأت گرفته از محیط طبیعی و زیستی انسان و متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، باورها و قومیت‌های یک ملت‌اند، صنایع دستی آن سرزمین را شامل می‌شوند (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۷).

صنایع دستی به بخشی از هنر و صنعت گفته می‌شود که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و به کمک دست و افزار دستی منجر به تولید، و ساخت محصولات می‌شود که هر واحد از این محصولات به شکلی ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده آن را به نمایش می‌گذارد (شایسته فر ۱۳۸۲: ۱). صنایع دستی از نظر ماهیت یکی از انواع فعالیت‌های اقتصادی است که منجر به تولید کالاهای جدید می‌شود. آمیختگی شدید این فعالیت با سنت‌ها، عادات و بینش سازنده و همچنین، تأثیر فوق‌العاده محیط جغرافیایی در این صنعت ویژگی خاصی را به آن داده است. به طوری که برخلاف مصنوعات کارخانه‌ای که در مقیاس زیاد و به طور یک شکل تولید می‌شود. فرآورده‌های دستی هر منطقه و

حتی هر صنعتگر از نظر طرح، شکل، اندازه و... از اشیای مشابه کاملاً متمایز و قابل تشخیص می‌باشد. از نظر لغوی اصطلاح صنایع دستی دارای، مفاهیم واحد و ثابتی نیست و تاکنون تعریفی که مورد قبول همه کارشناسان و سازمان‌های مسئول در کشورهای مختلف باشد وضع نشده است.

معمولاً صنایع دستی را به هر، صنعت یا هنر کاربردی^۷، در برابر هنر محض^۸ تعبیر می‌کنند. به عبارتی، صنایع دستی حلقه مشترکی میان هنر و صنعت است. صنایع دستی ترکیبی از صنعت و صناعت هنر و خلاقیت است که از دیدگاه اعتقادات، باورها و سنت‌های قومی و ملی مایه گرفته و به وجود آمده است (نعمت زاده، ۱۳۷۵: ۳۷).

به طور کلی می‌توان گفت: صنایع دستی به طور اعم و به معنی وسیع آن به رشته‌هایی اطلاق می‌شود که دست انسان در تولید آن عامل اصلی و اساسی به شمار می‌رود. این مفهوم شامل صنایع دستی هنری^۹، صنایع دستی روستایی^{۱۰}، و صنایع خدماتی^{۱۱} می‌گردد؛ ولی به طور اخص به صنایع دستی، هنری اطلاق می‌شود. البته، این نکته نیز مورد توجه است که در روند تکامل صنایع دستی، غالباً مشاهده می‌شود که یک هنر بومی در برخورد با نیازهای زندگی حالت صرفاً ذوقی خود را از دست داده و جنبه کاربردی و رفع نیاز پیدا کرده است. دهخدا^{۱۲} صنایع دستی را این چنین تعرف کرده است: «آنچه که با دست ساخته می‌شود از پارچه و قالی و ساخته‌های فلزی و غیرماشینی» در فرهنگ «معین» نیز چنین تعریفی عنوان شده است: «صنایع دستی شامل

⁷Applied Art

⁸Pure Art

⁹Artistic crafts

¹⁰Rural Industries

¹¹Servicing crafts

صنایعی است که دست در آن دخیل است. مانند پارچه بافی و قالی بافی و...» در تعاریف دیگر آمده است: «صنایع دستی به آن رشته از صنایع دستی اطلاق می‌شود که تمام یا قسمتی از مراحل ساخت و فرآورده‌های آن با دست انجام می‌شود و در چارچوب فرهنگ و بینش‌های فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با توجه به میراث قوی آنها پدید می‌آید.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶: ۵). صنعت دستی در شکل تجاری اش نه یک کار هنری صرف است و نه یک تولید صنعتی محض، بلکه متغیر است میان این دو، نه مانند اثری کاملاً هنری خیلی گرانبها و زیباست و نه به تولیدی ماشینی می‌ماند که بی روح و عاری از زیبایی است» (حیدری، ۱۳۷۳: ۲۶). صنایع دستی بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده را در خود جای داده است به طوری که می‌توان آن را یک صنعت ذوقی و هنری قلمداد کرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۳: ۱۹۳). صنایع دستی به بخشی از هنر و صنعت گفته می‌شود که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و انجام کار اساسی به کمک دست افزار دستی در مراحل مختلف تولید، منجر به ساخت محصولاتی می‌شود که هر واحد از این محصولات به شکل ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده آن را به نمایش بگذارد به طوری که این ویژگی وجه تمایز این محصولات از محصولات مشابه ماشینی و یا کارخانه‌ای باشد.» (یاوری، ۱۳۷۱: ۱۴). صنایع دستی که می‌تواند هم حالت کارگاهی و هم حالت خانگی داشته باشد همانند صنایع کوچک قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد و بدون نیاز به فن آوری پیشرفت بیشتر متکی به تخصص‌های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مورد مصرف آن از داخل کشور قابل تهیه می‌باشد. جنبه‌های مصرفی قوی، برخوردار از بینش، ذوق اندیشه و فرهنگ تولید کننده هست و در مجموع می‌توان آن را یک «هنر - صنعت» نامید. چرا که هم ویژگی‌های یک صنعت را داراست. و هم

ضمن برخورداری از خصوصیات هنری محض محسوب نمی‌شود. و به پشتوانه کارایی‌های مصرفی اش و از آنجا که قابلیت تولید و تکرار دارد بیشتر جزء گروه هنرهای کاربردی قرار می‌گیرد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۹۷).

انواع صنایع دستی: صنایع دستی رایج در هر منطقه، در ارتباطی مستقیم با سابقه‌ی تاریخی، مواد اولیه موجود و نیروی انسانی آشنا به تولید است. به طور مثال در مناطقی که خاک رس به مقدار فراوان وجود دارد صنعت سفالگری دارای قدمتی فوق العاده می‌باشد و طبعاً گروه زیادی از گذشته‌های دیر و دور به آن اشتغال داشته‌اند و دارند. صنایع دستی در ایران، کلاً شامل سه گروه است: هنری، هنری - مصرفی، مصرفی.

بافته‌های داری: محصولاتی که با کمک دارهای افقی یا عمودی بافته می‌شوند اکثراً جزو بافته‌های داری محسوب می‌شوند مثل قالی، گلیم، گبه، فرش، رویه پستی و بعضی از انواع زیلو

دستبافی (نساجی سنتی): فرآورده‌هایی که با کمک دستگاه‌های بافندگی دوار، چهاروردی، ژاکارد، تک فاز و نظایر آنها تولیدی می‌گردد معمولاً در ردیف دستبافی به حساب می‌آید مثل: جاجیم، زیلو، کیسه حمام، انواع پارچه‌های نخ، پشمی و پنبه ای.

بافتنی: انواع مصنوعاتی که با کمک میل و قلاب و نظایر آن تولید می‌شود. جزو بافتنی‌های به حساب می‌آید مانند: انواع دستکش، جوراب، کلاه، شال گردن، لباس، روسری و...

روکاری (رودوزی): کلیه مصنوعاتی که بر اثر دوختن نقوش سنتی بر روی پارچه‌های ساده به وجود می‌آید در گروه رودوزی‌ها جای دارد، مثل: سوزن دوزی،

قلاب دوزی، ملیله دوزی، گلابتون دوزی، نقده، سِرمه دوزی، ابریشم دوزی، سکه دوزی و... (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۵۰).

چاپ‌های سنتی: کلیه فرآورده‌هایی که به وسیله قلم مو، قالب و شابلون، رنگ آمیزی شده و پذیرای نقش می‌شود و جزو چاپ‌های سنتی به حساب می‌آیند. مانند: چاپ قلمکار، چاپ با تیک

نمدمالی: انواع مصنوعاتی که بر اثر متراکم کردن پشم و کرک از طریق مالیدن تهیه می‌شود، جزو گروه نمدمالی هستند مانند کلاه نمدی، نمد زیرانداز، نمد پادری و...
سفالگری و سرامیک سازی: محصولاتی که با خاک رس به کمک چرخ سفالگری تولید و با حرارت پخته می‌شود اعم از اینکه دارای لعاب یا بدون لعاب باشند بخشی از گروه سفالگری و سرامیک سازی به حساب می‌آیند. مانند: انواع پارچ و لیوان، ظروف غذاخوری، گلدان، کوزه و قلک و...

شیشه‌گری: این گروه فقط محصولات تولید شده توسط موادمعدنی نظیر کوارتز، سیلیس، را نیز پوشش قرار داده و خود شامل شعباتی نظیر نقاشی روی شیشه و تراش شیشه می‌شود.

پای پوش‌های سنتی: مصنوعات که به مصرف پای پوش رسیده و به نسبت نیاز به سنت تولید و غیره استفاده از آنها در مناطق مختلف کشور رواج دارد. جزو پای پوش‌های سنتی محسوب می‌شود. مانند: کیوه، چاروق و...

چرم و پوست: تمام مصنوعات که برای تهیه‌ی آنها از چرم و پوست به عنوان مواد اولیه استفاده به عمل می‌آید جزو گروه چرم و پوست هستند. نظیر: پوستین، نقاشی روی چرم، زین اسب و... (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۵۱).

قلم زنی و فلز کاری: کلیه مصنوعات که مواد اولیه‌ی آنها را نقره، طلا، مس، برنج و آلیاژهای انواع فلزات کم بها تشکیل داده و بر روی آنها نقوشی برجسته یا فرو رفته ایجاد گردیده است در گرو قلم زنی و حکاکی روی فلزات جای دارند. چاقوسازی و ساخت قیچی و قندشکن نیز جزو همین گروه است.

زینت آلات محلی: این گروه که گاهی عنوان جواهرات بدلی نیز به آن داده می‌شود معمولاً مصنوعات را که ترکیبی از سنگها و فلزات کم بهاست و دارای ارزش‌های هنری زیادی می‌باشد در بر می‌گیرد. مانند: انواع گوشواره گردن بند، دستبند، انگو و ...

سنگ تراشی: مصنوعات که مواد اولیه اصلی آنها را انواع سنگ‌های ارزان قیمت نظیر: مرمر، سنگ سبز، سنگ سیاه و ... تشکیل می‌دهد معمولاً در ردیف سنگ تراشی جای می‌گیرند مانند: انواع مجسمه‌های سنگی زینتی، قاب عکس، سرویس‌های رومیزی، شکلات خوری.

عروسک سازی و تهیه لباس‌های محلی: ساخت عروسک‌های پنبه‌ای، کاموایی و مومی با لباس‌هایی که نشان دهنده شکل و طرح پوشاک مردم مناطق مختلف کشور است و نیز طراحی و دوخت لباس‌های محلی با تزئینات سنتی - بومی و یا بدون تزئینات در این گروه قرار می‌گیرد.

سبد و حصیر و بامبو: کلیه محصولات که در ساخت آنها از لیاف، ساقه، شاخه‌های گیاهان استفاده به عمل می‌آید. در این گروه جای دارند و عمدتاً عبارتند از: سبد، حصیر، بامبو، مردار، ترکه بافی، چرم بافی و ... (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۵۲)

مصنوعات تزئینی: محصولات که ضمن برخورداری از طرح‌های اصیل و سنتی دارای جنبه‌های هنری و تزئینی بوده و تولید آنها توأم با ارزش‌های افزوده زیاد است. معمولاً

در این گروه قرار می‌گیرند. نظیر مینا، مینیاتور، نقاشی روی صدف، کنده کاری روی عاج و...

محصولات تکمیلی: مصنوعات‌ی که برای ساخت آنها دو یا چند نوع محصول دست ساز به طور توأمان مورد استفاده قرار گرفته مصنوعات تکمیلی محسوب می‌شوند. مانند کیف‌های دستی که ترکیبی از پارچه و چرم است. یا انواع لباس‌هایی که با استفاده از پارچه‌های تولیدی چند نقطه از کشور دوخته می‌شود.

ریسندگی و تاییدن الیاف پشمی و پنبه‌ای: این رشته همان گونه که از نامش بر می‌آید کار تبدیل پشم و پنبه به نخ را شامل می‌شود و خود در بین صنایع دستی ایران تشکیل یک گروه را می‌دهد.

سایر صنایع: مصنوعات‌ی نظیر طلاکوبی روی فولاد، فیروزه کوبی، تراش سنگ‌های قیمتی نظیر فیروزه و عقیق، گوهر نشانی و... که قابل گنجاندن در سایر گروه‌ها نبوده و در صنایع دستی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

پیشینه بهره‌گیری از صنایع دستی: یکی از قدیمی‌ترین رشته‌های فعالیت بشر را صنایع دستی تشکیل می‌دهد و به موجب برخی از اسناد و مدارک تاریخی، سابقهٔ پیدایش صنایع دستی به عصر حجر می‌رسد. در این دوره ساخت ظروف و همچنین، بعضی ابزار مصرفی در زندگی روزمره نظیر نیزه و خنجر از سنگ جهت صید و شکار حیوانات معمول گردید و رفته رفته به علت پیشرفت فکری بشر از سایر مواد موجود در طبیعت نظیر خاک رس، چوب، سنگ آهن، مس و بالاخره پشم و کرک حیوانات و الیاف گیاهی نیز استفاده به عمل می‌آمد به طوری که سابقهٔ ساخت اشیاء سفالی و مسی به بیش از چهار هزار سال پیش می‌رسد و شواهدی در دست است که نشان

می‌دهد صنایع دستی و روستایی در مراحل مختلف تکامل اقتصادی یعنی اقتصاد شبانی، اقتصاد کشاورزی و حتی اقتصاد صنعتی تأمین‌کننده بسیاری از احتیاجات بشر بوده و به خصوص تحت شرایط اقتصاد بسته، مهم‌ترین عامل تأمین نیازمندی‌های محسوب می‌شود. این وضع، به ویژه در قرون وسطی به نحو بارزی جلوه گر بوده است (بخششده نصرت، ۱۳۸۷: ۱۸).

صنایع دستی در دوره شهرنشینی: به طور کلی دگرگونی عادات و نوع مصرف که تا حد زیادی ناشی از تغییر نحوه زندگی بر اثر توسعه شهرنشینی است موجب بروز تحولات تدریجی و عمیقی در صنایع دستی شده به نحوی که اگر تغییر شکل فرآورده‌های دست ساز که معمول دگرگونی مصرف می‌باشد با تغییرات حاصله در امر ساخت و تولید که در ارتباط با تکامل ابزار است مورد بررسی قرار گیرد. ملاحظه می‌شود که علیرغم برخی تصورات درباره صنایع دستی، این رشته از فعالیت اقتصادی بشر پی ادوار گذشته و تأثیر پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فنی برکنار نمانده و شاید همین قابلیت انعطاف صنایع دستی مهم‌ترین عامل حفظ بقاء آن بوده است (بخششده نصرت، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

صنایع دستی در عصر فلز: در عصر فلز، با وجودی که تدریجاً ساخت آلات و ادوات ریختگی برنزی و مسی رواج یافت معهداً هنوز استعمال ابزار سنگی بر انواع مشابه آن غلبه داشت، تهیه و استفاده از ظروف سفالین نقاشی شده معمول بود و بافت انواع منسوجات ظریف و نیز طلاکاری و ساخت اشیاء زرین رونق و رواجی درخور داشت (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۳۱). اولین فلزاتی که به طور طبیعی و بدون ترکیب با فلزات دیگر مورد استفاده قرار گرفت، طلا، نقره و مس بود که تاریخ بهره‌گیری از مس به حدود

۸۰۰۰ سال پیش می‌رسد. سپس، ترکیب فلزات آغاز شد و ترکیب مس با قلع که فلز مفرغ یا برنز را به وجود آورده، و با شکل‌ها و فرم‌های مختلف بر اساس آداب و رسوم عقاید مذهبی، طریقه‌ی شکار و جنگ یا مراسم مذهبی و... به تزیینات و نقوش آن‌ها پرداخته‌اند (بیانی، ۱۳۶۶: ۱۱ و ۱۲). در مورد فلز آهن نیز آمده است: «آهن... را هیتیان و مردم هیتانی در غرب ایران در ۱۵۰۰ ق.م می‌شناختند (احسانی، ۱۳۶۸: ۴۵). واندنبرگ، گورستان‌های لرستان را به هفت دوره تقسیم نموده است. مبنای تاریخ‌گذاری باستان‌شناختی این تقسیم‌بندی، آثار مکشوفه از گورستان‌ها بوده است. این دوران از میانه هزاره سوم ق.م تا میانه‌ی هزاره‌ی اول ق.م را در بر می‌گیرد (مدود سکایا، ۱۳۸۳: ۳۵). با توجه به این که تاریخ‌گذاری مفرغ‌های لرستان از اهداف عمده‌ی هیأت بلژیکی بوده است؛ این تقسیم‌بندی در تحقق این اهداف کمک مؤثری نموده است. به نظر او ساخت مفرغ‌های ویژه لرستان، از قرن ۱۲ ق.م آغاز شده، و بین سده‌های ۹۰۰-۷۰۰ ق.م به اوج خود رسیده است (سکایا، ۱۳۸۳: ۳۶). چون فلز مفرغ با آلیاژ مس - قلع اولین ترکیب بین فلزی بوده، لذا در تاریخ از دوره‌ی مفرغ یاد شده است (فهیمی، ۱۳۸۲: ۲۴). مؤلف کتاب «آثار باستانی و تاریخی لرستان» می‌نویسد: «آلات و اشیای مفرغی، اولین بار در سال ۱۳۰۴ به وسیله‌ی مردم روستاها پیدا شد و از آن به بعد که محققان راه تازه‌ای برای بررسی یافته بودند، متوجه مفرغ لرستان شدند» (ایزدپناه، ۱۳۶۳:). بخش عمده‌ای از مفرغ‌های لرستان، به شیوه ریخته‌گری ساخته شده و با استفاده از قالب‌های سنگی یا گلی قالب‌گیری شده‌اند. تزیینات روی آثار برنزی به وسیله چکش‌کاری پدید آمده‌اند. مفرغ، ترکیبی از مس با علامت شیمیایی CU با درجه ذوب ۱۰۳۳، و قلع (ارزیر) با درجه ذوب ۲۳۲ و علامت شیمیایی SN می‌باشد (بیانی، ۱۳۶۶: ۲۱ و ۲۶).

جنگ‌افزارهای برنزی معروف به لرستان: یک گروه عمده از اشیا و ابزار مکشوفه در ناحیه لرستان، شامل جنگ‌افزارها و سلاح‌های جنگی برنزی است که از حفاری‌های مناطق غربی و محدوده کوه‌های زاگرس خصوصاً در ناحیه عمومی لرستان به همراه سایر اشیا و ابزار از قبرستان‌های باستانی به دست آمده‌اند. قسمت عمده این سلاح‌ها در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد، مورد استفاده قرار گرفته است. سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای به دست آمده عبارتند از: خنجر، تبر و انواع آن، کلنگ، پیکان، نیزه، شمشیر، گرز، سپر، کلاه‌خود، درفش، چکش، اره، داس، انبر، چنگال آهنی و ... قطعات زین و برگ شامل: لگام، حلقه‌های مهار، قطعات آهن، زنگوله، آویزه و ...

اشیای زینتی شامل: گردنبند، آویزه، گوشواره‌های حلقه‌ای انواع پرندگان مثل: مرغابی، طاووس، کبک و پیکره حیواناتی چون بز کوهی، اسب و پلنگ. اشیای نذری شامل: علایم و نشانه‌ها، بت‌های کوچک، سنجاق‌های نذری، حیوانات و سنجاق‌هایی با صفحات بزرگ. ظروف غذا خوری شامل: ساغر کاسه، لیوان و ظروف نوک دار.

با توجه به موارد مطرح شده، می‌توان اظهار نظر نمود که قوم کاسیت نیز از جمله اقوام مهاجر است که در مقطعی از تاریخ (حدود هزاره سوم) در غرب ایران استقرار یافته‌اند. به دلیل بهره‌گیری این قوم از فلز مفرغ و ساخت ابزارهای بزرگ، عصر طلایی مفرغ را منسوب به این قوم می‌دانند و تعدد و تنوع این گونه ابزارها که از حفاری‌ها و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی به دست آمده، فرهنگی خاص را پدید آورده که به نام «فرهنگ عصر برنز» معروف است. براساس مطالعات انجام شده بر روی آثار اشیا و ابزار به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی مردم ساکن در

نواحی مختلف ایران از زمان‌های پیش از تاریخ اقدام به استخراج فلزات مختلف نموده و با شیوه‌های ابتدایی وسایل و ابزارهای متعدد و متنوعی ساخته‌اند. سرپرسی سایکس، سراورل استاین و برخی هیئت‌های باستان‌شناس داخلی و خارجی به بررسی فرهنگ عصر مفرغ در کشور پرداخته‌اند. یک گروه عمده از اشیاء و ابزار مکشوفه در ناحیه زاگرس غربی شامل جنگ افزارها و سلاح‌های جنگی برنزی است که از حفاری‌های محدود کوه‌های زاگرس خصوصاً در نواحی کرمانشاه، ایلام و لرستان به همراه سایر اشیاء و ابزار از قبرستان‌های باستانی به دست آمده‌اند. قسمت عمده این سلاح‌ها در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد مورد استفاده قرار گرفته است. بیش‌تر این سلاح‌ها از طریق قالب‌گیری یک پارچه ساخته شده و بر روی برخی از آن‌ها تزئیناتی شده و یا کتیبه‌هایی به زبان رایج آن زمان حک شده است. بخش عمده اشیاء برنزی را سلاح‌ها و جنگ افزارها، قطعات زین و برگ، اشیاء زینتی، اشیاء نذری، ظروف غذاخوری و ... را تشکیل داده است. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد گورستان‌های مورد کاوش در دره‌های غرب زاگرس از تراکم بیشتری برخوردار است. بررسی گزارش‌های هیئت مشترک ایران و بلژیک به سرپرستی پروفیسور واندنبرگ این مسئله را تایید می‌نماید (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۸۷-۹۷). دیا کونوف در کتاب تاریخ ماد نیز، به آثار برنزی لرستان و اصلت هنری کاسیان اشاره نموده است.

مقیاس تولید واحدهای صنایع دستی: واحدهای تولید صنایع دستی از نظر مقیاس

تولید و مکان قرارگیری به دو دسته تقسیم می‌شوند: صنایع دستی کارگاهی، صنایع

دستی خانگی.

صنایع دستی کارگاهی: کارگاه‌های صنایع دستی معمولاً در شهرها قرار دارند و نیروی کار آنها را مردان تشکیل می‌دهند. کار در این کارگاه‌ها به دو شکل فردی و جمعی است و تولید آن نیز بیشتر برای بازار است. فرآورده‌های این کارگاه‌ها بیشتر جنبه مصرفی و تزئینی دارد. تقسیم کار در این نوع کارگاه‌ها به علت پراکندگی نیروی کار معمولاً اصول مشخصی ندارد و این امر از یک سو باعث کاهش بازده و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده را به دنبال دارد. حال آنکه ادغام و همکاری چند کارگاه باعث بهبود تقسیم کار و کاهش هزینه‌های می‌گردد.

صنایع دستی کارگاهی شامل: قالی بافی، سفالگری، شیشه‌گری، فلزکاری، خاتم سازی و کفاشی و... است.

صنایع دستی خانگی: این صنایع بیشتر شامل روستاها می‌گردد. دختران و زنان روستایی در حین خانه داری به تولید این صنایع می‌پردازد و اغلب این صنایع به مصرف خانوار می‌رسد. غالب این فعالیت‌ها شامل قالی بافی، دست بافت‌های خانگی است و در مواردی نمدمالی نیز با کمک دیگران انجام می‌شود. محصولات دستی خانگی کمتر برای فروش در بازار است. زنان عشایر به هنگام کوچ ایل خود محصولات دستی تولید می‌کنند و از این طریق نیازهای ایل را در طول راه تأمین می‌کنند و از جمله این محصولات می‌توان از گلیم، جاجیم و چادر نام برد (بخشنده نصرت، ۱۳۸۷: ۸).

ویژگی‌های صنایع دستی

۱. نقش اساسی و تعیین کننده نیروی انسانی در تولید؛
۲. عدم پیچیدگی ابزار تولید و عدم نیاز به سرمایه گذاری زیاد و زود بازده بودن آن؛

۳. مکمل اقتصاد کشاورزی بودن صنایع دستی در مناطق روستایی؛
۴. قابلیت جایگزینی صنایع دستی جهت برخی از تولیدات، ماشینی و یا خارجی به علت برخورداری از ویژگی‌های مصرفی.
۵. قابلیت انتقال سینه به سینه در نسل‌ها و با نظام استاد شاگردی مهارت‌ها و تخصص‌های دستی صنایع؛
۶. امکان فعالیت در جوامع شهری، روستایی و عشایری به طور کارگاهی، خانگی و یا دوره‌گردی را داشته و با ابزار کار بسیار مختصر و ارزان می‌توان وسایل اشتغال علاقه‌مندان را فراهم ساخت. صنعت دستی به دلیل سادگی تکنیک، در هر شرایط و محلی قابل استقرار است. به ویژه اینکه پیوندی استقرار با نهاد خانواده دارد و از همه مهمتر بازارهای بین‌المللی آن فراهم و شناخته شده است. کارگاه‌های تولید صنایع دستی مدرن نیاز به فضای گسترده و ابزار و امکانات کم و در زمانی کوتاه به مرحله تولید می‌رسند، در حالی که در مراکز تولیدات ماشینی اغلب به امکانات وسیع و کسب مجوزهای متعدد نیاز دارند و پس از مدت زمان طولانی به خط تولید دست می‌یابند (حاجی پور، ۱۳۷۱: ۱۵).
۷. این نوع صنایع بیشتر کار طلب است تا سرمایه طلب و نقش کار در آن به مراتب بیش از سرمایه گذاری است.
۸. ارزش افزوده صنایع دستی به مراتب بیش از سایر فعالیت‌های تولیدی است و به طور متوسط حدود ۷۰٪ قیمت فروش یک فرآورده دست ساز را دستمزد و تنها حدود ۳۰٪ آن را مواد اولیه تشکیل می‌دهد.
۹. انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به وسیله دست، ابزار و وسایل دستی. یادآور می‌شود که برای هر یک از فرآورده‌های صنایع دستی، مراحل متعددی طی می‌شود.

ولی انجام کلیه این مراحل به وسیله دست و ابزار و وسایل صنایع دستی الزامی نیست. چنانچه تنها قسمتی از مراحل اساسی تولید به این طریق انجام بگیرد. محصول تولید شده با در نظر گرفتن مواردی که در تعریف صنایع دستی از آنها یاد شد. صنایع دستی محسوب می‌گردد (حیدری، ۱۳۷۳: ۲۶).

۱۰. تأثیر اندیشه خلاق انسان در تولید و شکل بخشیدن به محصولات.

صنایع دستی دارای ویژگی‌های هنری و مصرفی به طور توأمان است. آمیختگی شدید صنایع دستی با سنت‌ها، عادات، برداشت‌ها و بینش‌های شخص سازنده و همچنین تأثیر فوق العاده محیط جغرافیایی در این صنعت، باعث تمایز آن از فرآورده‌های کارخانه‌ای و همچنین امکان ایجاد تنوع و پیاده کردن طرح‌های مختلف در مرحله ساخت اینگونه فرآورده شده است (بلوریان، ۱۳۷۳: ۳۸).

۱۱. امکان تأمین قسمت عمده مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی. صنایع دستی و صنایع ملی و غیروابسته است که به هیچ وجه نیاز به کارشناس متخصص خارجی ندارد و مواد اولیه مورد مصرف آن معمولاً مواد ساده‌ای را که به بهای ارزان و در بعضی موارد رایگان در دست صنعتگران است تشکیل می‌شود.

۱۲. تشکیل بار فرهنگی و هنری و استفاده از طرح‌های اصیل بومی و سنتی. محصول دست هر صنعتگر دارای بار فرهنگی و هنری ویژه خود است و به سادگی از محصولات مشابه که توسط صنعتگر دیگری ساخته می‌شود قابل تشخیص است. در نتیجه روحیه سازمندی و خلاقیت در صنعتگر حفظ می‌شود. فرهنگ واقعی هر منطقه‌ای را در صنایع دستی آن منطقه می‌توان یافت. تنها صنایع دستی است که می‌تواند انعکاس دهنده دقیق از تاریخ تمدن گذشته می‌باشد.

۱۳. پایین بودن سرمایه تولید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های صنایع دستی محدودیت سرمایه‌گذاری برای تولید آن است. برای روشن شدن موضوع کافی است به مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری به اشتغال در دو بخش صنایع ماشینی و دستی اشاره کرد (حاجی پور، ۱۳۷۱: ۱۴).

۱۴. صنایع دستی عاملی برای ایجاد کار و اشتغال. گرچه در حال حاضر اطلاعات دقیقی از میزان شاغلین بخش صنایع دستی کشور در دست نیست، اما می‌توان با استفاده به آمارهای عمومی و همچنین نتایج بررسی‌های به عمل آمده در ایران نشان می‌دهد که افراد زیادی به صورت تمام وقت یا پاره وقت دست‌اندرکار صنایع دستی و روستایی هستند. کسانی که پاره وقت به تولید صنایع دستی مبادرت می‌ورزند اغلب کشاورز و ساکن روستا هستند. به عبارت دیگر با توجه به جمعیت و خانوار، حدود نیمی از جمعیت ایران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از درآمد حاصل از تولیدات دستی برخوردار می‌شوند. از سوی دیگر اینگونه مشاغل موجب ماندگاری روستائیان و جلوگیری از مهاجرت آنان به شهرها شده و از مسائل و عوارض مهاجرت تا حدود زیادی می‌کاهد (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۳۴). از دیگر ویژگی‌هایی صنایع دستی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توزیع عادلانه درآمد ملی؛
- ارزش بر نبودن مصنوعات دستی؛
- کاهش فواصل طبقاتی؛
- مصنوعات دستی به تدریج و به مرور زمان دارای ارزش بیشتری می‌شوند؛
- تورم زان نبودن فعالیت‌های صادراتی؛
- اشتغال و کاهش نرخ مهاجرت از روستا به شهر؛

تفاوت‌های صنایع دستی شهری و روستایی

۱. صنایع دستی شهری عموماً به صورت فعالیت اصلی و دائمی بوده و مهم‌ترین منبع درآمد و گاه تنها معمر درآمد افراد شاغل و خانواده آنها را تشکیل می‌دهد؛ در صورتی که صنایع دستی در سطح روستا اغلب به عنوان فعالیت فرعی در فاصله زمانی کاشت و برداشت محصولات زراعی رواج دارد.

۲. صنایع دستی شهری اغلب در کارگاه‌ها متمرکز شده و نیروی انسانی شاغل را مردان تشکیل می‌دهند. در حالی که صنایع دستی روستایی به طور کلی جنبه‌ی خانوادگی داشته و به همین علت نیروی فعال تولیدی عموماً از زن‌ها تشکیل می‌شود.

۳. تولید فرآورده‌های دستی در شهرها توأم با تقسیم کار بوده، با درجات شغلی به صورت کارآموزی، کارگری و استادکاری مشاهده می‌شود. به علاوه سیستم کارفرمایی و مزدبگیری از ویژگی‌های عمده صنایع دستی ماشینی است در حالی که تولید محصولات دستی روستایی به صورت خانگی بوده یعنی به کمک همسر و فرزندان صنعتگر انجام می‌شود. و به ندرت کارگر مزدبگیر در امر تولید استفاده می‌شود.

۴. در صنایع دستی شهری تولید فرآورده‌ها اغلب به تبعیت از روند بازار به محاسبه کلیه هزینه‌های متصور و پیش‌بینی، مبلغی به عنوان سود خالص صورت می‌گیرد. ولی چون محصولات دستی روستایی اغلب برای رفع نیازهای شخصی و خانوادگی تولید می‌گردد، لذا محاسبه هزینه و قیمت تمام شده کمتر در آن ملحوظ می‌باشد. به خصوص که مواد اولیه مصرفی آن نظیر چوب و نی عمدتاً توسط خانوار تهیه و فراهم شده و برای آنها قیمتی پرداخت نگردیده است.

۵. صنایع دستی شهری علاوه بر جنبه مصرفی دارای ارزش هنری و تزئینی نیز می‌باشد در صورتی که فرآورده‌های دستی روستایی صرفاً به منظور رفع نیازهای اولیه زندگی و اغلب به صورت پوشاک مفرش و ظروف مختلف تهیه می‌شود.

۶. سهم دستمزد در قیمت نهایی صنایع دستی روستایی بسیار چشمگیر است. در حالی که در صنایع دستی شهری هزینه بر سایر عوامل مؤثر در تولید سرشکن می‌شود.

۷. اختلاف سطح تخصص و مهارت صنعتگران دستی در شهر و روستا

۸. متفاوت بودن ماهیت احتیاجات مصرف کننده

۹. تفاوت ابعاد بازارها در شهرها و روستا (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۰۱).

تنوع صنایع دستی برحسب محل تولید: «صنایع دستی یکی از مظاهر فرهنگی و هنری جامعه محسوب می‌شود و به عبارتی آیینه تمام نمای تاریخ و گذشته هر ملت است. نظر به اینکه هر فرآورده دستی بازگو کننده خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی منطقه محل تولید است از این رو، می‌تواند از سویی عامل مهمی در معرفی فرهنگ و تمدن آن منطقه به حساب آید. با توجه به تعدد و تنوع فرآورده های دست ساز روستایی منطقه، می‌توان این تولیدات را برحسب محل تولید اعم از شهر روستا و عشایر در سه بخش مورد بررسی قرار داد. صنایع دستی شهری، صنایع دستی روستایی، صنایع دستی عشایر.

صنایع دستی شهری: برخلاف روستاها شهرها معمولاً مصرف کننده تولیدات دامی و کشاورزی بودند و این فرآورده ها در صورت مازاد محصول از سوی روستائیان و عشایر در بازارهای محلی در معرض فروش قرار می گرفت صنایع دستی روستائیان بیشتر شامل دست بافت های داری بود. تولید این محصولات از سوی زنان خانوار

صورت می‌پذیرفت که در کنار سایر وظایفی چون: رسیدگی به امور خانه و خانواده و کودکان به تولید محصولات داری که ماده اولیه و اصلی آن نیز بوم خیز بوده و به فراوانی در محل زندگی یافت می‌شد مبادرت می‌کردند. مثل بافت انواع حصیر، جاجیم، قالی و... مردان به کار کشاورزی و دامداری می‌پرداختند و در مواقع برداشت محصول زنان و کودکان به کمک آنان می‌شتافتند. حال آنکه در شهرها آن بخش از صنایع دستی فعال بود که از سویی به نیروی کار ثابت، کارگاه‌های مجهز به وسایل کار هزینه بر نیاز داشت و از سویی دیگر در برخی فرآورده‌ها توان و قدرت جسمی بیشتر از مهارت فنی مد نظر بود بنابراین نیروی کار در چنین شرایطی مردان بودند چرا که می‌توانستند بیشترین زمان را جهت انجام امور ساخت و ساز و تولید، در محل کارگاه‌ها سپری نمایند مانند ورشوکاری، قلمزنی، قفل‌سازی، چاقوسازی، گیوه‌دوزی جاجیم بافی و..

صنایع دستی روستایی: روستائیان اجتماعاتی هستند که جزو عشایر نیستند و آداب و رسوم خودشان را دارند. شغل اصلی آنها کشاورزی- دامداری می‌باشد. بالطبع روستائیان نیز انواع صنایع دستی را برحسب نیاز و ارزش اقتصادی آنها در اختیار داشته و بعلاوه اینکه بیشترین فعالیت آنها دامپروری است غالباً تولیداتی از صنایع دستی که مواد اولیه آنها پشم می‌باشد در این مناطق رواج بیشتری را دارد. قالی بافی، گلیم بافی، نمد مالی، ماشه بافی در واقع اصلی‌ترین فعالیت‌های تولیدی صنایع دستی آنها می‌باشد.

صنایع دستی عشایری: عشایر گروهی از اجتماعات ساکن در منطقه می‌باشند که در طول فصول مختلف سال در حال کوچ می‌باشند، اینان با شرایط مختلف جغرافیایی و آب و هوایی همزیستی نموده و شغل آنان دامپروری می‌باشد که در کنار آن

کشاورزی و تولید فراورده‌های دامی و نهایتاً صنایع دستی از اهمیت بالایی برخوردار است. بدیهی است نحوه پراکنش آنان با توجه به مسیرهای از پیش تعیین شده و قابل سکنی می‌باشد. لذا در بحث صنایع دستی باید توجه داشت که بیشتر تولیداتشان جنبه خود مصرفی داشته و کمتر به بازار فروش عرضه می‌گردد. مگر در شرایط خاصی که تنگنای مالی بسراغ آنان بیاید و یا در مقابل آن کالایی را نیز داد و ستد نمایند. البته عامل مهمتری که موجب گردیده دیگر تولیدات صنایع دستی عشایری جنبه فروش را نداشته باشد همان گرانی مواد اولیه بکار رفته می‌باشد که دستمزد بافنده تاثیر مستقیم بگذارد. تولیدات مهم صنایع دستی عشایر در منطقه به ترتیب اولویت اقتصادی و اهمیت کمی و کیفی بشرح زیر است:

بافته‌های داری: قالیچه - گلیم

ساجی سنتی: ساجیم، شال بافی، سجاده بافی، شکار بند (نوار)، پلاس سیاه چادر (دوار)، خورجین بافی و چله. (طناب)
حصیر بافی: سبده بافی - چیغ بافی (چیت)
سایر مصنوعات دستی: مشک، خیک، کَمچه دان، کُودو، هُور، هوراسبان، خورجک، جُل

گلیم: گلیم یکی از اقلام تولیدی صنایع دستی است، از گلیم، محصولات می‌مانند کیف‌های زنانه تولید می‌شود که مردم از آن‌ها استقبال می‌کنند. از گلیم همچنین محصولات می‌مانند کوله‌پشتی و جامدادی تولید می‌شود. شکل و طرح این گلیم‌ها سنتی است و در رنگ‌های مختلف تهیه می‌شود در گذشته، این نوع گلیم فقط در مناطق عشایری استفاده می‌شد و بیشترین مصرف آن به‌عنوان رخت پیچ بود و در سبد خانوار جایگاهی نداشت؛ ولی اکنون با خلاقیت هنرمندان منطقه، از گلیم محصولات مختلفی،

بویژه کیف‌هایی با بافت‌های رنگارنگ تهیه می‌شود. استقبال از این کیف‌ها بویژه هنگام شرکت در نمایشگاه‌های صنایع دستی، بسیار چشمگیر می‌باشد.



در استان ایلام حدود ۹۷ کارگاه وجود دارد که حدود ۴۷ کارگاه محصولات گلیم را تولید می‌کنند. برای بافت یک گلیم نقش برجسته ۴۵ روز زمان نیاز است تا به مرحله نهایی برسد. ۶۵ درصد از صنعتگران استان ایلام به گلیم نقش برجسته مشغول هستند طرح و نقش گلیم نقش برجسته ایلام دارای ویژگی خاصی برخوردار بوده و محصولات تولیدی به خارج از کشور هم صادر می‌شوند. گلیم بافی یکی از اصیل‌ترین صنایع دستی ایران است که به مراتب بیش از قالی بافی قدمت دارد. از خصوصیات گلیم آن است که از حیث وزن بسیار سبکتر از قالی بوده و به آسانی قابل حمل و نقل است ضمن آن که دارای ظرافت و زیبایی خاصی است. گلیم گل برجسته را می‌توان از گلیم‌های خاص یا گلیم‌های یک رو ولی غیر "سوماک"

دانست، چرا که در بافت آنها از روش و تکنیک‌های مختلف گلیم ساده (بودگذاری)، بافت گلیم سوماک (پودپیچی) و شیوه بافت قالی (گره کامل) استفاده می‌شود و گلیم گل برجسته ایلام با استفاده از نقشه بافته می‌شود. این هنر از تلفیق قالی و گلیم توسط یک بانوی ایلامی ابداع شده است.



گلیم نقش برجسته

گلیم نقش برجسته از نظر اصالت و تولید مهمترین و شاخص‌ترین صنعت دستی وبومی استان ایلام است. گلیم نقش برجسته احیاء کننده گلیم ۸۰۰۰ ساله مکشوف در آناتولی ترکیه (قدیمترین گلیم) و قالی ۲۵۰۰ ساله پازیریک (قدیمترین قالی) است که تکامل آنها را امروزه با نوآوری حفظ کرده و ترویج می‌دهند. در این نوع گلیم زمینه، بافت گلیم ساده و نقوش آن گره کامل قالی است که طبیعتاً بعد از بافت، نقوش آن برجسته‌تر از زمینه است. زندگی توام با دامپروری مردم منطقه از دیر باز موجبات استفاده از پشم و رشد و رونق صنایع دستی مرتبط با آن خصوصاً گلیم ساده را فراهم آورده است. آنان پشم مصرف در گلیم را از دام‌های خود تامین و در کارگاه‌ها

رنگرزی کوچکی رنگ نموده و در تولید مورد استفاده قرار داده اند. از نظر مصرف نیز قسمت عمده‌ای از گلیم‌های تولید شده جنبه خود مصرفی داشته و در زندگی روزمره مورد استفاده قرار گرفته است. در رابطه با تولید این نوع گلیم در منطقه می‌توان گفت: خانم بافنده‌ای به نام سحر چلانگر ساکن روستای زنجیره (از توابع شهرستان چرداول) در قسمتی از گلیم بافته خود موفق به اجرای نقشی برجسته با استفاده از گره قالی می‌شود که از آن پس زمینه رشد و ترویج گلیم نقش برجسته فراهم می‌آید. آنچه مسلم است در سایر مناطق ایران بافت اینگونه گلیم رواج دارد؛ ولی با این وجود در همه جا اصالت آن متعلق به ایلام است؛ چرا که برای اولین بار بافت آن در ایلام شروع شده است. از جمله وسایل مورد نیاز برای بافت این نوع گلیم می‌توان به کارد، قلاب، دفتین و دار اشاره کرد که معمولاً از دارهای فلزی که به صورت عمودی نصب می‌شوند، استفاده می‌شود.



از جمله طرح‌ها و نقشه‌های مرسوم در گلیم نقش برجسته ایلام می‌توان به نقش‌های لچک ترنج، گل فرنگ، هندسی، تصویری و... اشاره کرد که به دلیل کاربرد گره قالی در اجرای آنها، به صورت برجسته بر سطح گلیم به چشم می‌خورد. زندگی عشایری این منطقه و سنخیت اینگونه صنایع با آن می‌تواند از جمله عواملی باشد که به تداوم و ترویج این دست‌بافته‌ها کمک کرده و علاوه بر جنبه مصرفی موجبات کاربردهای تزئین آن را نیز فراهم آورده است. در حال حاضر بافندگان بسیاری به امر بافت گلیم نقش برجسته اهتمام ورزیده و با سعی و تلاش وافر باعث رشد و رونق آن در سطح منطقه و علاوه بر آن در کل کشور شده است. بدون شک گلیم نقش برجسته در استان ایلام و منطقه عمومی لرستان از اهمیت شایانی برخوردار است.



ایلام شهر ملی گلیم نقش برجسته: در بین صنایع دستی مطرح و شاخص استان ایلام گلیم نقش برجسته دارای اصالت تاریخی و شهرت فراوانی است، هرچند این رشته در مناطق دیگری نیز بافته می‌شود. البته، ابداع شیوه بافت متعلق به این ناحیه از کشور

است. بزرگ‌ترین ابعاد گلیم‌های نقش‌برجسته ۱,۵×۳ متر است و ابعاد کوچک‌تر آن نیز وجود دارد .



نقش صنایع دستی در توسعه گردشگری: گردشگری می‌تواند فرهنگ محلی را تقویت کرده و به تجدید حیات آداب و رسوم باستانی کمک می‌کند. گردشگری در ایران سبب گردیده که کارهای دستی باستانی چون سفال‌سازی، جواهرسازی، کاشی‌کاری و گونه‌های متعدد دیگر از صنایع دستی و سنتی هنرمندان ایرانی در دوران مخلف تا حدودی دوباره زنده گردد. معمولاً مبادلات کالا مانند مبادلات گردشگری بین‌المللی بخشی از سیاست‌های تجارت خارجی است (فرانسوا، ۱۳۸۴: ۱۶۶). اغلب

کشورهایی که از لحاظ گردشگری قوی هستند، در آنها جاذبه‌های توریستی خود به برپایی نمایشگاه‌های صنایع دستی اقدام کرده‌اند. برخی کشورها چون: ترکیه، یونان و تایلند که در زمینه صنعت جهانگردی به موفقیت‌های زیادی دست یافته‌اند. از انبوه جهانگردانی که به قلمرو آنها وارد شده برای توسعه صادرات صنایع دستی خود استفاده کرده‌اند.

صنایع دستی و اصالت‌های فرهنگی: صنایع دستی بازگو کننده فرهنگ، هنر، صنعت، مذهب و اساساً نماینگر هویت تاریخی و منزلت تمدن یک سرزمین می‌باشد. همچنان که تاکنون باستان‌شناسان و محققان با بررسی لایه‌های باستان‌شناسی توانسته‌اند تمدن‌های بزرگ جهانی را معرفی و عرضه نمایند و دیدگاه‌ها را نسبت به گذشته روشن سازند. صنایع دستی علاوه بر دستاوردهای اقتصادی قابل توجه از سالم‌ترین، پرنفوذترین و مهم‌ترین عوامل انتقال فرهنگ و تمدن محسوب می‌شود. صنایع دستی مظهر یک قوم، قبیله و در نهایت یک ملت است. صنایع دستی یکی از مظاهر فرهنگی و هنری هر تمدنی محسوب می‌شود و نظر به اینکه هر فرآورده دستی بازگو کننده خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور محل تولید است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که صنایع دستی و صنعت گردشگری بر یکدیگر اثر متقابل داشته می‌توانند موجبات رشد و توسعه بر یکدیگر را فراهم سازند (بخشنده نصرت، ۱۳۸۸: ۲۳). جهانگردی برای صنایع و محصولات محلی بازار درست می‌کند و صنایع دستی و فرآورده‌های محلی موجب جلب جهانگردان بیشتر می‌شوند (الوانی، ۱۳۷۳: ۲۴). از آنجایی که در جهان امروز جذب گردشگر به عنوان یکی از شاخص‌های مؤثر و حیاتی برای رشد و توسعه ممالک محسوب می‌شود؛ لذا وجود صنایع دستی می‌تواند به عنوان یک جاذبه برای جلب گردشگر در ایران باشد (وارثی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). یکی از

بارزترین ویژگی‌های ایران، تنوع و تعدد آثار فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است و از این لحاظ بسیار غنی و مستعد در امر گردشگری می‌باشد. مانند چشم اندازهای فرهنگی که شاید یکی از جاذبه‌های بی‌همتای فرهنگی کشورمان معماری و هنرهای سنتی دستی را بتوان نام برد. (ملک مطیعی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). هنرهای سنتی ایران، هنرهای اصیل مردمی هستند. هنرهایی که از فطرت پاک مردم نشأت می‌گیرند این هنرها از دیرباز در تمامی شئون زندگی مردم رسوخ کرده و به صورت جزئی تفکیک ناپذیر در آمده‌اند. در ایران تنوع هنرهای دستی به گونه‌ای است که از یک شیء انواع آن در سراسر این مرز و بوم می‌توان یافت که با یکدیگر در عین مشابهت فرقهایی دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌نمایند (صفی‌خانی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

بعد اقتصادی صنایع دستی: صنایع دستی ایران از دو بعد هنر و اقتصاد قابل بررسی است. بعد هنری آن در برگیرنده ارزش‌ها و فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی است. از بعد اقتصادی صنایع دستی به عنوان صنعتی مستقل و منحصر به فرد مورد توجه قرار می‌گیرد که قابلیت تبدیل شدن به یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد را داراست. سرزمین ایران پیشینه‌ای تاریخی، فرهنگی عمیق و طولانی دارد. طبق نظر محققان، پژوهشگران و هنرشناسان مشخص شده که زادگاه صنایع دستی و هنرهای نظیر قالی، فلزکاری، سفال و سرامیک و... کشور ایران بوده است. با این اوصاف و از منظر اقتصادی قابل ذکر است که ایران تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی و نیز نیاز مردمان آن دارای مجموعه متنوعی از صنایع و هنرهای دستی در سطح منطقه است که همه اینها به عنوان جاذبه و بستری است که می‌تواند توسعه گردشگری را به دنبال داشته باشد (سالاری، ۱۳۸۸: ۱۳۶). هنرهای دستی زیبای ایرانی نظیر گلیم بافی، فرش، خاتم و... که به دور خود گروهی را جمع نموده و نسل به نسل توسط نیاکان و مردم این سرزمین

به یادگار مانده و حفظ شده، همواره به عنوان سوغات ایران به کشورهای جهان عرضه می‌شود و این عامل نقش به‌سزایی در گسترش شناخت آن دارد. از طرفی بعضی از آنها در تجارت جهانی با کشورهای منطقه و جهان رقابت تنگاتنگی داشته که با ذکر این مطلب متوجه اهمیت صنایع دستی ایران می‌شویم که می‌تواند اهرم بسیار خوبی برای جذب گردشگر باشد. بدین ترتیب که جهانگردان و گردشگران ممالک با بردن سوغات به دیار خود و به رویت رساندن آن به مردم کشورشان تصویر غنای اصیل فرهنگی و تاریخی ایران را به نمایش گذاشته و افکار آن مردمان را برای سرزمینی که مهد این هنر است مشتاق نموده که خود انگیزه حرکت و مهاجرت این افراد را به کشورمان سبب می‌گردد (ملک مطیعی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). در کنار گردشگاه‌های طبیعی، صنایع دستی و روستایی کشور ما نیز می‌تواند یکی از منابع مهم درآمد ارزی در عرصه‌های جهانگردی باشد، در خیلی از مناطق دیدنی ایران که در روستاها و دامنه‌های کوهستانی یا در ساحل دریا و دریاچه قرار دارند می‌توان، صنایع دستی و روستایی را براساس ویژگی‌های بومی و استعدادهای هر منطقه، احیاء کرده و ضمن ایجاد اشتغال برای این مناطق و جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها بر جاذبه‌های گردشگری کشور به سود اقتصاد ملی افزود. لذا صنایع دستی ایران به عنوان یکی از مظاهر جاویدان نقش به‌سزایی را در جلب و جذب جهانگردان و گردشگران دارد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷).

نقش صنایع دستی در توسعه منطقه مورد مطالعه: نقش صنایع دستی در توسعه کشور را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

- بالا بردن سطح اشتغال با هزینه‌های بسیار کم؛
- ازدیاد درآمد سرانه ملی؛

- جذب گردشگران خارجی و توسعه صنعت گردشگری؛
- ارزآوری مناسب به واسطه صنعت گردشگری؛
- تأثیر در توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی؛
- صنایع دستی به دلیل بار فرهنگی قوی می‌تواند به عنوان سفیر فرهنگی کشور عمل نماید و ابزاری برای گفتگو تمدن‌ها باشد (کشاورزینیا، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

پیشنهادهای کاربردی

- تشکیل کارگروه‌های منطقه‌ای و استانی با مشارکت سازمان‌های ذیربط، اساتید و نمایندگان صاحبان مشاغل به منظور:
 - تدوین استراتژی رونق صنایع دستی؛
 - تدوین شناسنامه هر یک از صنایع دستی بومی و احیاء آن در زادگاه خود (روستا)؛
 - شناسایی پتانسیل‌های موجود منطقه به عنوان فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری در بخش صنایع دستی؛
 - ایجاد انگیزه و حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توسعه صنایع دستی؛
 - تسهیل در صدور مجوز راه‌اندازی کارگاه‌های صنایع دستی؛
 - استفاده از متدهای موفق توسعه صنایع دستی دیگر کشورها؛
 - بررسی تهدیدها و تبدیل آن‌ها به فرصت‌های قابل‌بهبود در بخش صنایع دستی؛
 - ایجاد انگیزه در جوانان در اشتغال امر تولیدات صنایع دستی؛
 - توسعه رشته‌های صنایع دستی در موسسات علمی و دانشگاهی؛
 - بهره‌مندی از صنایع بسته‌بندی خاص جهت بسته‌بندی تولیدات صنایع دستی؛
 - ثبت جهانی کلیه صنایع دستی بومی؛
 - گسترش همکاری‌های اقتصادی بخش صنایع دستی با کشورهای همسایه؛

راه اندازی خانه صنایع دستی به منظور پایگاه محققین و دانشجویان جهت انجام تحقیقات کاربردی برای توسعه صنایع دستی و سنتی؛

تبلیغات قابل قبول هنری در خصوص معرفی صنایع دستی؛

احیاء صنایع دستی در زادگاه خود (روستا و عشایر) و بازگرداندن ماهیت تاریخی - فرهنگی آن به منظور شناساندن صنایع دستی بومی؛

ایجاد نمایشگاه های خاص در خارج از کشور با وجود تنوع، زیبایی و ارزش های هنری صنایع دستی؛

ایجاد تعاونی از سوی دولت برای تولید صنایع دستی بومی؛

در اختیار قرار دادن مواد اولیه ارزان و مرغوب به تولیدکنندگان صنایع دستی؛

راه اندازی کارگاه های خانگی و عشایری رایگان برای جوانان بمنظور گسترش صنایع دستی در زادگاه خود؛

خریداری تضمینی محصولات تولید شده روستایی؛

اختصاص وام های کم بهره جهت کار آفرینی در بخش صنایع دستی؛

فراهم نمودن خدمات بیمه ای برای تمام شاغلین بخش صنایع دستی؛

بازاریابی و فروش صنایع دستی استان در استان های دیگر و کشورهای منطقه؛

ایجاد مکانیسم کنترل کیفیت صنایع دستی و درجه بندی محصولات تولید شده؛

راه اندازی کارگاه های آموزشی جهت صنایع دستی به منظور تولیدات با کیفیت؛

راه اندازی نمایشگاه های متعدد فروش محصولات صنایع دستی عشایری؛

تولید صنایع دستی ارزان قیمت و با کیفیت جهت مشتریان با بینه مالی پایین؛

منابع و مآخذ

– الوانی، سید مهدی؛ (۱۳۷۷)، جهانگردی و توسعه، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات سیاحتی،
– الوانی، مهدی ودشتی، زهره؛ (۱۳۷۳)، "اصول و مبانی جهانگردی". تهران: معاونت اقتصادی
و برنامه ریزی بنیاد مستضعفان و جانبازان.

– احسانی، محمد تقی، هنر فلزکاری در ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی سال
۱۳۶۸؛

– افرا، منیژه؛ (۱۳۹۷)، نقش صنایع دستی در توسعه اقتصاد گردشگری استان لرستان، خرم
آباد، انتشارات شاپور خواست؛

– ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ دوم انتشارات آگاه؛

– بخشنده نصرت، عباس؛ (۱۳۷۸)، "صنایع دستی (روستایی) و پهنه بندی آن در ایران". جزوه
درسی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم.

– بخشنده نصرت، عباس و میراج، فرحناز؛ (۱۳۸۸)، "راهکارهای احیای صنایع دستی منسوخ شده
و ارتباط آن با توریسم". (مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم).

– بلوریان، محمد؛ (۱۳۷۴)، "بازار یابی و صادرات صنایع دستی". تهران: پیام صادرات. بهمن و اسفند.

– بیانی، سوسن؛ (۱۳۶۶)، هنر فلزکاری اسلامی، دانشگاه تهران.

– پیت من، هالی؛ (۱۳۸۴)، هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران.....، ترجمه کورش
روستایی، مؤسسه پیشین پروژه مهر دریا،

– حاجی پور، عبدالمجید؛ (۱۳۷۱)، "صنایع دستی در چشم انداز پیشرفت فراینده صنعت
و تکنولوژی". دست‌ها و نقش‌ها، شماره ۱.

– حیدری، غلامحسین؛ (۱۳۷۳)، "جایگاه صنایع دستی در برنامه دوم توسعه اقتصادی
کشور". دست‌ها و نقش‌ها، آذر ماه.

– راولینسون، سرهنری؛ (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون، ترجمه‌ی سکندرامان اللهی

- روزنامه اطلاعات؛ (۱۳۷۶)، "کاربرد اصلی صنایع دستی در جهان". تهران: کارآفرینی، درآمدزایی، خرداد.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت (کاسان)، انتشارت افلاک،
- سکایا، مدود؛ (۱۳۸۳)، ایران در عصر آهن I، ترجمه‌ی علی اکبر وحدتی.
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان؛ (۱۳۹۱)، "معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی، شناسایی لرستان: بازاریابی و ارتقاء فروش صنایع دستی بومی استان.
- سازمان صنایع دستی؛ (۱۳۵۷-۱۳۵۶)، "نقش صنایع دستی روستایی در توسعه اقتصادی". تهران: سازمان صنایع دستی.
- سالاری، سامرند. و سالاری، ممند؛ (۱۳۸۸)، "بررسی و شناسایی صنایع دستی مناطق کردنشین کشور به عنوان زمینه‌ای مناسب برای توسعه توریسم و توسعه پایدار (مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم)". تهران.
- صفی‌خانی، مهتاب و قنبریان، شیوا و مجابی، سید علی؛ (۱۳۸۸)، "بررسی سازگاری و تنوع‌خاتم اصفهان با سلیق توریست‌های خارجی (مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم)". تهران.
- فرانسوا، ولایونلیبریچیل. و گوهریان، م. و کتابچی، م؛ (۱۳۸۴)، "گردشگری بین‌المللی". تهران: امیر کبیر.
- فهیمی، سیدحمید؛ (۱۳۸۱)، فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر، سمیرا، تهران
- کشاورز نیا، نگین؛ (۱۳۸۸)، "نقش صنایع دستی و ارتباط آن با توسعه گردشگری (مطالعه موردی صنایع دستی ایکات بافی)".
- کلانتری، جوریه؛ (۱۳۸۹)، "نقش صنایع دستی در احیا گردشگری، مطالعه موردی استان ایلام (پایان نامه کارشناسی ارشد)". تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

- محمدی، تقی؛ (۱۳۸۳). "جغرافیای اوقات فراغت و جهانگردی". تهران.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۹۵)، جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۹۰)، دوران طلایی برنزدر زاگرس غربی، نشر زاگرو.
- مطیعی لنگرودی، حسین؛ (۱۳۷۳)، "جغرافیای اقتصادی ایران". خراسان رضوی: استان قدس رضوی.
- مهدوی، مسعود؛ (۱۳۷۷)، "مقدمه‌ای بر جغرافیای روستای ایران". تهران: سمت.
- نعمت‌زاده؛ (۱۳۷۵)، "صنایع دستی ترکیبی از تغییرات پایایی قوانین و بخشنامه‌ها، (معضل مهم صادرات). شماره: ۱۲۲. اردیبهشت.
- نبیل، زهرا، تمدن کاسی‌ها و اشیای مفرغی لرستان، پنجمین کنگره بین‌المللی هنر ایران و باستان‌شناسی؛ فرهنگ و هنر.
- نوری‌زاده، شیوا؛ (۱۳۷۶)، "صنایع و هنرهای دستی". نامه اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران. شماره ۶
- واندنبرگ؛ (۱۳۵۰)، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ششم، بهار.
- واندنبرگ، لوئی؛ (۱۳۴۸)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام.
- وارثی، محمید رضا. و موسوی. سید علی. و غلامی بيمرغ، یونس؛ (۱۳۸۸)، "تحلیلی بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های صنایع دستی در توسعه گردشگری (مطالعه در موردی شهرستان سپیدان فارس)". مجموعه مقالات همایش ملی صنایع دستی و ارتباط آن با صنعت توریسم
- یاوری، حسین؛ (۱۳۷۱)، "صنایع دستی و امکانات بالقوه آن". دست‌ها و نقش‌ها. شماره اول.
- یاوری، حسین؛ (۱۳۸۴)، "بررسی اثر متقابل صنایع دستی و صنعت گردشگری (سفران فرهنگی)". تهران: ماهنامه ایران‌شناسی. گردشگری- هتلداری. مرداد ماه.

روابط ایران و ارمنستان بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی

مکشوفه از محوطه‌های "دوین" و "آنی" در قرون نهم تا چهاردهم میلادی

پریسا پورمحمدی^{۱۲}

چکیده: ظروف سفالی وارداتی ارمنستان در قرون نهم تا چهاردهم میلادی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تاریخ تجاری-اقتصادی این کشور در قرون میانی اسلامی است که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس کشفیات باستان‌شناسی رشد صنعت سفالگری در کشور ارمنستان به ویژه در محوطه‌های "دوین" و "آنی"، و نیز کشورهای مجاور رشد اقتصادی شهرها را در قرون نهم تا چهاردهم میلادی در پی داشته است. مطالعه تپ‌بندی، طبقه‌بندی و همچنین نوع کارکرد فنی این مراکز، ویژگی‌های تولیدات به لحاظ کیفی، تنوع، ارزیابی زیباشناختی، سبک نقاشی شواهد و شناسه‌های مکشوفه از محوطه‌ها، روابط فرهنگی و اقتصادی ایران و ارمنستان را نشان می‌دهد.

از جهتی، مقایسه تطبیقی سفالینه و دیگر یافته‌ها از محوطه‌ها و سکونت‌گاه‌های استقرار در ارمنستان با کشفیات باستان‌شناسی در آسیای میانه و چین تحولات اقتصادی، تجاری و فرهنگی این کشور با دیگر کشورهای منطقه در این دوره‌ی تاریخی را نیز تأیید می‌نماید. کشفیات منسجم شهر دوین با کشفیات دیگر کشورها این امکان را فراهم نموده تا تحولات تاریخی، اقتصادی و روابط تجاری این کشورها شناسایی شود.

واژگان کلیدی: دوین، خط کوفی، آراگادز، قفقاز، روابط تجاری، سفال لعا بدار.

مقدمه: از زمان‌های دور ارمنستان، با قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، حلقه ارتباطی شرق و غرب محسوب شده است. ماناندیان از دانشمندان بنام ارمنستان، بر اساس سنگ

^{۱۲} - دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، مدرس دانشگاه هنر شیراز

نوشته‌ها و اسناد تاریخی این جاده را در مقاطع مختلف تاریخی مورد بررسی قرار داده و به نقش راهبری ارمنستان در چارچوب روابط تجاری-اقتصادی و فرهنگی این منطقه پرداخته است. به گفته‌ی وی: تحقیقات همه‌جانبه در ارتباط با این قرون، زمانی امکان‌پذیر است که محتوای تمامی کتیبه‌ها، اسناد خطی مربوط به قرون ۱۱-۱۳ و ۱۵ و دیگر منابع فرهنگی منتشر شوند". پیش‌بینی این دانشمند از آغاز سال ۱۹۵۰ به واقعیت پیوست، زمانی که کاوش‌های وسیعی در ارمنستان صورت گرفت و نتایج این کاوش‌ها در دسترس عموم قرار گرفت. بخشی از یافته‌های باستان‌شناسی، حجم ظروف سفالی وارد شده به ارمنستان و مراکز تولیدی سفال در این کشور تأیید شده است. کاوش‌های منطقه‌ی آرتاشات ارمنستان که از سال ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد مجموعه ارزشمندی از مهرها کشف شد. بررسی دقیق این مجموعه نشان داد که بر اساس قرارداد سال ۳۸۷ میان ایران و بیزانس، در نقاط مرز بین (ایران)، کالینک (بیزانس)، راگگا و آرتاشات (ارمنستان) مجوز تجارت برای این اقلام اقتصادی داده شده است.

بررسی این مجموعه همچنین نشان داد که گمرک در آرتاشات، فعالیت داشته و با کادر مجرب خود اداره‌ی امور را در عرصه‌ی تجارت مجموعه‌ای بسیار نفیس از مهرها را بر عهده داشته که تا اواخر قرون میانی میلادی ادامه داشته است. در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ در منطقه دوین ارمنستان مجموعه‌ای از مهرهای مربوط به ساسانیان (قرون پنجم تا هفتم) کشف شده، مهرهایی که نوع محصولات وارداتی و صادراتی، اندازه، تعداد و وزن آن‌ها را تأیید می‌کرد و در مواردی حتی نام تجار نیز ثبت می‌شد.

این اسناد همچنین بیانگر وضعیت املاک شهرها، وضع اجتماعی و حقوقی، اقتصادی و نیز کیفیت کالاهای وارداتی و صادراتی از راه‌های مواصلاتی و چگونگی حیات فرهنگی آن زمان است.

جاده ابریشم: فعالیت جاده ابریشم در زمان‌های مختلف به دلیل عوامل انسانی و جنگ‌ها و تحولات سیاسی متوقف شده است. در طول جنگ‌های ایران و بیزانس (قرون پنجم تا هفتم میلادی) راه‌ها در قفقاز شمالی که به چین متصل می‌شدند، فعال‌تر شده‌اند. در شرایط جهانی شدن در عصر حاضر، جاده ابریشم شرایط جدیدی بر آن حاکم شده که از منظر سیاسی قابل مطالعه و بررسی است. از جهتی رقابت کشورهای ایران، چین، روسیه با آمریکا، افغانستان، ترکیه، آذربایجان به دنبال بهره‌گیری از جاده تاریخی هستند. بازسازی، احیا و بهره‌برداری از این مسیر هزینه‌های بزرگی می‌طلبد که اختلافات عمیق بر سر میزان بهره‌وری از آن مانع اجرای این کار شده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اشیای سفالی در قرون میانی از چین، آسیای میانه و از طریق این جاده به ایران و کشورهای قفقاز از جمله ارمنستان منتقل و از این مناطق به کشورهای اروپای شرقی صادر می‌شد. این روند، تحولات فرهنگی و تمدنی کشورهای منطقه را از طریق ارتباط کشورها با یکدیگر موجب شده است. در این نوشتار تلاش شده تأثیر ورود ظروف سفالی چین از طریق جاده ابریشم به آسیای میانه و کشورهای قفقاز بر شکل‌گیری روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی ایران و ارمنستان مورد بررسی قرار گیرد. البته این کشور تنها واردکننده نبودند، بلکه خود در روند پیشرفت تجاری این کالا نقش داشته است که این موضوع نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

تحولات تاریخی ارمنستان: مطالعات تاریخی نشان می‌دهد در دهه سوم قرن نهم با اضمحلال خلافت اسلامی، نقشه‌ی تاریخی - جغرافیایی منطقه تغییر یافت. امیرنشین‌هایی در نقاط مختلف‌هایک بزرگ (ارمنستان باستانی) تشکیل شدند. چنین امیرنشین‌هایی سلسله‌های ایرانی، آل بویه، طاهریان و سامانیان را تشکیل دادند و راه‌های کاروان‌ها را که از طریق فارس و خوزستان به کشورهای عربی منتهی می‌شدند تحت تسلط خود قرار دادند. سامانیان با استقرار در منطقه مجاور سیردریا و آمودریا حاکمیت خراسان را به دست آوردند. آنان در نیمه‌ی قرن نهم با داشتن قوانین و نظم خاص صاحبان شهرهای تجاری پرسود منطقه بودند و نظارت کلیه‌ی فعالیت‌های مالی و تجاری را بر عهده داشتند. در همین زمان خلفای اسلامی، خواست باگراتونی‌ها را قبول کرد و به آن‌ها لقب حاکم حاکمان داد و هدایای شاهانه به آن‌ها اهدا نمود.

با این وجود از نیمه دوم قرن نهم همزمان با احیای حکومت ارمنستان در ساختار فتووالی کشور پیشرفت محسوسی بوجود آمد و روابط نیروهای مولد و تولید به سطح کیفی جدیدی رسید و صنعت در برخی حوزه‌ها رشد کرد. شهرهای قدیمی تبدیل به مراکز صنعتی و تجاری شدند. این شرایط رشد تخصص‌های صنعتی، ارزش کالاها و در کنار آن تجارت خارجی را گسترش داد. در عین حال تحولات سیاسی و اقتصادی در کشور تغییرات جدیدی در کیفیت مالکیت خصوصی ایجاد کرد. قشر جدید ثروتمند در شهرها ایجاد شد که نه تنها سفارش دهنده اشیا سفالی مهردار از کارگاه‌های سفالی بود، بلکه خواست خود را به بازار تحمیل می‌کرد. اشیا سفالی نه تنها از ویژگی‌های زندگی شهری بلکه فرهنگی جامعه شد و به کالایی با ارزش تبدیل گردید.

یافته‌های باستان‌شناسی

یافته‌های حاصل از حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرهای "دوین" و "آنی" اطلاعات مناسبی در باره تنوع کالاهای وارداتی به ارمنستان، حجم این کالاها و پدیده‌های مربوط به آن‌ها ارائه نموده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که اشیای سفالی از شهر سامره عراق (پایتخت خلفای اسلامی در سال‌های ۸۳۸ تا ۸۸۳)، بصره، کوفه، شهرهای شوش، نیشابور، شهر افراسیاب (سمرقند) در آسیای میانه، سغد، چاچا، المینای سوریه و شهر فوستان در مصر و کارگاه‌های معروف چین تولید شده‌اند. در باره روابط اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی این کشورها با ارمنستان می‌توان از سکه‌های کشف شده در "دوین" متعلق به این شهرها و نیز راه‌های مواصلاتی اطلاعاتی به دست آمده است. در نیمه اول قرن دوازدهم میلادی نیروهای متفق ارمنی-گرجی به رهبری زکریان‌ها ارمنستان را آزاد کردند. آرامش نسبی باعث شد تا در حیات اجتماعی-اقتصادی شهرها تغییرات مثبت به وجود بیاید و پیشرفت جهشی در صنعت را در همه زمینه تأمین کند. این تغییرات نه تنها برای شهر "دوین" بلکه شهر "آنی" از اهمیت خاصی برخوردار بود. در قرن دوازدهم میلادی شهر "آنی" نه تنها پایتخت معروف ارمنستان بود بلکه همپای شهر "دوین" به لحاظ اقتصادی-تجاری رشد می‌کرد و در برخی موارد از آن پیشی می‌گرفت. مفهوم "شهر" به عنوان مجموعه‌ای از روابط جدید تولیدی، پولی و فرهنگی و عامل انسانی شکل گرفت. در قرون دوازدهم شهرهای "آنی" و "دوین" کارگاه‌های سفال‌سازی که سفال ساده و لعاب‌دار تولید می‌کردند به لحاظ تنوع کالا، نوآوری در تولید و حجم بالای آن به دستاوردهای محسوسی دست یافته بودند و دیگر نیازی به واردات این نوع کالا حس نمی‌شد. در سال ۱۲۲۵ در پی حمله جلال‌الدین و در سال ۱۲۳۶ در پی حمله مغول‌ها منطقه با

وضعیت جدیدی روبرو گردید. شهرها ویران شدند، اقتصاد از بین رفت و مردم برای حفظ بقای خود مجبور به مهاجرت شدند. در نتیجه فعالیت باستان‌شناسی در آنی، گارنی، دیگونی، آمبرد و مجموعه‌های بزرگی از آثار سفالین که در ساختمان‌سازی استفاده شده و همچنین نمونه‌های هنری کشف شدند که بررسی آن‌ها نقشه جدیدی را از روابط تجاری و فرهنگی ترسیم می‌کند، با راه‌هایی که نه تنها به ایران، بلکه شهرهای ولگای دوردست و اورگنج ترکمنستان در آسیای میانه منتهی می‌شوند. تجارت ارمنستان از طریق کاروان‌ها صورت می‌گرفت و به دلیل جنگ‌های متوالی در دنیای قرون میانی تأمین رفت و آمد به امری ضروری تبدیل شده بود و این وظیفه را گروه‌های مسلح بر عهده داشتند. این گروه‌ها از شروع حرکت کاروان‌ها تا رسیدن آن‌ها به مقصد آن‌ها را راهنمایی می‌کردند. اعضای کاروان‌ها عموماً تجار، صنعتگران، دیپلمات‌ها، روحانیون و غیره بودند. کشفیات باستان‌شناسی اسنادی مبنی بر تجارت کاروانی به دست آمده است. در شهر آرمایر طی حفاری‌های باستان‌شناسی قطعاتی از خمره‌ی قرمز رنگ به دست آمده است که بر روی آن‌ها نقش‌هایی که کاروان شترها به چشم می‌خورد. ساربان روانداز کوتاه، شلوار و کلاه نوک تیزی به تن دارد. در دست راست او یک عصا است و در دست چپش طناب ضخیمی است که به شترها بسته شده است. دور تا دور این ظرف این تصویر تکرار می‌گردد. چنین قطعاتی همچنین در گارنی و تپه غربی آرمایر کشف شده‌اند.

کاروانسراها: یکی دیگر از جاهایی که کاروان‌ها اتراق می‌کردند، اقامت‌گاه‌های موقت و کاروانسراها بودند که در اینجا تجاری که راه طولانی را طی کرده بودند استراحت می‌کردند و زین و یراق را تغییر می‌دادند و در بسیاری از موارد حتی در همان کاروان‌ها با یکدیگر تجارت می‌کردند. در ارمنستان کاروانسراها در محل‌های صعب‌العبور احداث می‌شدند؛ ولی در شهرها کاروان‌های تجاری اتراقگاه داشتند و یا در مهمانسرا استراحت می‌کردند. در این بین بویژه اتراقگاه‌های تالین، آروچ، جرابی، سلیم، هارژیس خیلی معروف هستند. همچنین در شهر آنی نیز مهمانسراهایی کشف شدند که شواهد و شناسه‌های مکشوفه در این مکان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که فرهنگ شهری در آنی گسترش یافته بود.

کتیبه دو زبانه‌ی کاروانسرای هارژیس: کاروانسرای هارژیس در امتداد راه سیسیان - گوریس احداث شده است. در اینجا یک کتیبه دو زبانه است به زبان فارسی و ارمنی است. کتیبه ارمنی بر اساس تحقیقات بر خورداریان که از کارشناسان خط میخی بوده است می‌گوید که این بنا توسط حاکم سیونیک به نام اوربلیان تأسیس شده است. اما کتیبه‌ای که به زبان فارسی است مورد توجه محققان قرار نگرفته شاید به این خاطر که از آن به خوبی نگهداری و محافظت نشده است. با تلاش بسیار زیاد خطوطی از این کتیبه قرائت گردید. براساس متن این کتیبه ایوان (بورتلیان) کاروانسرا را در ۷۰۰ هجری (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱) تأسیس کرد. این میخانه همواره پاک باد این آب، گنجعلی سلطان‌خان و شیخ حسنعلی زبیه" احتمال می‌رود که بنای این کاروانسرا از سال ۱۳۰۰ آغاز شده و در کتیبه فارسی نوشته شده که چه کسانی در احداث این بنا شرکت کرده‌اند. البته این احتمالی است که ما پیش کشیدیم و باید روی این اثر تحقیقات

وسیعتری انجام بشود. به غیر از این، ظروفی با نقوش زبان عربی کشف شده که در این مقاله برای نخستین بار اطلاعات آن ارائه می‌شود.

خط و کتابت: در ارمنستان ظروف سفالی کتیبه‌دار به زبان ارمنی از تعدد و فراوانی برخوردار است به طوری که حتی می‌توان از این آثار، روند پیشرفت این نوع نگارش را نشان داد (از قرن نهم تا چهاردهم). بر این اساس باید گفت که خط کوفی مهم‌ترین تزیین ظروف قرون نهم تا دهم بوده است. اسامی برخی استادان این رشته نیز در قرون یازده تا چهاردهم میلادی روی ظروف لعابی و چینی با خط نستعلیق و شکسته به چشم می‌خورد و تکه‌هایی از این ظروف که به دست آمده‌اند نشان می‌دهند که این خطوط: یا بیتی از شعر است یا خطی در وصف صاحب ظرف. باید گفت که در قرون میانی این کار بسیار متداول بود و تقاضای بسیاری داشته است.

سکه‌شناسی: سکه‌های مربوط به قرون میانی نیز از اهمیت خاصی برخوردار هستند. این نوع آثار روابط تجاری ارمنستان با کشورهای دور و نزدیک را نشان می‌دهد. این سکه‌ها که از حفاری‌ها به دست آمده‌اند تاریخ ساخت ظروف سفالی را هم مشخص نموده‌اند. جالب است که در بسیاری از این حفاری‌ها مجموعه‌ای از این سکه‌ها و ظروف همزمان با هم به دست آمده‌اند. وجود این سکه‌ها انسجام روابط خارجی و داخلی بازارها و همچنین تحولات سیاسی در هر دوره خاصی، راه‌های مواصلاتی، مکان ضرب سکه‌ها را روشن نموده است.

اشیای سفالی: مطالعه اشیای سفالی مکشوفه از مکان‌های باستانی، عرصه‌های مبادلات تجاری، نوع تجارت، سطح و حجم تجارت در ارمنستان به وضوح ملاحظه می‌شود. در این بین اشیای سفالی وارداتی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. براساس اشیای سفالی کشف شده در شهرهای کوچک و بزرگ و همچنین قلعه‌ها و نمونه‌هایی که در موزه‌های مختلف دنیا وجود دارند مسائل مربوط به ظروف سفالی وارداتی در مراحل تاریخی مختلف (۹ تا ۱۰ و ۱۲ تا ۱۳ و قرن ۱۴) مورد توجه قرار گرفته است. این امر بدین لحاظ حائز اهمیت است که نشان دهنده روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری ارمنستان با دنیای خارج است. نتایج بررسی حفاری‌ها در ارمنستان و کشورهای مجاور و یا دور بر اساس اصول تطبیقی زمینه‌ای فراهم کرد تا مراکز تولید این سفال‌ها که به ارمنستان وارد شده‌اند و نیز اصول رقابت این تولیدات بررسی گردد. این بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که در طول همه‌ی زمان‌ها روابط تجاری ارمنستان با شرق بسیار گسترده بوده و اشیای سفالی عمدتاً از این کشورها وارد ارمنستان شده است. بسیاری از این ظروف براساس سلیقه‌ی مقامات و همچنین افراد ثروتمند تولید می‌شد.

حفاری در شهرآنی: حفاری‌ها به ابتکار نونمار از دانشمندان ارمنستانی در شهر آنی که زمانی پایتخت ارمنستان بود از سال ۱۸۹۲ تا سال ۱۹۱۵، شروع شد. آثار بسیار مهمی به لحاظ باستانی و همچنین بناهای که به لحاظ معماری از اهمیت خاصی برخوردارند کشف شدند و تحقیقات بر روی این آثار از سوی نونمار نشان داد که این شهر در خاور نزدیک به لحاظ صنعتی و فرهنگی اهمیت داشته است. شهر آنی که در مسیر شمالی قرار داشت از اهمیت خاصی در روابط تجاری به عنوان بازار مهمی برای داد و ستد برخوردار بود. به همین دلیل نونمار تجارت را مهم‌ترین عامل برای توسعه‌ی این شهر معرفی کرده است. پس بی‌جهت نیست که او ابوالصفاری امیر دوین را یک تاجر

فعال لقب داده است؛ چرا که به عقیده نونمار، ابوالصفاری ارزش آنی را به خوبی درک می‌کرد و به همین دلیل، وقتی که این شهر ویرانه‌ای بیش نبود حاضر شد آن را از سلجوقیان خریداری کند. توصیف‌هایی که او از این شهر و از اقامتگاه‌ها، راه‌ها و مهمان‌خانه‌های آن نموده، نشان دهنده این امر است. البته تجارت تنها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنان این شهر بود، چرا که در این زمان رشته‌های صنعتی مخصوصاً آهنگری، سفالگری و غیره نیز در این شهر رشد بسیار زیادی کرده بودند که اسناد به دست آمده این را ثابت می‌کنند. در موزه تاریخ ارمنستان در این ارتباط آثار بسیار زیادی وجود دارد که انتشار این آثار نشان داد که رشته‌های مختلف صنعتی در ارمنستان چگونه رشد کردند. این آثار مخصوصاً اشیای سفالی که وارد ارمنستان شده‌اند نشان دهنده این است که در چه تاریخی وارد ارمنستان شده‌اند و به کدام مکتب از هنر سفالی مربوط هستند. این آثار همچنین نشان دهنده روابط اقتصادی تجاری این شهر، میزان و حجم مبادلات و مناسبات فرهنگی آن هستند.

یافته‌های باستان‌شناسی: نونمار موضوعات دیگری را نیز مخصوصاً در ارتباط با هنر اسلامی بررسی کرده است. وی تأکید داشت که نمی‌توان هنر ارمنی و هنر اسلامی را از یکدیگر مجزا کرد چرا که تأثیرات فرهنگی بسیار زیاد است و این دو را باید با یکدیگر در یک مجموعه بررسی نمود. نونمار همچنین بر ظروف سفالی چینی نیز توجه بسیاری کرد که در چاه‌های کاخ باگراتونیان کشف شد. رنگ‌آمیزی بسیار ظریف این اشیا و غنی بودن تزئینات باعث شد تا نونمار این ظروف را به عنوان قله هنر سفالی معرفی کند و البته بر روی این ظروف می‌توان جمله‌هایی به زبان فارسی نیز مشاهده کرد که نشان دهنده نوع سلیقه آن زمان بوده، هرچند که جامعه یک جامعه مسیحی با اکثریت ساکنان مسیحی بوده است. اربلی نیز از دانشمندانی بود که در گروه

نونمار شرکت داشت و آثار بسیار مهمی در ارتباط با ارزش‌های مادی و معنوی شهر آنی منتشر کرده، وی نتایج به‌دست آمده در حفاری‌های شهر آنی را فهرست بندی کرده که از اهمیت زیادی برخوردار است. او همچنین تحقیقات مهمی روی موزائیک‌ها انجام داده است. وی می‌گوید تحقیقاتی که روی این موزائیک‌ها شده نشان دهنده تاریخ این شهر بعد از سپری کردن دوره‌ی مغول‌ها و همچنین ویژگی‌های فرهنگی شهر است. اوربلی مقاله‌ای در این ارتباط نوشته و همچنین در این مقاله نشان داده است که فن به دست آوردن نماهای آجری و ویژگی‌های این آجرها به لحاظ تقسیماتی به چه شکل بوده است. وی می‌گوید که این نوع آجرها را می‌توان در معماری ارمنستان در قرون میانی یافت. این دانشمند بزرگ در سال ۱۹۲۶ به انستیتو باستانشناسی قفقاز و همچنین سفارت آموزش و علوم ارمنستان مراجعه کرد تا در ارتباط با فهرست آثار به دست آمده از شهر آنی تحقیقات دقیق‌تری صورت بگیرد.

در این ارتباط این وظیفه را مسریان از دانشمندان نامی ارمنستان انجام داده است، وی تحقیقات را بسیار موşkافانه شروع می‌کند و قسمت به قسمت هر تکه‌ای از آثار فلزی، سفالی، شیشه‌ای و کنده‌کاری‌ها را که بخشی از آن‌ها در موزه‌های ارمنستان وجود دارند بررسی می‌کند و از این بابت این تحقیقات از اهمیت خاصی برخوردار هستند و نشان می‌دهند که تاریخ و روابط اقتصادی، تجاری اجتماعی و فرهنگی در ارمنستان در قرون نهم تا چهاردهم به چه شکل بوده است.

پیشینه نظری: یکی از افرادی که روی آثار به دست آمده در حفاری‌های دویین که پایتخت ارمنستان در قرون میانی بود تحقیق کرده پروفیسور قافاداریان است که کتابی هم منتشر کرد به نام "شهر دویین و حفاری‌های آن" که در دو جلد منتشر شد. این کتاب از آن جهت حائز اهمیت است که در آن تاریخ، معماری و باستان‌شناسی بر

اساس اسناد تاریخی شهرسازی و همچنین مشاغل ساکنان شهر از جمله سفالسازی، آهنگری و شیشه‌گری در آن منعکس شده است. در بخش اشیای سفالی بررسی‌هایی شده بر روی آثاری که در ارمنستان خلق شده و یا از خارج وارد ارمنستان شده است. در جلد اول تعداد نمونه‌هایی که در ارتباط با اشیای سفالی ارائه شده کمتر است؛ اما در جلد دوم این نمونه‌های آثار بسیار زیاد هستند و این اثر از اهمیت زیادی برخوردار است. خصوصاً که در این کتاب و براساس این تحقیقات ما با ویژگی‌های سفالگری شهر دوین آشنا می‌شویم. یکی دیگر از کتاب‌هایی که در رابطه با شهرهای قرون میانی و حرفه‌هایی که در این شهرها وجود داشته آشنا می‌شویم کتابیست به نام "شهرها و حرفه‌ها در ارمنستان در قرون ۹ تا ۱۳ میلادی" که دو جلد است و در آن اسناد تاریخی و باستانی و منابع بسیاری وجود دارد. در بخش فرهنگ اشیای سفالی به توزیع تنوع گل استفاده شده پرداخته شده و همچنین مسائل مربوط به ساخت سرامیک و همچنین کوره‌ها که یکی از آن‌ها در سال ۱۹۶۸ در منطقه دوین کشف شد و آ. کلانتریان مفصل در رابطه با آن توضیح داده است. این دانشمند به بررسی نقش شهرهای دوین و آنی در قرون میانی و در حوزه‌ی کشورهای خاور نزدیک پرداخته است. تقسیم‌بندی تاریخی اشیای سفالی وارد شده به ارمنستان و نتایج حفاری‌های دوین از نکات مهم این اثر قلمداد می‌گردد.

کتاب "صنعت حرفه‌ها در ارمنستان در قرون چهارم تا هجدهم"

بررسی تجارت و حرفه‌های مختلف صنعتی در قرون میانی ارمنستان توسط آبراهامیان در قالب کتاب "صنعت حرفه‌ها در ارمنستان در قرون چهارم تا هجدهم" مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب گفته می‌شود که صنعتگران ارمنی در کشورهای دیگر مهارت خود را در تهیه سفال نشان داده‌اند. در آسیای میانه ظرفی یافت شده که کلمه

سارکیس که نامی است ارمنی، حکک شده و البته این شیوه‌ای بود که بعد از دوران مغول‌ها رایج شد. یعنی از قرن سیزدهم تا قرن چهاردهم وقتی که قبیله‌های مغولی که از این حرفه هیچ سر رشته‌ای نداشتند و صنعتگران را از جایی به جای دیگر منتقل می‌کردند تا مهارت‌ها و اسرار خودشان را در زمینه‌های حرفه‌ای که مسلط هستند به دیگران منتقل کنند. شلگونیکوف همچنین یکی از دانشمندانی است که در مورد اشیای سفالی به دست آمده تحقیق کرده است. کتاب وی از این جهت حائز اهمیت است که وی از شیوه مکانیکی شیمی و علمی - تطبیقی استفاده کرده و اشیای وارداتی سفالی را به لحاظ ویژگی‌های کیفی تقسیم بندی و تاریخ آن‌ها را مشخص کرده است، اما شلگونیکوف در تحقیقات خود از متد ساختارمندانه استفاده نکرده یعنی این اشیاء را به صورت مجموعه بررسی نکرده است. اما در ارتباط با فرهنگ مادی شهر آنی وی تنها نمونه‌هایی از سلطان آدام ارائه کرده. باید گفت که سفال‌ها و نما آجرهایی که با نوشته‌های عربی تزئین شده‌اند، مجموعه‌ای بسیار مهم هستند که در تحقیقات ایشان مورد توجه بوده است. همچنین باید از تحقیقاتی که در ارتباط با گارنی صورت گرفته اشاره کرد. کتابی که در آن در باره فرهنگ اشیای سفالی تحقیقات شده و مولفان آن به این نتیجه رسیده‌اند که در سال ۱۲۳۵ وقتی شهر دوین به دست مغول‌ها ویران می‌شود این صنعتگران به منطقه گارنی منتقل می‌شوند و در یک محیط جدید و براساس تقاضاهای قشر مرفه و همچنین نیاز بازار شروع به تولید سفال می‌کنند. پطروسیان از دیگر دانشمندانی است که تحولاتی عمیق را در زمینه‌ی صنعت سفال در قرون سیزدهم تا چهاردهم در کتابی به اسم "گارنی از قرن نهم تا قرن چهاردهم" مورد بررسی قرار داده است. مولف، سفالگری بومی و همچنین سفال‌هایی را که از خارج وارد ارمنستان شده بررسی کرده نموده است. روابط تجاری و فرهنگی قرون

سیزدهم تا چهاردهم گارنی با ایران آسیای میانه و کشورهای مجاور رود ولگا نتایج این اثر محسوب می‌شود. آرام کالانتاریان همچنین از دیگر محققانی است که در زمینه ورود اشیای سفالی به دوین و مناطق مرکزی این شهر تحقیق کرده (محل قرون میانی قرون چهارم تا نهم). طی بررسی‌ها او همچنین اشیای سفالی‌ای را که در قرون نهم تا دهم به دست آمده همراه با سکه‌ها و دیگر اشیای تقسیم‌بندی کرده و تاریخ‌نگاری آن‌ها را انجام داده و موفق شده تا محل تولید این اشیای سفالی را که به ارمنستان وارد شده‌اند به دست بیاورد. کلاتریان تصویر کلی سفال‌های وارداتی شهر دوین را تا فروپاشی این شهر در نیمه دوم قرن سیزدهم به زبان فرانسوی و با ارائه اسناد بسیار غنی ارائه کرده است. در اشیای به دست آمده اشیای چینی بسیار برجسته هستند که از سوی آ. ژامکوچیان تحقیق بسیار زیادی بر روی آن‌ها شده بر اساس این تحقیقات گروه‌هایی که این اشیای را وارد کرده‌اند براساس ترکیب بندی و اساس آن‌ها معرفی شده‌اند. سکه‌های مربوط به قرون میانی نیز از اهمیت خاصی برخوردار هستند و نشان می‌دهند که ارمنستان چگونه روابطی با کشورهای دور و نزدیک به لحاظ اقتصادی و تجاری داشت. این سکه‌ها که از حفاری‌ها به دست آمده‌اند نشان‌دهنده تاریخ ساخت ظروف سفالی هستند. جالب است که در بسیاری از این حفاری‌ها مجموعه‌ای از این سکه‌ها و ظروف همزمان با هم به دست آمده‌اند. در اینجا به منظور بررسی مسائل مربوط به روابط تجارت بین‌المللی و رشد صنعت، برخی عوامل از جمله وضعیت شهرها، ابزارهای حقوقی (مهرها) اماکن (بناهای ارتباطی و کاروانسراها) و نوع تجارت (به شکل کاروانی) و همچنین سکه‌ها (نشانی از فضای تجاری) مورد بررسی قرار گرفتند.

براساس اشیای سفالی کشف شده در شهرهای کوچک و بزرگ و همچنین قلعه‌ها و نمونه‌هایی که در موزه‌های مختلف دنیا وجود دارند سعی شده تا مسائل مربوط به ظروف سفالی وارداتی در مراحل تاریخی مختلف (۹ تا ده و ۱۲ تا ۱۳ و قرن ۱۴) مورد توجه قرار گیرند. این امر بدین لحاظ حائز اهمیت است که نشان دهنده روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری ارمنستان با دنیای خارج است. نتایج بررسی حفاری‌ها در ارمنستان و کشورهای مجاور و یا دور بر اساس اصول تطبیقی زمینه‌ای فراهم کرد تا مراکز تولید این سفال‌ها که به ارمنستان وارد شده‌اند و نیز اصول رقابت این تولیدات بررسی گردد. این بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که در طول همهٔ زمان‌ها روابط تجاری ارمنستان با شرق بسیار گسترده بود و اشیای سفالی عمدتاً از این کشورها وارد ارمنستان می‌شد که طرفدار خیلی زیادی داشت و بسیاری از این ظروف براساس سلیقه مقامات و همچنین افراد ثروتمند تولید می‌شد. حفاری‌ها همچنین منابع خوبی به منظور بررسی هر دوره‌ای از زمان از دیدگاه تاریخی و باستانی ارائه کرده‌اند.

نتایج آنالیز اسپکترال سفال‌های چینی و لعابی

متأسفانه در این آنالیزها عدم وجود معیارهای تطبیقی با سفال‌های خارجی باعث شده که درباره ویژگی‌های سفال‌های وارداتی و بومی نتوان تحلیل جامع و دقیقی ارائه کرد. دایز مایلووا بررسی‌هایی که بر روی آثار به دست آمده از مناطق "آمبرت" و "تیکنون" در حوزه قلعه‌های مربوط به قرون میانی نموده و همچنین با بررسی اشیای سفالی آمبرت به این نتیجه رسیده که این اشیا متعلق به شهر آنی هستند و این بویژه از وجود سلا دون در قلعه حکایت دارد. موزائیک‌هایی که در نتیجه حفاری‌ها از قلعه تیکنون به دست آمده به عنوان نمونه‌های دورهٔ حکومت مغول و همچنین نمونه‌های کپی‌برداری از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و این موزائیک‌ها دیوارهای خارجی و

داخلی را تزئین می‌کردند. در این ارتباط بخشی از این منابع استفاده شده، منابعی که برخی از آن‌ها در حفاری‌ها کشف شده و به لحاظ تاریخ‌نگاری و شناخت مرکز سفالگری از اهمیت خاصی برخوردار است. از این نوع فعالیت‌ها می‌توان از تحقیقات ف.زارع نام برد. وی در تحقیقاتش مراکزی را بررسی می‌کند که این اشیای سفالی از آنجا در قرون نهم تا دهم وارد ارمنستان شدند. این تحقیقات در عین حال نشان می‌دهد که روابط تجاری ارمنستان با عراق چطور بوده است. نتایج منتشر شده درباره حفاری‌های مربوط به سوریه نیز از اهمیت خاصی برخوردار است هم اکنون این اسناد در موزه لندن نگهداری می‌شوند و اخیراً توسط آ. لین و ت. ورتراشتراس منتشر شده‌اند. این اسناد نشان می‌دهند که روابط تجاری - فرهنگی سوریه و ارمنستان در قرون نهم تا دهم تا چه حد فعال بوده است. درباره سفال‌های لعاب کاری شده تحقیقات بسیار خوبی انجام شده که به تاریخ‌نگاری اشیای به دست آمده و مراکز اصلی تولید این اشیاء کمک شایانی می‌کنند. این تحقیقات برای نخستین بار از طریق بررسی‌ها بر روی سفال‌های به دست آمده از آسیای میانه در ارمنستان صورت می‌گیرد. در این ارتباط تحقیقاتی انجام شده که از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

بسیاری از این تحقیقات بر اساس اسناد و آثاری که در موزه‌ها نگهداری می‌شود انجام شده است. متأسفانه بسیاری از این آثار از دست فروشندگان اشیای عتیقه به دست آمده که اطلاعات آن‌ها در بسیاری از موارد قابل اطمینان نیست. در این مجموعه ظروفی که تاریخ آن‌ها قید شده خیلی مهم هستند و این اهمیت این آثار را دوچندان می‌کند از جمله تحقیقات آ.پاپ و مخصوصاً جلد دوم و هفتم که تا امروز در مجامع علمی بسیار شناخته شده هستند و در این تحقیقات از آن‌ها به عنوان یک اثر تطبیقی مخصوصاً در قرون دوازدهم تا سیزدهم استفاده شده است.

آثار سفالی وارداتی به ارمنستان قرون نهم تا دهم

نیمه‌های قرون نهم تا دهم میلادی یکی از دوران‌های بسیار مهم در تاریخ ارمنستان است هم به لحاظ اجتماعی و اقتصادی هم به لحاظ سیاسی. در این دوران تحولات بسیار زیادی رخ داد و در برهه‌ای از زمان صلح حاکم بود و برهه‌ای دیگر کشور در جنگ و خونریزی بود. در هر صورت این دوران برای ارمنستان به دوران پرتلاطم معروف است. در نیمه‌های قرن نهم خلافت اسلامی به دلیل تفرقه‌های سیاسی که درون آن اتفاق افتاد ضعیف شده و جنبش‌های اجتماعی رشد پیدا کردند. در نتیجه حفاری‌های دوین دانشمندان ارمنستانی موفق شدند تا تحقیقاتی را منتشر کنند مخصوصاً در ارتباط با نوع، تاریخ و تنوع سفال‌های ساده و لعابی و چینی مربوط به قرن نهم تا دهم میلادی و همچنین نشان بدهند که این آثار در کجا تولید شده‌اند و این تحقیقات براساس اصل علمی تطبیقی صورت گرفت. در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ در حفاری‌ها عمدتاً در بخشی اجرا می‌شد که عموماً در آن آثار دینی وجود داشت (از کلیسای گریگور لوساووریچ به سمت غرب) جایی که از قرن نهم تا دهم میلادی آثار باستانی صدمه ندیده بودند. در قرن دوازدهم تا سیزدهم به دلیل چشم‌انداز فرهنگی و بعداً در قرن هفدهم و هیجدهم به دلیل انجام تدفین، در این هنگام وضعیتی به وجود آمد که بررسی تحقیقات مجموعه‌ای صورت بگیرد (آثار سفالی، سکه‌ها، ظروف روی میز و آثار فلزی) و در نتیجه این امر باعث شد تا امکان ایجاد یک جدول براساس تیپ‌بندی و همچنین تاریخ نگاری فراهم شود. در قرن دهم برخی آثار از چاه‌های مربع شکل قلعه‌ی دوین کشف شدند. البته در برخی موارد هم به دلیل عدم وجود نظم در ساختار این بناها باعث شده تا همیشه آن نتیجه مطلوب از این تحقیقات به دست نیاید. از قرن نهم تا دهم از آثار سفالی وارداتی که در حفاری‌های دوین

کشف شده‌اند از جمله آثار سفالی ساده، لعابی و چینی و در عین حال به موازات این تحقیقات در برخی موارد در ارتباط با کشفیات شهر آنی نیز بررسی‌هایی به عمل آمده است.

سفال‌های معمولی: این رشته از صنعت که در قرن پنجم تا هفتم میلادی در حال اضمحلال بود در قرن دهم وارد مرحله‌ی جدیدی از پیشرفت شد. این رشته از صنعت در رشته‌ی سفالگری یک پدیده‌ی نوین محسوب می‌شد، به دلیل اینکه تولید انبوه صورت می‌گرفت و براساس اندازه‌های یک شکل آن‌ها و بالاخره تغییراتی که در شکل خارجی سفال‌ها صورت می‌گرفت و در نظمی که در اندازه‌های ظروف وجود داشت. یکی از پدیده‌های نوین تنوع ظروفی بود که جای دستگیره داشت که این نوع با انواع آثار قبلی در قرن دوازدهم و سیزدهم تفاوت بسیار بزرگی داشت. اولین مجموعه‌ای که از این بخش به دست آمده به لحاظ کیفی، یکی از کشفیات صنعت دنیای اسلام محسوب می‌شد، نمونه‌هایی که از حفاری‌های دوین در قرن دهم به وجود آمده نشان می‌دهد که این ظروف از بین‌النهرین وارد شده‌اند و همچنین این اشیا نشان دهنده‌ی سطح روابط اقتصادی تجاری ارمنستان با این نقطه از دنیا چگونه بوده است.

در سال ۱۹۷۰ در محله‌ی مرکزی دوین در عمق ۱۰/۱ متر از ویرانه‌های بناهای قرن دهم، دو بخش از یک ظرف به دست آمد که دارای نقوش بود. یکی از بخش‌های این ظرف در سال ۱۹۷۰-۱۹۸۰ در محله‌ی مرکزی به دست آمد که در قسمت لبه‌ی آن یک برآمدگی وجود دارد که در آنجا زنجیره‌هایی هستند که در وسط این زنجیره شکوفه‌ها و برگ‌هایی به شکل بادام وجود دارند. احتمال می‌رود که چنین ظرف‌هایی که نیاز به ممارست بسیار زیادی داشت و یک سلیقه خاص برای استفاده روزمره استفاده نشدند و وجود چند گونه از این ظرف‌ها در دوین نشان دهنده‌ی این امر است.

یکی از این قسمت‌های این ظرف در موزه‌ی زوارتنوتس وجود دارد و احتمالاً از دوین به آنجا برده شده بوده که بر روی آن تحقیق کافی انجام نشده است. روی سطح این ظرف قفس‌های هندسی و نقش‌های سلولی به چشم می‌خورد. قطعات این ظروف سفالی مربوط به قرن دهم با نقوش قالبی تزیین شده همانند آن در سامرا وجود دارد. در سال‌های اخیر دو قسمت از این ظروف در محله‌ی مرکزی مربوط به قرون هشتم تا نهم کشف شده است. در قرن یازدهم تولید اشیای سفالی با نقش‌های قالبی به طرز چشمگیری رشد کرد به دلیل این که از قرن نهم تا دهم فن نقش‌های قالبی که فقط در تزیین ظروف استفاده می‌شد و در قرن یازدهم تا دوازدهم روی کوزه‌ها این تزیین‌ها استفاده شدند و نه تنها از اشکال هندسی بلکه از تصاویر گیاهان حیوانات نیز استفاده شد. در دوین از قرن یازدهم استفاده از فن نقش‌های قالبی خیلی رواج یافت و دلیل این ادعا هم این است که کشفیات و حفاری‌هایی که در قلعه‌ی داخلی دوین انجام شد بسیاری از این ظروف با این تصاویر که استفاده از این فن در آن استفاده شده بود انجام شد. چنین ظروفی از کوزه‌های سفالی که به این شکل تزیین شدند دارای کمری به صورت کروی و یا به شکل گلابی و گردنی دراز و در بعضی موارد کوتاه و پهن می‌باشد. عمده تزیینات که تا قبل از کمر سفال می‌باشد و سوژه‌هایی که در اینجا استفاده شده تصاویری از گیاهان و حیوانات و همچنین اشکال هندسی است. پس تیپ‌بندی اولیه‌ی اشیای سرامیک با نقش‌های قالبی در قرن نهم تا در آسیای میانه عراق، ایران و آذربایجان یافت شدند؛ اما از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم این گونه از سفال‌ها در ارمنستان نیز تولید شدند بویژه در دوین.

ظروف جیوه: این ظروف در حجم زیاد در مصر، آسیای صغیر، عراق، ایران و آسیای میانه کشف شده‌اند. در حفاری‌های دوین و آنی نیز مجموعه‌ای غنی از این ظروف به

دست آمده‌اند که بخشی از آن‌ها وارداتی هستند. هرچند اسنادی وجود دارد که بخشی از آن‌ها در خود این شهرها تولید شده‌اند. بررسی‌های بسیار دقیقی در ارتباط با نوع استفاده از این اشیاء، تاریخ استفاده و نحوه ساخت آن‌ها انجام شده است. بسیاری بر این باورند که از این ظروف برای حفظ مواد شیمیایی یا جمع کردن مواد شیمیایی از آن‌ها یا برای نگهداری از روغن‌های عطرها و روغن‌های روغنی استفاده شده است. البته درباره‌ی استفاده از این ظروف نظریه‌های بسیار زیادی پیش کشیده شد که براساس یک نسخه خطی این ظروف همچنین برای نوشابه‌های گازدار استفاده شده است. در عین حال از ظروف جیوه، به عنوان عطردان یا داروهای پزشکی، جیوه و مایعات بسیار مهم برای زندگی روزمره استفاده می‌شد. احتمالاً تجار با توجه به شکل مناسب آن‌ها در مرادوات با کاروان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کردند و بی جهت نیست که برخی از نمونه‌های این ظروف در مجاورت مهمانسراها، در آنی و یا در مناطق مجاور به حمام‌ها یافت شده‌اند، مکان‌هایی که تجار حتماً در آنجا اقامت کرده‌اند. ظروف جیوه به لحاظ تنوع شکل و موارد استفاده مخصوصاً برای آرایش بسیار معروف بوده‌اند و تاریخ تولید این اشیاء به قرون چهاردهم تا نوزدهم میلادی برمی‌گردد. باید گفت ظرف‌های جیوه‌ای کشف شده در قرون نهم تا دهم شهر دوین با ظروفی مکشوفه قرون یازدهم تا دوازدهم متفاوتند. این تفاوت‌ها به لحاظ شکل کروی آن‌ها یا سطح بدون تزیین و ساده‌شان مشهود است. شایان ذکر است که این اشیاء معمولاً در کنار اشیاء دیگر به ویژه سکه‌های دوره‌ی عباسی کشف شده‌اند. ظروف جیوه به ویژه در قلعه‌ی میانی شهر آنی کشف شده‌اند که براساس اسنادی که جامپولادیان منتشر کرده مربوط به قرون دهم تا یازدهم هستند. در جریان حفاری سواحل ولگا در شهر بلغار شده نیز ظروف جیوه یافت شده که دبا ظروف شهر آنی قابل مقایسه است. جامپولادیان و آسیمنروف

احتمال می‌دهند که دلیل این امر وجود روابط فرهنگی تجاری خیلی خوب آنان در قرون سیزدهم تا چهاردهم بوده است. در ارمنستان اولین تلاش‌ها برای تولید انبوه این اشیای سفالی لعابدار به اواخر قرن نهم میلادی می‌رسد. زمانی که شهرهای قرون میانی به عنوان مراکز تجاری و صنعتی رشد کردند و تحولات پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی عاملی برای رشد فرهنگ شهری شدند. به نظر می‌رسد اشیای سفالی لعابدار از مختصات زندگی فرهنگ شهری بوده است. از این رو، این شرایط می‌توانست نیازهای روزمره و همچنین نیازهای معنوی متقاضیان را تامین نماید. به همین دلیل این روند باعث شد تا صنعتگران این حوزه از سفالگری در طی زمان نوآوری‌هایی را انجام دهند و دستاوردهایی را بویژه در ارتباط با تزیین‌های جدید به دست آورند. باید افزود بسیاری از نظریه‌هایی که ارتباط با تولید انبوه این نوع اشیاء مطرح شده هنوز در حال بررسی است.

فناوری رنگ‌آمیزی سفال لعابدار در قرون نهم تا دهم

انتخاب رنگ‌ها هم در آسیای میانه، قفقاز و در خاورمیانه دارای مشترکاتی است. در این مناطق رنگ‌های مسلط سبز، زرد و دارچینی (قهوه‌ای) هستند و در تزیینات عقربه‌ها، دایره‌ها، مربع‌ها و شبکه‌ها شکل هنری آن ظرف را کامل می‌کنند. در اواخر قرن دهم و قرن یازدهم حروف عربی نقش بسیار مهمی در تزیینات این حروف ایفا می‌کنند. فن لعاب زدن ظروف در طی زمان، تغییراتی کرد، اگر در اواخر قرن نهم تزیینات مستقیماً روی سفال انجام می‌شد در قرن دهم ظروف را با آنگوب یعنی انبوه کردن آن یک تکنیک حساب می‌شد و این امر باعث می‌شد تا ناهمواری‌هایی که بر روی سفال وجود داشت رفع بشود. در قرن نهم تا دهم اشیای سفالی لعابداری که به

کشور وارد می‌شدند به انواع مختلف تقسیم می‌شدند: تک رنگ، رنگارنگ سفال‌های لعاب زده شده تک رنگ در محله‌ی مرکزی دویین به دست آمده است. شیشه‌تخت لعاب زده شده تک رنگ به رنگ سبز پررنگ کشف شده که یادآور ظروف شیشه‌ای تخت دوره‌آنتیک می‌باشد؛ اما به دلیل حجمی که دارا می‌باشد در حال حاضر مشخص نیست که این ظرف برای چه اموری مورد استفاده قرار می‌گرفت. ظرف دارای یک بدنه گرد تخت است با گردنی نسبتاً دراز و دو دسته که شبیه این ظرف در ترکستان در قرن نوزدهم به دست آمده است. متخصصانی که در حوزه سفالگری فعالیت می‌کنند بر این نظر هستند که در قرن نهم و دهم سرزمین سفال لعابدار بین‌النهرین و ایران می‌باشند، مثلاً سایکو یکی از این کارشناسان می‌گوید که تاثیر سنت‌های خاور نزدیک بر آثار سفالی آسیای میانه به وضوح به چشم می‌خورد و این تاثیر را می‌توان بر روی ظروف و در آثار لعابدار مشاهده کرد. شیشکینا که تحقیقات وسیعی نیز در سوگیدانا بر روی این سفال‌ها انجام داده می‌گوید که تاثیر نیشابور به وضوح در این آثار به چشم می‌خورد. باید گفت: در نتیجه رشد و توسعه تجارت و اقتصاد این نوع اشیای سفالی نه تنها به آسیای میانه بلکه به قفقاز نیز نفوذ کرد و تلاش‌هایی هم انجام شد تا در کشورهای مختلف این نوع آثار را تولید کنند و به این منظور در اولین اقدام از این نوع آثاری که خلق شده بود نمونه‌های دیگری تولید شد. در این ارتباط باید از ظروف بزرگ تشت مثال زد که در بخش تحتانی تا لبه‌های آن تزییناتی به صورت دسته گل ایجاد کردند. در سال‌های اخیر در محله مرکزی دویین چنین ظرفی کشف شده است که از رنگ آمیزی زرد آجری استفاده شده با طیف بسیار پررنگ و همچنین از تزیینات همشکل سبز پررنگ که به صورت سه خط در دسته‌های مختلف استفاده شده است. به این رنگ آمیزی خط کوفی‌ای که

در وسط این ظروف به چشم می خورد جلوه و زیبایی خاصی می بخشد. در سال های اخیر از دوین همچنین کوزه های آب به دست آمده که نشان می دهد چگونه از نمونه های اصلی تقلید شده است. از نمونه های لعاب زده تقلیدی، می توان از تشت هایی که در منطقه ی آراگاتر به دست آمده نام برد. تشت هایی که از قسمت پایینی بدنه ظروف کم کم پهن تر می شود و به لبه های آن می رسد. تزیینات و رنگ آمیزی های متفاوتی وجود دارد که بیشتر از رنگ های سبز و فیروزه ای استفاده شده با طیف هایی از لعاب مشکی که در قسمت پایینی آن فضا را اشغال کرده است. بر روی این زمینه، نمونه هایی از خط عربی نگاشته شده که زیبایی خاصی به این ظروف داده است. به نظر می رسد این نمونه تا حدی به آثاری که در دوین به دست آمده است شباهت دارد. در قرون نهم تا دهم خط کوفی یکی از مهم ترین تزیینات این ظروف سفالی بود و در این ارتباط نظرات مختلفی وجود دارد. به گفته بوریاکوف در قرون نهم تا دهم به صورت خیلی گسترده ای از این نقش ها به عنوان تزیینات ظروف استفاده می شد؛ ولی بعداً از این خطوط برای سپاسگزاری، قدردانی، تقدیر کردن و یا برای مدح و ستایش استفاده می شد که باید گفت بسیاری از آن ها خوانا نیستند. در عین حال در کنار این خطوط کوفی تزیینات گل و گیاه استفاده شده است و گراچوفسکا معتقد است که در نیمه ی دوم قرن نهم از این تزیینات بسیار استفاده شده است.

ظروف چینی: اولین ظروف چینی در ارمنستان به وجود آمده است. اولین چینی ها در ارمنستان به دوران قرون میانی برمی گردد. در این عصر زندگی شهری رشد کرد و از طرف دیگر با توسعه ی صنعت و استفاده از فرهنگ اشیای چینی کم کم گسترش یافت و تبدیل به یک حوزه مجزای سفالگری شد. کائولین که همان گل سفید است در این صنعت استفاده می شود و نظریه های مختلفی در این ارتباط وجود دارد. برخی

معتقدند که این گل اولین بار در ایران کشف شده است و برخی دیگر نام عراق، کوفه، بصره، سوریه و مصر و ... را به میان می‌آورند. اما در این بین نامی از ارمنستان برده نمی‌شود در صورتی که در نوشته‌ها و اسنادی که به وجود آمده است و همچنین در آثار ابن سینا نوشته‌های متعددی در ارتباط با گل سفید وجود دارد و مجموعه‌ای که به دست آمده نشان می‌دهد که نه تنها بخشی از این آثار از خارج به ارمنستان وارد شده و بخش چشمگیری از آن هم در خود ارمنستان تولید شده است. به هر صورت آنچه مسلم است آن است که در قرون نهم تا دهم در نتیجه تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمان کشورهای مختلف باهم در داد و ستد بودند و تحت تاثیر متقابل قرار گرفتند و در کلیه کشورهای که نام برده شد، ظروف اشیای چینی تولید شدند با کیفیت و شکل‌های متفاوت که هر کدام از آن‌ها سلیق زیبا شناختی خود را در معرض دید قرار دادند. در قرون میانی همزمان با گسترش آثار سفالی، آثار چینی نیز رشد کرد و به تولید انبوه رسید و رفته رفته این هنر پیشرفت کرد. دلایل این امر بدین شرح است:

الف) ظروف لعابدار و چینی دارای یک تزئینات مشابهی هستند که از بخش تحتانی کم کم به صورت حلقه‌وار این ظروف دهانه‌ی آن بازتر می‌شود اما یکی از تفاوت‌هایی که در ظروف چینی می‌توان مشاهده کرد سینی‌هایی با اندازه‌هایی بزرگ و دهانه‌هایی پهن که به نظر می‌رسد تشابهی با آثار سامره دارد.

ب) تزئینات عمده این ظروف در هر دو حالت درخت‌هایی با شکل سرو هست نیم دایره‌ها و یا فستون‌ها، مربع‌ها، اشکال بیضی، خط‌های مایل و البته نوشته‌هایی که حکایت از تاریخ تولید این آثار دارد. البته روی چینی‌ها در کنار همه این تزئینات تصاویر پرنده‌ها، بزهای کوهی و دیگر حیوانات اضافه شد، همچنین تصاویری از انسان

و گیاهان که راه جدیدی را برای هنر باز کرد. در قرن دوازدهم تا سیزدهم در هنر اسلامی می‌توان هم در معماری، مجسمه‌سازی، سفالگری، آهنگری و مینیاتور و دیگر هنرها از برخی تصاویر حیوانات استفاده می‌شد و به خصوص در مینیاتور از انتخاب تصاویر شاعرانه و حماسی بسیار متداول شده بود. بر همین اساس تنوع زیادی در تولید ظروف چینی به وجود آمد و هنر سفالی با محتوای جدیدی وارد بازار شد.

پ) به رنگ‌های قدیمی رنگ‌آمیزی‌های جدیدتری افزوده شد، از رنگ سفید استفاده شد و همچنین استفاده از اکسید مس و کوبالت و همچنین استفاده از تصاویر گل، نقطه‌ها، برگ‌ها درخت‌ها، خطوط کوفی و بسیاری تزیینات دیگر باعث شد تا این ظروف از شکل و شمایل بسیار زیباتری برخوردار بشوند.

در تولید چینی در قرن نهم تا دهم یک جهش بسیار بزرگی صورت گرفت، زمانی که استفاده از طلایی و دارچینی و رنگ‌های سبز مایل به زرد و همچنین طیف‌هایی از رنگ قرمز که این امر باعث شد که یک رنگ‌آمیزی بسیار روشن و جدیدی به این ظروف داده بشود. در قرن نهم تا دهم یک مجموعه‌ای از این ظروف چینی در کاوش‌های محله مرکزی دویین به دست آمد.

براساس تحقیقات به نظر می‌رسد که این آثار در پی زلزله ۸۹۴ در این منطقه زیر آوار مانده بود و آثار به دست آمده ویژگی‌های آن‌ها را نشان داد که بدین شرح است:

- ۱- استفاده از اکسید مس و کوبالت؛
- ۲- استفاده از رنگ‌آمیزی طیف دارچینی طلایی؛
- ۳- استفاده از رنگ‌های سبز مایل به زرد مایل به دارچینی؛
- ۴- تزییناتی با رنگ قرمز تیره و طلایی و بالاخره سلاکون‌های چینی.

این که این ظروف سفالی از خارج به منطقه دوین وارد شده‌اند شکی در آن نیست؛ اما این که از چه مراکزی وارد دوین شده‌اند برای جواب دادن به این سؤال یک سری تحقیقات عمیق در حوزه شیمی و اکسپکتریال لازم هست. بنابراین، این بخش از تحقیقات هنوز به مرحله پایانی نرسیده است. البته بخشی از تحقیقاتی که انجام شده بیشتر براساس تزیینات خارجی ظروف و جزییات آن انجام شده است. در قرون نهم تا دهم در خاورمیانه و در ارتباط با استفاده از رنگ آمیزی بسیار درخشان و براق یک تحول بسیار عمیقی صورت گرفت، زمانی که آخرین رنگ آمیزی انجام می‌شد از این شیوه استفاده می‌شد و در نتیجه آن رنگ آمیزی بسیار درخشان‌تر بود. به لحاظ زیباشناختی هم ارزش اثر بیشتر می‌شد. ویژگی این نوع اشیای چینی در تکنیک نقاشی آن است که بسیار پیچیده‌تر است و از طیف‌های مختلف رنگ استفاده شده که توجه اشراف، تجار شهری و قشر متمول جامعه را به خود جلب می‌کرد.

سلادون‌های چینی

سلادون‌ها چینی‌های بسیار با کیفیت و مرغوب هستند که در چین تولید شده‌اند در زمان پادشاهی تان (۶۱۶ تا ۹۱۷) سون (۹۶۰ تا ۱۲۷۹) و مین (۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴) که در هر دوره‌ای این تزیینات ویژگی‌های خودش را داشته‌اند. در قرن نهم تا دهم نمونه‌هایی از سلادون‌ها در حفاری‌های آنی یافت شدند. نمونه‌های سلادون‌ها، ظرفی است با ترکیب بندی گلدسته که در سامره چنین نمونه‌ای پیدا شده است. هوپسون یکی از کارشناسان ماهر در حفاری چین این ظرف را به قرن نهم نسبت می‌دهد و معتقد است که مربوط به کارگاه سفالگری یواچجو بوده است. در حفاری‌های آنی قطعات دیگری هم پیدا شده است که هم به لحاظ ظاهری و هم به لحاظ ویژگی‌های تزیینی

متفاوت هستند، این ظرف نشان می‌دهد قبل از اینکه لعاب زده باشند از تزئینات گل و ساقه و از همین تکنیک سلا دون با رنگ آمیزی سبز استفاده شده (قرون نهم تا دهم).

۵- بر سر راه توسعه‌ی تجارت ارمنستان در قرون هفتم تا نهم، منطقه‌ی کمربندی خلافت اسلامی و امپراتوری بیزانس که به عنوان حصار عمل می‌کرد، یک مانع بود. این منطقه که از دریای مدیترانه تا شهر کاماخ امتداد می‌یافت در قرون هفتم تا نهم میلادی سدی در برابر توسعه‌ی تجارت ارمنستان بود. در سال ۸۹۳ براساس پیمانی که باکراتونی‌های ارمنی با بیزانس منعقد کردند، یک زمین‌های برای توسعه‌ی روابط تجاری و فرهنگی ارمنستان ایجاد شد. بررسی سفال‌های وارداتی و سکه‌هایی که در دوین کشف شده‌اند یک تصویر کلی از روابط تجاری و فرهنگی ارمنستان در قرون نهم تا دهم با عراق، ایران، بین‌النهرین، سوریه و چین ایجاد می‌شود. این روابط جاده‌ای را در برخی از اسناد می‌توان مشاهده کرد که براساس آن‌ها از دوین به سمت مناطق جنوبی ارمنستان راه‌های تجاری به عراق، کوفه، بصره و به بازارهای خلیج فارس می‌رسید. در یک مسیر دیگر کاروان‌ها از ارمنستان به سمت جنوب غربی گذر می‌کردند. براساس این اسناد باکراتونی‌های ارمنی روابط تجاری با حکومت‌های اروپایی مانند فنلاند، سوئد، لهستان، جزیره گوتلاندیا، دانمارک و آلمان داشتند و روابط تجاری با این کشورها از یک سو از سمت قفقاز شمالی به اروپا و یا از شرق به سمت ارمنستان و سپس آسیای صغیر، قسطنطنیه و اروپا امتداد می‌یافت.

سفال‌های وارداتی ارمنستان در قرن دوازدهم تا سیزدهم

از اوایل دهه چهل قرن یازدهم حیاط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ارمنستان و همچنین استقلال این کشور به مخاطره افتاد به دلیل یورش نیروهای بیزانس و همچنین حملات متعدد سلجوقیان به نقاط مختلف منطقه، بیزانس ابتدا مخالف استقلال ارمنستان بود و به دلیل این که تصور می‌کرد استقلال ارمنستان مانعی می‌تواند باشد برای پیشرفت از طریق تفرقه‌اندازی و توطئه‌چینی موفق شد شهر آنی را تصرف کند. در آن زمان وضعیت ایران و آسیای مرکزی به لحاظ سیاسی متفاوت بود. کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که صنعتگران نه تنها با دریافت سفارش کار می‌کردند؛ بلکه سعی می‌کردند تا تقاضای رو به گسترش بازار را تأمین بکنند، با رشد اقتصاد پولی و کالایی در قرن دوازدهم تا سیزدهم، یک قشر جدید اجتماعی به وجود آمد. این قشر افرادی بودند که یا مشغول تجارت بودند و یا در شهرها کارهای اقتصادی می‌کردند و یا مقام‌هایی در حوزه مالیات داشتند. این حفاری‌ها در مناطق دوین و آنی نشان می‌دهند که همین قشر از ظروف سفالی گران قیمت استفاده می‌کردند؛ ظروفی که از مراکز نزدیک به ارمنستان مخصوصاً از مناطق شرقی به ارمنستان وارد شده بود.

اما تمامی نمونه‌های آثار سفالی وارد ارمنستان نمی‌شد به طور مثال در قرون دوازدهم تا سیزدهم در نتیجه تحقیقاتی که شد معلوم شد که در گرجستان، آذربایجان، ارمنستان هرچند مشترکات در رنگ آمیزی و همچنین نوع کار وجود داشت؛ اما در تزئینات این ظروف تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد، در هر کدام از این کشورها، هم سوزدها و هم تزئینات ویژگی‌های خاص خودشان را دارند که نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ صنعتگر است. ساد بابایان نوشته است: این آثار در یک زمان مشخصی یعنی به

طور همزمان به وجود آمده و (مخصوصاً سفال‌های لعاب زده شده با چهره‌های انسانی) از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند؛ ضمن اینکه هویت ملی خود را حفظ کرده‌اند.

اوربل با اشاره به تحولات فرهنگی قرون دوازدهم تا سیزدهم ارمنستان، تمامی پایه و اساس تجارت را به پیشرفت‌های کشورهای شرقی منوط می‌دانست. "مار" دانشمند ارمنی تحقیقاتی بر روی آثار سفالی قرن دوازدهم و سیزدهم انجام داده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که این آثار مربوط به ایران، سوریه و چین هستند و در بزرگترین مراکز خلق این آثار تولید شده‌اند. آثار سفالی وارداتی مربوط به قرن دوازدهم تا سیزدهم به لحاظ تنوع به چند گروه تقسیم می‌شوند:

سفال‌های تزیین شده با رنگ طلایی و دارچینی شفاف بر روی زمینه سفید

سفال‌های تزیینی طلایی و زرد شفاف بر روی زمینه کبالت

سفال‌های تزیین شده با رنگهای مختلف روی زمینه سفید

سفال‌های تزیین شده با خطهای شیاری کبالتی بر روی زمینه سفید

سفال‌هایی با تزیینات گل و خطوط افقی

سلادون‌های چینی

سفال‌هایی با تزیینات لعابدار

نمونه‌های تقلیدی

به لحاظ حجم این سفال‌ها، سفال‌هایی که در گروه اول هستند به نظر می‌رسد که به لحاظ تعداد بیشترین حجم را داشته‌اند و این امر مربوط به قرون نهم تا دهم می‌باشد. در قرن یازدهم به دلیل برخی مسائل، تحولات سیاسی با یک وقفه یک‌صد ساله تولید ملاحظه می‌شود. در قرن دوازدهم تا سیزدهم یک تحول شگرفی در تولید سفال‌ها ایجاد شد و ظروف سفالی با کیفیت و تنوع بسیار زیادی تولید شده‌اند. ویژگی‌های این

دوره با ویژگی‌های قرون نهم تا دهم متفاوت بود، در قرن نهم تا دهم بخش تحتانی ظروف بزرگ، حلقه‌ای مانند است که کم کم پهن می‌شود تا لبه‌ها، اما در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم این ظروف بزرگ‌تر شدند و به جای اینکه این لبه‌ها به سمت بیرون باشند می‌بینیم که این ظروف دارای لبه‌های بسیار پهن تری هستند و تأکید زیادی هم روی لبه‌ها شده است که بسیار متمایز هستند. در تولیدات قرون دوازدهم تا سیزدهم در اندازه‌های متوسط نیز ظروف زیادی که برای کاربرد در زندگی روزمره استفاده می‌شد تولید شده‌اند از جمله پارچ‌ها، کوزه‌ها، ظروف قوری مانند، بشقاب‌ها، مجسمه‌ها و غیره... در قرون نهم تا دهم این نوع از سفال با قرون دوازدهم تا سیزدهم متفاوت است، با توجه به ویژگی‌های تزئیناتی در قرون نهم تا دهم ظروف از ویژگی‌های خاصی برخوردارند، برای تزئین لبه از فاستونها استفاده شده است.

در قرن دوازدهم تا سیزدهم همچنین مراکز تولید سفال‌های براق به وجود آمدند این موضوع یکی از موضوعاتی است که در باره‌ی آن تحقیق شده و البته نتایج تحقیقات متناقض است و اشیائی که در موزه‌های مختلف در معرض دید عموم قرار دارند معلوم نیست که به کدام مرکز تولید سفال مربوط می‌شوند. بسیاری از اشیای موزه‌ها از فروشندگان اشیای عتیقه به دست آمده، هر چند برخی موارد تحقیقات نشان می‌دهد که این اشیاء متعلق به شهر ری می‌باشند. اما مهم‌ترین موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که در ظروفی که در ارمنستان موجود هستند، این اشیاء در نتیجه‌ی حفاری‌ها به دست آمده‌اند و مربوط به قرن دوازدهم تا سیزدهم هستند. البته در موزه‌های مختلف بسیاری از اشیاء دارای تاریخ دقیق تولید هستند. در مورد تولید این سفال‌ها نمی‌توان مکان مشخصی را مطرح کرد چرا که برای این موضوع باید برخی تحقیقات و آزمایش‌های شیمیایی بر روی آن‌ها اجرا شود. همچنین باید به یک سری

از نقاشی‌های روی ظروف، براساس مکانیزم علمی و سبک‌شناسی توجه نمود که در این مورد هنوز تحقیقات قانع‌کننده‌ای صورت نگرفته است. در دوین و آنی ظروفی که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند یا به صورت یک ظرف کامل هستند یا به صورت قطعات و این تحقیقات به لحاظ باستان‌شناسی و هنرشناسی از اهمیت خاصی برخوردارند. این ظروف سفالی، ظروف پارچ‌مانند، ظروف قوری‌مانند، پارچ و گلدان و ظروف دکوراتیو می‌باشند، باید گفت یک سینی از دوین به صورت کامل کشف شده که نمونه عالی هنر سفال می‌باشد، این ظرف که رفته رفته به سمت لبه‌ها بازرتر می‌شود با لبه‌های پهن دارای خط‌های افقی است که به صورت موازی پشت سر هم قرار گرفته‌اند. بر روی لبه‌ی این ظرف نوشته‌ای به خط عربی به چشم می‌خورد، که به لحاظ محتوایی دارای ویژگی ایست که بر روی نوار دوم یازده بار زن سوارکار مشاهده می‌شود که میان این تصاویر درخت‌هایی نیز نقش‌بندی شده با نوک‌های شطرنجی، هنرمندی که این اثر را خلق کرده به صورت ماهرانه‌ای صورت پریشان زن را به نمایش گذاشته و موهایی که در باد پریشان شده‌اند.

روی نوار دوم حیواناتی به تصویر کشیده شده‌اند که دارای تنه‌ی درازی هستند که این اثر در بسیاری از هنرهای تجسمی مشاهده می‌شود مخصوصاً در تزیینات گچی و کنده‌کاری روی فلزات و غیره. در وسط این ظرف یک نوار دیگری وجود دارد که زنانی مشاهده می‌شوند که به صورت چهارزانو نشسته‌اند و در پایان زنجیرهایی به سبک سلجوقی که این کمپوزسیون با این قسمت به پایان می‌رسد. در دوین همچنین قطعاتی از ظروف سفالی براق نیز موجود است. در قرون دوازدهم و سیزدهم ظروفی در ایران تولید می‌شد، ظروف سفالی دارای تصاویر بسیار غنی بودند و این را می‌توان در ظروفی با اندازه‌های متوسط مشاهده کرد. یک ظرف دیگری با اندازه میانی از

منطقه دوین به دست آمده که به لحاظ سبک تفاوت چندانی با ظرف اولی ندارد، هنرمند در پس‌زمینه بخش تحتانی این ظرف، در یک هماهنگی مناسب یک نواری را به تصویر کشیده که سه زن چهارزانو نشسته با لباس‌های نقش‌دار همان جزئیات ظرف نخست را تکرار می‌کند.

در این بخش تصاویری از ظروف مختلف به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارائه شده است.









1



2



1

2



1

2

3



4

5



... تعالی می آید که فرود خود ...

... سراندر պատմեցին հիմա
անցան ատելուն ...

1



... البراءة و الاصل ...

... Մարդու տառապանքները և
հաջողությունը ...

2



کماله

... სრვ კատარելությունը
(Աստուծո կատարելությունը) ...

3



... مررت عمل زود گشت ...

... Արժանի վարժուները վիչացավ ...

4



... خردوانان خرد ...

... Իմաստության տերերը
(իմաստուն մարդիկ) ...

5



... محتم نهایت گزشت ...

... სრანდ ჯაქთი ხარავდენ
ჩნდაცხ სოცრანდენდ ...

6



1

... لا اله الا الله ... الله أكبر ...

... البركة العلم ...

... Գիտելիքների առատություն ...

... معتم ...

... بیوفایان ارحمین ...

... بركت سوره فوجده و تو بركت تا بركت برفه و سوری ...

... Բո շնորհակալությունը հաջողության
համար հիմքն է առատության և
դու կվայելես քո ողորմածությունը ...



2



3

حل طه

Գործ մահայի



1
... شتون د قوچم و د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...



2
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



3
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...



4
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



5
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



6
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...
... (ساخته است) ...



7
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



8
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



9
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



10
... شتون د قوچم د نرغون د اهره د نرغون د قوچم د شتون د شونت



1

تذکره‌ای در قاضی‌نامه
Dizdārān, shāhīr, p. 49, q. 10, 11, 12



2

سوره‌ای - کلمات به کلام - بر روی دست
Luz Jān, sūrahāyeh (Luzāqāh);
shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



3

سوره‌ای که در حیات سوره‌ها در کلام - سوره‌های
فرستاده شده در سوره‌ها در کلام
In sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12
shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12
(shāhīr, sūrahāyehāyeh) & sūrahāyehāyeh
(shāhīr, sūrahāyehāyeh)



4

تذکره‌ای در کلام - کلمات به کلام - بر روی دست
Luz Jān, sūrahāyeh (Luzāqāh);
shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



5



6



7



8



9



10



11

shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



12

shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



13

shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



14

shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12



15

shāhīr, sūrahāyehāyeh, p. 49, q. 10, 11, 12







1



2



3



4



5



6



1



2



3



4



1



1



2



2



1



2



3



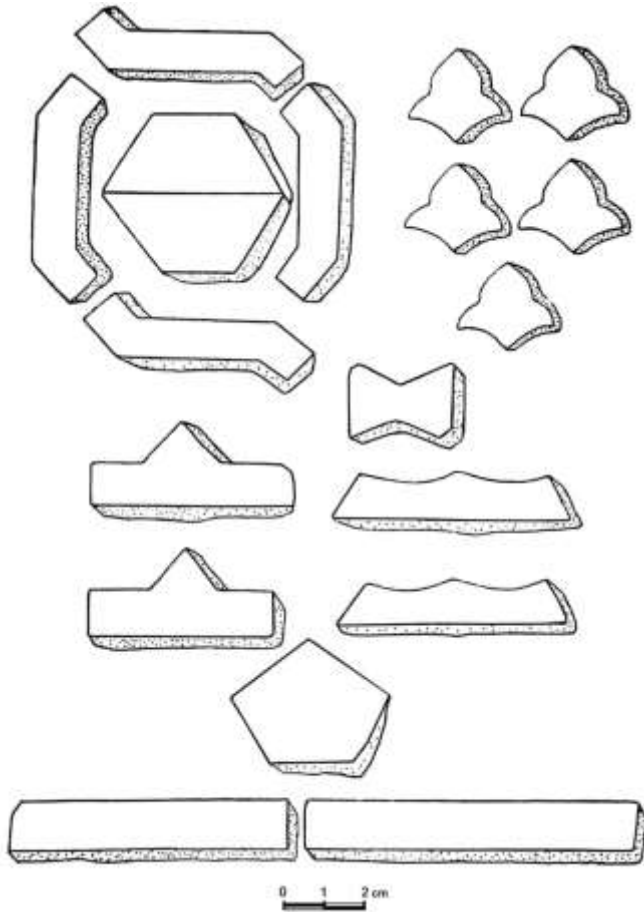
4



5



6





1



2



3



4



5



6

مطالعه و بررسی باستان‌شناختی اشیای مفرغی لرستان

(با تأکید بر سنجاق‌های مفرغی)

ماندانا محمودی^{۱۳}

چکیده

سرزمین لرستان به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی و منابع آب، از سکونت‌گاه‌های مهم بشر در دوران‌های مختلف تاریخی بوده است. با توجه به فعالیت‌های باستان‌شناسی و اظهار نظر مورخان و سیاحان، خصوصاً جغرافی‌نویسان اسلامی، این منطقه در گذشته، آباد بوده و یکی از قدیمی‌ترین محل‌های شناخته‌شده سکونت بوده است. اهمیت لرستان از نظر تاریخی، بیش‌تر به خاطر کشف آثار مفرغی منسوب به قوم کاسی‌هاست که مدتی در منطقه تاریخی لرستان (استان‌های ایلام و لرستان فعلی و...) حکومت داشته‌اند. از آن‌جا که آلیاژ مس-قلع که مفرغ یا برنز نامیده می‌شود، اولین ترکیب فلزات بوده، بنابراین، دوره بهره‌گیری از این فلز به نام «عصر مفرغ» نام‌گذاری شده است. سرپرسی سایکس، سراورل اشتاین و برخی هیأت‌های باستان‌شناس داخلی و خارجی، به بررسی فرهنگ‌های عصر مفرغ این منطقه پرداخته‌اند، اما تلاش هیأت مشترک ایران و بلژیک به سرپرستی پروفیسور واندنبرگ در دهه ۱۹۶۰ بسیار گسترده و چشم‌گیر بوده است. با وجود این تلاش‌ها، بسیاری از ناگفته‌ها در مورد برنز وجود دارد که ضرورت پژوهش‌های علمی و گسترده را ایجاد می‌نماید. در این مقاله این هدف دنبال شده تا سنجاق‌های مفرغی به عنوان بخشی از آثار برنزی مکشوفه از محوطه‌ها و گورستان‌های باستانی لرستان از منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های باستان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سنجاق، مفرغ لرستان، آلیاژ قلع و مس، قوم کاسی، عصر برنز.

^{۱۳} - دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی، گرایش تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا ورامین

مقدمه: استان لرستان در منطقه کوهستانی زاگرس واقع شده است. لرستان قبل از تشکیل دوره جدید حکومتی در ایران و استقرار مادها در غرب ایران از جمله نواحی ایلام باستان به شمار می‌آمده است (فرجی، ۱۳۶۶: ۱۰۷۳). در دوره‌های بعدی از جمله دوره ساسانی، این ناحیه دارای اهمیت بوده، به طوری که پل‌های مهم تاریخی منسوب به این دوره همچون: پل دختر، و کشکان، روی رودخانه‌ها هنوز باقی است. در ادوار تاریخی بعد از اسلام نیز لرستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده است؛ چنان که در دوره سلجوقیان، لرستان شامل دو قسمت لر بزرگ و لر کوچک بوده است. سرزمین لر کوچک، خود به دو ناحیه پشتکوه و لرستان پیشکوه تقسیم شده که پشتکوه (ایلام فعلی)، و پیشکوه استان لرستان فعلی را تشکیل می‌داده است.

اهمیت لرستان از نظر تاریخی بیشتر به خاطر کشف آثار مفرغی منسوب به قوم کاسی‌هاست که مدتی در منطقه‌ی تاریخی لرستان (استان‌های ایلام و لرستان فعلی و...) حکومت داشته‌اند. لرها قومی هستند که دارای نژاد، گویش و فرهنگ مشترک می‌باشند. در فرهنگ عمید آمده است: «طوایف لر... از نژاد آریایی بوده و به واسطه ایمن بودن از تهاجم اقوام بیگانه، خالص مانده و دارای صفات و خصوصیات نژاد آریایی می‌باشند» (عمید، ۱۳۴۶: ۷۵۰). در منابع مختلف، در مورد وجه تسمیه لرها سخن به میان آمده است. حمداله مستوفی به نقل از کتاب زبده التواریخ، اسم لرها را به محلی مرسوم به لور واقع در گردنه مانرود نسبت می‌دهد (مستوفی، ۵۵). مؤلف کتاب «تاریخ ماد» در مورد قوم لر می‌نویسد: «اصطلاح لر Lar به معنای کوه است که قریب به یقین می‌توان گفت لولوبی است...» (دیاکونف، ۴۷۷). حضور اقوام گوتی، آریایی، کاسی، اورارتویی، لولوبی، میتانی و... که شواهد استقرار آنان در دوران پیش از اسلام در این سرزمین تأیید شده است، نقش مؤثری در فرایند، توسعه و ایجاد فرهنگ‌های ایرانی

آن دوران داشته‌اند. بنابراین، مطالعه فرهنگ‌های ایرانی، بدون مطالعه فرهنگ و تمدن اقوام مهاجر و تأثیرپذیری از دستاوردهای مادی و معنوی آن‌ها با مشکل روبه‌رو خواهد بود. گیرشمن نوشته است: «انسان غار، تازه داشت نخستین فلزی را که می‌بایست به کار ببرد، می‌شناخت و دریافته بود که مس، نرم و قابل تورق است، اما هنوز طرز ذوب کردن آن را نمی‌دانست. این عهد، درست پایان عصر حجر متأخر است» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۱۳). در واقع، می‌توان پس از اختراع خط و انقلاب شهرنشینی، دوره برنز را اولین طلیعه تکنولوژی و یا به قولی دست‌یابی به فلز آلیاژی مفرغ یا برنز دانست که در حوزه لرستان و منطقه فعلی ایلام اتفاق افتاده، و در تاریخ هنر فلزکاری برای خود جایگاه ویژه‌ای را تحصیل نموده و به «برنز و یا مفرغ‌های لرستان» معروف شده است. سرپرسی سایکس، سراورل اشتاین، اشمیت، کایلر یانگ، واندنبرگ و برخی هیأت‌های باستان‌شناسی دیگر، به بررسی فرهنگ عصر مفرغ در غرب ایران پرداخته‌اند. اشیا و ابزار مکشوفه در ناحیه زاگرس غربی شامل: جنگ‌افزارها و سلاح‌های جنگی برنزی است که از حفاری‌های محدوده کوه‌های زاگرس به‌ویژه در نواحی ایلام و لرستان به همراه سایر اشیا و ابزار از قبرستان‌های باستانی به دست آمده‌اند. قسمت عمده این آثار، در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد مورد استفاده قرار گرفته است (محمودیان، ۱۳۹۲: ۹۷). در این نوشتار تلاش شده بخشی از یافته‌های علمی در رابطه با آثار مفرغی لرستان بویژه سنجاق‌های مفرغی که در کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده معرفی گردد. ضمن اینکه بررسی ویژگی‌ها و مشخصات این گونه آثار مورد توجه بوده است.

مفرغ لرستان

بیشتر اشیاء و ابزار مفرغی که تحت عنوان «مفرغ لرستان» معروف شده است، در استان‌های ایلام و لرستان و بخشی از استان‌های همجوار در زاگرس غربی پیدا شده است. این اسم‌گذاری متأثر از تقسیمات سیاسی دوران گذشته بوده است؛ زیرا در دوره‌ی اتابکان لرستان، ناحیه‌ی «پشتکوه» یا ایلام فعلی زیر حاکمیت آن حاکمان بوده است و پشتکوه را به انضمام پیشکوه یا لرستان امروزی، مجموعاً «لرستان» نامیده‌اند.

ایزدپناه نوشته است: «آلات و اشیای مفرغی، اولین بار در سال ۱۳۰۴ به وسیله‌ی مردم روستاها پیدا شد و از آن به بعد که محققین راه تازه‌ای برای بررسی یافته بودند، متوجه مفرغ لرستان شدند» (ایزدپناه، ۱۳۶۳:). در منابع تاریخی، اشاره شده است که محل سکونت یا خانه‌ی مسکونی از صنعتگران برنز در لرستان به دست نیامده و آنچه به عنوان برنز لرستان پیدا شده و امروزه در موزه‌های مختلف مشاهده می‌شود، از گورستان‌های آن‌ها به دست آمده است. معمولاً این ابزار، همراه مردگان دفن شده است. نکته‌ی قابل توجه این است که برنز لرستان با عقاید مذهبی سازندگان آن گره خورده است؛ به طوری که مذهب مردم ساکن لرستان از مذهب همان نقاشان ظروف مختلف شکل گرفته است. «کوشش هنرمندان فلزکار برای پیدا کردن رموز جدیدی از نظر تجسم خدایان بوده است که هوشمندی خود را به کار بستند و هنر در خدمت بت‌سازی قرار گرفته است» (ایزدپناه، ۱۳۶۳:). بخش عمده‌ای از مفرغ‌های لرستان، به شیوه‌ی ریخته‌گری ساخته شده و با استفاده از قالب‌های سنگی یا گلی قالب‌گیری شده‌اند. تزئینات روی آثار برنزی به وسیله‌ی چکش کاری پدید آمده‌اند. مفرغ، ترکیبی از مس با علامت شیمیایی CU با درجه‌ی ذوب ۱۰۳۳، و قلع (ارزیر) با درجه‌ی ذوب ۲۳۲ و علامت شیمیایی SN می‌باشد (بیانی، ۱۳۶۶: ۲۱ و ۲۶).

ابزارهای برنزی لرستان

یک گروه عمده از اشیا و ابزار مکشوفه در ناحیه‌ی لرستان، شامل جنگ‌افزارها و سلاح‌های جنگی برنزی است که از حفاری‌های مناطق غربی و محدوده‌ی کوه‌های زاگرس خصوصاً در ناحیه‌ی عمومی لرستان به همراه سایر اشیا و ابزار از قبرستان‌های باستانی به دست آمده‌اند. قسمت عمده‌ی این سلاح‌ها در اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، مورد استفاده قرار گرفته است. بیش‌تر این سلاح‌ها از طریق قالب‌گیری یک‌پارچه ساخته شده، و روی برخی از آن‌ها تزئیناتی شده، و یا کتیبه‌هایی به زبان رایج آن زمان، روی این ابزارها حک شده است. سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای به‌دست آمده عبارتند از: خنجر، تبر و انواع آن، کلنگ، پیکان، نیزه، شمشیر، گرز، سپر، کلاه‌خود، درفش، چکش، اره، داس، انبر، چنگال آهنی و ... قطعات زین و برگ شامل: لگام، حلقه‌های مهار، قطعات آهن، زنگوله، آویزه و ... اشیای زینتی شامل: گردنبند، آویزه، گوشواره‌های حلقه‌ای انواع پرنندگان مثل: مرغابی، طاووس، کبک و پیکره حیواناتی چون بز کوهی، اسب و پلنگ. اشیای نذری شامل: علائم و نشانه‌ها، بت‌های کوچک، سنجاق‌های نذری، حیوانات و سنجاق‌هایی با صفحات بزرگ. ظروف غذاخوری شامل: ساغر کاسه، لیوان و ظروف نوک دار. دوران بهره‌گیری از فلز مفرغ، عبارتند از:

❖ دوره‌ی مفرغ قدیم (از ۲۹۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م)؛

❖ دوره‌ی مفرغ میانه (از ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م)؛

❖ دوره‌ی مفرغ جدید (از ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م).

در برخی منابع، دوره‌ی مفرغ میانه را ۲۵۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م ذکر کرده‌اند (پیت من، ۱۳۸۴: ۱۸). بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که ساکنان فلات ایران، از هزاره‌ی سوم ق.م

با مس و آلیاژهای آن آشنایی داشته‌اند. از جمله این مناطق، می‌توان به منطقه جنوب شرق ایران و حواشی کویر لوت اشاره داشت. این منطقه محل شکوفایی فرهنگ عصر مفرغ قدیم و میانه در هزاره سوم و اوایل هزاره دوم قبل از میلاد است (همان، ۲۳). سرپرسی سایکس، سراورل استاین و برخی هیأت‌های باستان‌شناس داخلی و خارجی، به بررسی فرهنگ‌های عصر مفرغ این منطقه پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد راز معمای سربسته مفرغ‌های لرستان همچنان پابرجاست. هرچند تحقیقات بسیاری در این خصوص انجام شده، اما این راز و رمزها در رابطه با اشیای مفرغی لرستان همچنان در محافل باستان‌شناسی وجود دارد. پرسش اینکه چه کسانی، در چه دورانی و در کدام مناطق به ساخت این آثار هنری دست یافته‌اند، محور عمده این پژوهش می‌باشد.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی

هیأت ایران و بلژیک در دهه ۱۹۶۰ تحقیقات گسترده‌ای در مناطق غرب زاگرس (محدوده استان‌های ایلام و لرستان) انجام داد و موفق شد، فرهنگ عصر برنز را در این منطقه گاه‌نگاری و معرفی نماید. اریک اشمیت، در سال‌های (۱۹۳۴-۱۹۳۵)، (۱۹۳۷-۱۹۳۸) در رأس هیأتی از مؤسسه آمریکایی باستان‌شناسی و هنر ایران، در دره رومشگان و دره رودخانه سیمره به کاوش و حفاری پرداخت. او قصد داشت اطلاعات دقیقی از گورستان‌های لرستان به دست آورد. این هیأت موفق شد در «خاتون‌بان» لرستان، گورهای دارای مفرغ منسوب به مفرغ لرستان را کشف نماید. او هم‌چنین در منطقه «سرخ دم» لرستان به یافته‌های مهمی دست یافت (مدود سکایا، ۱۳۸۳: ۲۹). در سال ۱۹۵۰ «راد» و «حاکمی» در گنج‌دره به حفاری پرداختند و موفق شدند استقرارهای عصر آهن را در این منطقه کشف نمایند. این محوطه در سال ۱۹۵۴ توسط واندنبرگ نیز مورد حفاری قرار گرفت. هیأت بلژیکی موفق شد، در این فصل،

چهارده گور را مورد حفاری و کاوش قرار دهد. یافته‌های باستان‌شناسی این هیأت، نشانگر فرهنگ عصر آهن I در این مکان باستانی است (مدود سکایا، ۱۳۸۳: ۳۰). کابلر یانگ، با مطالعه اطلاعات به دست آمده از فعالیت‌های باستان‌شناسی بویژه سفالینه‌های ایران در عصر آهن (۱۵۰۰-۵۰۰ ق.م)، چند افاق سفالی را تشخیص داد. نکته بسیار مهم در مطالعات او، ارائه‌ی این نظر بود که ایرانیان از ربع آخر هزاره دوم (ق.م)، از شمال شرقی ایران به غرب و به منطقه زاگرس مهاجرت کرده‌اند. کایلر یانگ در گودین‌تپه به آثار عصر آهن دست یافت؛ و استروناخ نیز در فاصله سال‌های (۱۹۶۷-۱۹۷۷) در نوشیجان‌تپه به حفاری پرداخت و موفق شد به فرهنگ عصر آهن III در این منطقه دست یابد. دره هلیلان در سال‌های (۱۹۲۴-۱۹۶۳) به وسیله هیأت باستان‌شناسی دانمارکی به سرپرستی یورگن ملدگارد و هنریک برتن، مورد حفاری قرار گرفت. در این فصل، لایه‌های عصر آهن در تپه‌ی گوران به دست آمد. تپه باباجان در دره دلفان لرستان نیز در سال (۱۹۶۳-۱۹۶۸) به وسیله هیأت باستان‌شناسی انگلیسی به سرپرستی «کلرگاف مید» مورد پژوهش قرار گرفت که این مکان دارای سه مرحله استقرار است که قدیمی‌ترین آن‌ها متعلق به عصر آهن می‌باشد (فهیمی، ۱۳۸۲: ۴۵).

الف: پیشینه نظری در مورد عصر برنز

در طول چند دهه گذشته، کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های متعددی در زمینه عصر برنز، خصوصاً برنز لرستان، انتشار یافته و تحلیل‌های مختلفی صورت پذیرفته است. اغلب این نوشتارها به معرفی و یا بررسی گزارش‌ها و مقالات حاصل از پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده، اختصاص یافته و هر نویسنده‌ای به زعم خود، مطلب جدیدی ارائه نموده که با وجود ارزشمندبودن تلاش‌ها، به دلایل مختلف نمی‌توان آن‌ها را جامع و کامل قلمداد نمود. در این مبحث، تلاش شده تا فهرست‌وار برخی از این منابع

که در زمینه‌ی مکان‌های باستانی عصر برنز، قوم کاسیت و آثار برنزی غرب ایران اطلاعاتی ارائه داده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد:

کتاب «جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان»، تألیف علی محمد ساکی در سال ۱۳۴۳ انتشار یافته است. نویسنده کتاب با درایت خود و بهره‌گیری از ده‌ها کتاب و مقاله توانسته است لرستان را از ابعاد مختلف معرفی نماید. بخشی از محتوای کتاب به معرفی آثار و مکان‌های باستانی اختصاص یافته و به اقوام مهاجر از جمله قوم کاسیت و نیز گزارش‌های منتشر شده در مورد پیدایش مفرغ و مفرغ لرستان اشاره شده است، اما تحلیلی صورت نگرفته است. کتاب «لرستان و تاریخ قوم کاسیت»، نوشته‌ی محمد سهرابی که در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است. نویسنده به استناد منابع مختلف، مکان‌های منسوب به قوم کاسیت را معرفی نموده و به مفرغ لرستان و تاریخچه بهره‌گیری از این فلز در منطقه لرستان پرداخته است. کتاب «بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق.م (خنجر)» نوشته دکتر حبیب‌اله محمودیان در سال ۱۳۷۷ منتشر شده که به طور اجمال به تاریخچه پیدایش فلز مفرغ و معرفی تعدادی از خنجرهای مکشوفه از مکان‌های باستانی لرستان اشاره نموده است. این نویسنده، کتابی تحت عنوان «دوران طلایی برنز» در سال ۱۳۹۳ منتشر نموده که تاریخ تحولات عصر مفرغ را به طور جامع مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. حسن طلائی، «کتاب باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد» را در سال ۱۳۷۴ تألیف نموده و شامل معرفی فرهنگ‌های ایران بین سال‌های (۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م) و ادوار مفرغ و آهن می‌باشد. بررسی اشیای فلزی و سفال‌های مکشوفه از مکان‌های باستانی و گاه‌نگاری آن‌ها از مزایای این کتاب در زمینه‌ی برنز لرستان می‌باشد. «مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه» عنوان کتابی است که پیتر کالمایر آن را تألیف نموده، و محمد عاصمی در سال ۱۳۷۶ ترجمه و

منتشر نموده است. این کتاب، یکی از منابع ارزشمند در زمینه تاریخ‌گذاری اشیاء و ابزار مفرغی مکشوفه از مکان‌های باستانی خصوصاً غرب ایران می‌باشد. گاه‌نگاری‌ها و تاریخ‌گذاری‌های انجام شده در زمینه‌ی ابزار مفرغی مطلب مهم کتاب در این رابطه قلمداد می‌گردد. هالی پیت من، کتاب «هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران، آسیای میانه‌ی غربی و دره‌ی سند» را تألیف نموده، و کورش روستایی این کتاب را در سال ۱۳۸۴ به فارسی ترجمه نموده است. نویسنده تعدادی از آثار مفرغی منطقه مورد مطالعه را انعکاس داده است. کتاب «مفرغ لرستان» نوشته فرید قاسمی در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. در این کتاب به تاریخچه، ویژگی‌ها، و نمونه‌های اشیاء برنزی اشاره شده است. محتوای کتاب از نظر معرفی اشیاء برنزی لرستان و ارائه تصاویر مربوط به آثار مکشوفه دارای اهمیت می‌باشد. کتاب «باستان‌شناسی ایران باستان»، تألیف لویی واندنبرگ، که عیسی بهنام در سال ۱۳۴۸ آن را ترجمه کرده است. لویی واندنبرگ در دهه‌ی ۱۹۶۰ با هدف گاه‌نگاری عصر طلایی برنز، تحقیقات گسترده‌ای را در غرب ایران خصوصاً منطقه عمومی لرستان انجام داد. او ده‌ها گورستان عصر برنز را در مناطق ایلام و لرستان کنونی مورد حفاری و کاوش قرار داده و به بررسی، مقایسه و تحلیل این آثار پرداخته است. حاصل تحقیقات او در این کتاب و ده‌ها مقاله، گزارش و کتاب تا کنون منتشر شده است. این کتاب، یکی از منابع اصلی معرفی آثار برنز، معروف به برنز لرستان به شمار می‌رود. در این کتاب علاوه بر لرستان، بسیاری از آثار ایران باستان در محدوده فلات ایران مورد بررسی قرار گرفته است. حمید ایزدپناه با تألیف کتاب «آثار باستانی و تاریخی لرستان» در سال ۱۳۶۳ تلاش باارزشی را در زمینه تاریخ و تمدن منطقه عمومی لرستان انجام داده است. هرچند در این کتاب به معرفی آثار تاریخی و باستانی ادوار مختلف لرستان پرداخته است؛ اما بهره‌گیری او از منابع مختلف به غنای کتاب افزوده

است. قوم کاسیان و آثار برنزی لرستان از جمله مطالب این کتاب تاریخی است. «تمدن کاسی‌ها و اشیای مفرغی لرستان» عنوان مقاله‌ای است که خانم زهرا نبیل نوشته است. در این مقاله، ضمن معرفی قوم کاسیت، اشیای مفرغی لرستان نیز معرفی نموده شده است. «آثار ایران»، نوشته‌ی آندره گدار و دیگران، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم در سال ۱۳۷۹ منتشر شده است. در جلد اول این کتاب، حدود ۲۵ صفحه به معرفی تعدادی از اشیای برنزی مکشوفه از منطقه‌ی عمومی لرستان اختصاص یافته است. علی‌موسوی در مقاله‌ی خود، تحت عنوان «واندنبرگ؛ باستان‌شناس بزرگ»، در شماره‌ی دوم مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ سال ۱۳۷۳، ضمن معرفی پروفیسور واندنبرگ به برخی از یافته‌های پژوهشی او در منطقه‌ی لرستان اشاره نموده است. عزت‌الله نگهبان در بخشی از کتاب خود، «مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران» که در سال ۱۳۷۶ انتشار یافته است به برنز لرستان اشاره داشته است و تصاویری از بت‌های مفرغی لرستان را که به وسیله‌ی هیأت حفاری بلژیکی در ایران به دست آمده، ارائه نموده است. «هنر فلزکاری در ایران»، عنوان کتابی است که محمدتقی احسانی در سال ۱۳۶۸ آن را تألیف و منتشر نموده است. بخشی از مطالب این کتاب، به عصر مفرغ و اشیای مفرغی لرستان اختصاص یافته است. «ایلام - تاریخ - هنر»، عنوان کتابی است که میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام، در سال ۱۳۸۴ انتشار داده است. این کتاب، تصویری است و به معرفی تعدادی از آثار شاخص مکشوفه از مکان‌های باستانی اختصاص یافته است. نمونه اشیای مفرغی معرفی شده متعلق به عصر مفرغ، بخشی از محتوای این کتاب را تشکیل داده است.

«هنر فلزکاری اسلامی»، عنوان کتابی است که سوسن بیانی در سال ۱۳۶۶ تألیف و منتشر نموده است. در این کتاب به تزئینات روی آثار برنزی و ترکیبات این فلز اشاره شده

است. آرمان شیشه‌گر در «پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی»، گزارش کاوش محوطه سرخ دم لکی کوه‌دشت لرستان را که در سال ۱۳۸۴ از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی منتشر شده بازخوانی کرده و در آن به کاوش‌های منطقه لرستان، خصوصاً لرستان غربی (ایلام فعلی) پرداخته، و برخی از گورستان‌های منطقه را که آثار و اشیای برنزی از آن‌ها به دست آمده، معرفی نموده است. مقایسه مکان‌های باستانی و آثار فلزی و سفالینه‌های این مکان‌ها، مهم‌ترین بخش ارزشمند این گزارش می‌باشد. «یانا مدود سکایا» در کتاب «ایران در عصر آهن ۱» - که علی‌اکبر وحدتی آن را در سال ۱۳۸۳ ترجمه کرده است - اطلاعات ارزشمندی در مورد گاه‌نگاری عصر آهن و تداوم سنت سفالی عصر آهن ۱ و مفرغ متأخر ارائه نموده است. او با معرفی آثار مکشوفه از گورستان‌های غرب ایران به گاه‌نگاری این دوره پرداخته است.

«گزارش‌های باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی که در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است، حاوی چند مقاله پژوهشی در زمینه عصر برنز و آهن است. سید حمید فهیمی در کتاب خود تحت عنوان «فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان‌شناسی»، که در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است، اطلاعات ارائه شده در مورد فلز مفرغ و گاه‌نگاری عصر مفرغ در این زمینه، قابل بهره‌گیری است. «تحول ظروف لوله‌منقاری در عصر آهن ایران»، عنوان مقاله «تاکورا آدامی» است که در گزارش‌های باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. اطلاعات این مقاله، در جهت بررسی گذار از عصر مفرغ به آهن در نیمه شمالی فلات ایران، دارای اهمیت می‌باشد. در سال‌های اخیر، مقالات متعددی در مورد برنز لرستان به وسیله پژوهشگران داخلی و خارجی تهیه و تدوین، و در کنفرانس‌ها، نشست‌های علمی و

نشریات داخلی و خارجی چاپ و منتشر شده است. در مجموع، اطلاعات ارائه شده، به نحوی برگرفته از گزارش‌های حفاری و کاوش‌های باستان‌شناسی است که طی چند دهه گذشته صورت پذیرفته است. «عصر مفرغ قدیم در شمال غرب فلات ایران»، عنوان مقاله‌ای است که بهروز عمرانی نوشته است و در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی حوزه‌ی شمال غرب به چاپ رسیده است. این مجموعه، به کوشش مسعود آذرنوش، رئیس وقت پژوهشکده باستان‌شناسی، در سال ۱۳۸۳ چاپ و منتشر شده است. «تاریخ ماد»، نوشته ایوان میخائیلویچ دیاکونوف در سال ۱۳۴۵ چاپ شده و به وسیله کریم کشاورز به فارسی ترجمه گردیده است. بخشی از این کتاب ارزشمند به تاریخ قوم کاسی و آثار و اشیای برنزی منسوب به این قوم در منطقه لرستان اختصاص یافته است. لرستان در گذر تاریخ، عنوان کتابی است که حسین غضنفری و علیرضا فرزین آن را تدوین نموده‌اند و در سال ۱۳۷۶ به وسیله سازمان میراث فرهنگی منتشر شده است. بخشی از این کتاب، به آثار برنزی لرستان و قوم کاسیت اختصاص یافته است؛ تصاویر ارائه شده از برخی آثار برنزی شاخص از نظر معرفی عصر برنز دارای اهمیت می‌باشد.

ب: پیشینه تجربی در مورد عصر مفرغ

فعالیت‌های بررسی و شناسایی آثار و شناسه‌های فرهنگی، حفاری و کاوش‌های باستان‌شناسی در مناطق مختلف، مقایسه و تطبیق آثار و اشیای به دست آمده از مکان‌های باستانی این دوران، از جمله تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی در این زمینه است. پروفیسور واندنبرگ در دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های چشم‌گیری در غرب ایران و منطقه لرستان به منظور گاه‌نگاری ادوار فرهنگی عصر مفرغ انجام داد. گزارش‌های حفاری و کاوش باستان‌شناسی هیأت بلژیکی که با همکاری اداره کل باستان‌شناسی ایران انجام

شده، از منابع ارزشمند پژوهش‌ها و تحقیقات عصر برنز می‌باشد. حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی این هیأت در دو مرحله انجام شد؛ مرحله‌ی اول از سال ۱۹۶۰ شروع شد و ده‌ها گورستان منطقه‌ی عمومی لرستان را مورد کاوش قرار داد و آثار ارزشمندی متعلق به دوران باستان غرب ایران را به دست آورد. در این مرحله، شش فصل کاوش در منطقه صورت پذیرفت. مرحله‌ی دوم نیز از سال ۱۹۷۰ آغاز گردید. با توجه به اهمیت این پژوهش‌ها در معرفی آثار برنزی لرستان، در این مبحث به طور خلاصه به برخی از این یافته‌ها اشاره می‌شود: طبق گفته‌ی کلرگاف، کاکاوند یکی از سرچشمه‌های اصلی بوده. گورستان‌های این منطقه‌ی علاماتی از سر سنجاق‌ها و دهنه‌ها را با هنرمندانه ساخته شده را دارند.

واندبرگ معتقد بود که، این اشیا به طور اتفاقی در اثر غارت و جنگ و یا طرق دیگر وارد این منطقه شده‌اند (Vanden bergue, luristan)، انواعی از پرچم‌ها و دیگر اشیای برنزی که گزارشی از محدوده‌ی پیشکوه شرقی که با توزیع ظروف بادبادکی، kite در خواو، چواری، الیشترومریگ غربی که از باباجان B بوده‌اند و در تل‌های کاکاوند که از فرهنگ عصر آهن ۳ می‌آمده است. و بعد از حمله آشوری‌ها که یک راه تجاری با ایلامی‌ها پیدا می‌کنند از طرف باباجان B وارد شده‌اند (Goffmeade, Clare).

به گفته‌ی واندبرگ، پیشرفت فلزکاری در عرصه‌ی این هنر در بین‌النهرین و سوزیانا بوده است. ولی فرایند آن در عصر برنز در لرستان بوده. (p.29). به هر حال کشفیات صورت گرفته به فرم و شکل آن‌ها بی توجه بوده، اما در آن‌ها مذاهب اولیه‌ی ایرانی را منعکس می‌دانسته‌اند (پایان نامه، بررسی سنجاق‌های مفرغی لرستان: ۲۷)، (Bolloni). p. 18 فوریه معتقد، که مکتب فلزکاری ایران در لرستان پا می‌گیرد و طی چند سده

شکوفای می‌شود. مفرغ‌کاری از هزاره‌ی سوم ق.م شروع در لرستان شده است و در هیچ نقطه‌ی دیگر آسیای غربی یافت نشده و تا عصر آهن و همچنین هزاره‌ی اول ق.م هم می‌رسد (محمودی، ۱۳۷۶: ۲۷). مادها هنر مفرغ‌کاری لرستان را در اختیار داشته و تا حدودی از اساطیر و افسانه‌های ایرانی وام گرفته‌اند. سنجاق‌ها و لوح‌هایی که جنبه‌ی مذهبی داشته و مربوط به نیمه‌ی هزاره‌ی دوم تا آغاز قرن ۹ ق.م می‌باشد و بخشی از آغاز قرن ۹ ق.م تا دوره‌ی هخامنشیان بوده است. دسته‌ی اول متأثر از هنر ایلامی‌ها در دوره‌ی اونتاش هوبان و دسته‌ی دوم تحت تأثیر هنر آشوری، زمان آشور نازیر پال دوم بوده است. مجیدزاده نوشته است: می‌توان خاستگاه اولیه را ایلام دانست، که روابط تنگاتنگ فرهنگی واحدی نیز داشته و دارای سلیقه‌ی یکسان بوده‌اند. ایلام میانی را اوج دوران ایلامی‌ها دانست و پدیدار شدن نقش‌های روی سر سنجاق‌ها از این سرزمین سرچشمه گرفته است. ۱۳۰۰-۱۱۰۰ ق.م (محمودی، ۱۳۷۷: ۲۹). کالمایر، این اشیا را به کاسیت‌ها نسبت داده است (کالمایر، ۱۳۷۶: ۱۶). از نظر اشکال هندسی در غرب ایران به کار رفته و مربوط به کاسی‌ها دانسته‌اند. طرح‌های حیوانی و گل و گیاه مرتبط با ایران دانستند. سرهای مربع شکل در لرستان معمول نمی‌داشته‌اند. البته از سرخ دم یافت شده است. اشیا نماد ستاره‌دار مربوط به آسیای غربی و همچنین نماد باروری و حاصلخیزی دارند. درخت قائم به شکل ساده با شاخه‌های تصادفی به پیام آوران ایلامی نسبت می‌دادند. قاب هلالی با بدن یک مرد با سروسرهایی از یک شیر، بز کوهی یا قوچ روی مهرهای استامپی پیش از تاریخ را به ایران غربی می‌دانند و روی یادمان‌های ایلامی بوده است. مربوط به اواخر هزاره‌ی دوم ق.م می‌دانستند. در ارتباط با شیوه‌ی ساخت که هم از طریق ریخته‌گری که در قالب‌های ساده از گل و سنگ بوده که فلز مذاب را ریخته و قبلاً مدل آن را از موم ساخته بودند و گرداگرد آن را با گل

پوشانده و بعد از اینکه فلز مذاب را ریخته، موم به تدریج آب شده از محفظه‌های قالب بیرون می‌رفته و مفرغ به شکل قالب مومی در آمده که این نوع را «موم گمشده» می‌نامند. از جهتی هم به صورت چکش کاری بوده که روی ورق‌های فلزی گرم شده با چکش می‌زدند و به فرم و شکل دلخواه خود در می‌آوردند. البته، از فنون ترصیع کاری، کنده کاری و غیره نیز استفاده می‌شده است. به هر حال کوه‌های لرستان که غنی از مس و قلع بوده‌اند که عناصر اصلی ساخت مفرغ‌های لرستان بوده است. که از ترکیب این دو فلز آلیاژ مفرغ به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری:

بخش عمده‌ای از اشیای برنزی مورد مطالعه، اشیاء و ابزارهای بوده‌اند که از حفاران غیر مجاز به دست آمده و در موزه‌ها یا مجموعه‌ها نگهداری می‌شوند. بررسی آثار شناسایی شده مورد مطالعه، نشان می‌دهد، منطقه غرب زاگرس به‌ویژه منطقه عمومی لرستان، شامل استان‌های ایلام و لرستان و بخش‌هایی از استان‌های هم‌جوار، به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، منابع آب و موقعیت خاص مکانی در دوران مختلف تاریخی دارای استقرار بوده است. همین شرایط، موجب شده تا این منطقه در مسیر مهاجرت‌های اقوام مختلف قرار گرفته، و تحت تأثیر این پدیده جامعه‌شناختی، تبدلات و تحولات خاص فرهنگی را تجربه نماید. بررسی‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد، اقوامی چون گوتی‌ها و کاسی‌ها و ... بیشترین تأثیر را در تحولات فرهنگی و تمدنی این منطقه داشته‌اند. مکان‌های مختلف و بسیاری از رودخانه‌های کوچک و بزرگ، برگرفته از نام کاسیت، کاسی، کاشی، کاشو و ... است که امروزه در منطقه عمومی لرستان (ایلام و لرستان) واقع شده‌اند. از این رو بخش عمده‌ای از تحولات فرهنگی عصر مفرغ و برنز در این منطقه به قوم کاسیت برمی‌گردد که در این سرزمین

استقرار داشته، و با تمدن‌های هم‌جوار در میان‌رودان در ارتباط بوده‌اند. براین اساس، بخش عمده‌ای از آثار مربوط به محوطه‌ها و گورستان‌های مورد مطالعه، باقی‌مانده از دوره‌ای است که به نام «عصر برنز» شناخته شده است. با این حال، نباید از تحولات تاریخی و فرهنگی دوران قبل و بعد از دوره‌ی مفرغ، غافل بود. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد، بسیاری از این مکان‌های باستانی، شاهد تحولات فرهنگی عصر برنز و آهن بوده‌اند؛ بنابراین خط حائل قرار دادن، بین دوران فرهنگی برنز III و آهن I مشکل خواهد بود و به صراحت نمی‌توان در این مورد اظهار نظر نمود. با این وصف می‌توان ادعا نمود که منطقه لریستان (ایلام و لرستان) در دوران مفرغ و متعاقب آن در عصر آهن، تحولات شگرفی داشته است. تعداد آثار و ابزار مکشوفه از گورستان‌های منطقه، نشانگر این تحولات است که حاصل فکر و اندیشه و ابتکار و خلاقیت سازندگان این ابزار و اشیا بوده است. بر طبق مطالعات انجام یافته، تاریخ گذاری سنجاق‌های برنزی از عصر برنز دوران سه گانه آهن ۳،۲،۱ را در بر می‌گیرد. قدیمی ترین اشیا در ایران غربی از اوایل هزاره سوم ق.م در لرستان بوده و در گیلان بین ۱۲۰۰-۸۰۰ ق.م نیز بوده است. از نظر جنس این اشیا مفرغی، ترکیباتی از قلع، سرب، مس، آرسنیک و آهن را در خود داشته است که درصد آن کم و بیش بوده است. از نظر اندازه بر روی سنجاق‌ها می‌توان تأثیر رفت و آمدهای اقوام گوناگون در این منطقه و سفارشات مختلف به فلز کاران لرستان را که دارای عقاید دینی و معتقدات متفاوتی بوده‌اند را موثر دانست و البته، بر روی نقش و شکل این سنجاق‌ها تأثیر مهمی نیز داشته‌اند. شیوه ساخت این سنجاق‌ها به صورت ریخته‌گری و چکش کاری بوده که روی آن‌ها گوژ کاری و قلمزنی هم دیده شده است. بزرگترین این سنجاق‌ها به طول ۶،۶/۲۲ cm عرض ۵ cm و ارتفاع ۵ cm مربوط به کلکسیون دیوید ویل، در موزه لوور پاریس نگهداری

می‌شود. کوچکترین آن به طول ۳ cm, ارتفاع ۲٫۷ cm در کلکسیون قدیمی گذار، که در موزه املش است. «آخر مقاله تصاویر آمده». از نظر فرم «شکل» به ۴ گروه متمایز تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. میله‌ای؛

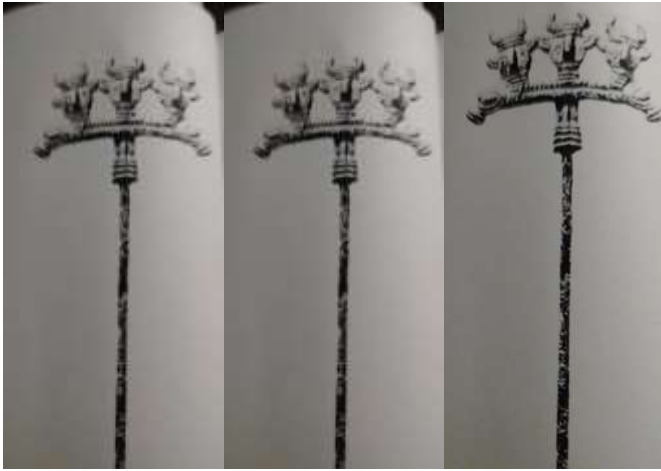
۲. هلالی؛

۳. مربعی (مستطیلی)؛

۴. صفحه‌ای (دایره‌ای).

از لحاظ نوع نقش به چهار گروه متمایز تقسیم می‌گردند که عبارتند از: ۱- هندسی؛ ۲- نباتی؛ ۳- حیوانی؛ ۴- انسانی - اسطوره‌ای (تصاویر در آخر مقاله آمده است). از نظر کاربردی بیشتر جنبه نذری داشته است. در امور مذهبی که در عبادتگاه‌ها و معابد به عنوان چشم زخم یا دخیل احتمالا مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

نمونه آن که در دیوارهای معبدی در سرخ دم یا قبور مردگان که آنان را از بلا دور نگه دارند، و همچنین برای دفع آسیب به مزارع، گله‌ها، کشاورزان و دامپروران از آن استفاده می‌کردند. نقوش اساطیر ایرانی از نقوش ایلامی که به عنوان یک قدرت در منطقه دران زمان بوده استفاده شده است. و نقش کلیدی را ایفا نموده است. رفت و آمدهای کاسی‌ها و آشوری‌ها از لحاظ خریداران تأثیرات منحصر به فردی روی نقوش این اشیا داشته است. با وجود معادن غنی فلزات در ایران و به خصوص لرستان احتمال ضعیفی دارد که این اشیا به صورت وارداتی به این منطقه وارد شده باشد (محمودی، ۱۳۷۷). بزرگترین سنجاق که طرح، هندسی، مستطیلی دارد. با سه سر که نقش با شاخ‌های گاو مانند (حیوانی) و البته با شکل انسان در زمره انسان، اساطیری



شکل میله‌ای و میله‌ای با سر اوند شکل (نباتی)



شکل میله‌ای با سر حیوانی شکل



شکل مربعی با نقش انسانی، اسطوره شاید گیل گمش باشد.
سنجاق در پایین به شکل مستطیلی و با نقش اساطیری که احتمالاً
گیل گمش.





کوچکترین سنجاق با سر حیوانی.



سنجاق‌های با نقوش گیاهی و همچنین با نقش انسانی، اسطوره‌ای که احتمالاً گیل گمش است و با اشکال هندسی و هلالی شکل.







منابع و مآخذ (فارسی):

- آندره گدار؛ (۱۳۷۱)، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، آستان قدس، چاپ دوم.
- احسانی، محمدتقی؛ (۱۳۶۸)، هنر فلزکاری در ایران، انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
- اورلت، برونو؛ (۱۳۹۲)، عصر آهن اولیه در پشتکوه لرستان، مترجمان: کمال الدین نیکنامی و امیر ساعد موجشی، تهران. سمت.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، انتشارات آگاه، چاپ دوم،
- بیانی، سوسن؛ (۱۳۶۶)، هنر فلزکاری اسلامی، دانشگاه تهران.
- پژوهشکده باستان‌شناسی؛ (۱۳۸۲)، گزارش‌های باستانی.
- پیت من‌هالی؛ (۱۳۸۴)، هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران ...، ترجمه کورش روستایی، مؤسسه‌ی پیشین، پروژه مهر دریا.
- پژوهشکده باستان‌شناسی؛ (۱۳۸۵)، گزارش‌های باستانی.
- جغرافیای استان لرستان؛ (۱۳۷۳)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، کتاب درسی.

- جام ادموندز، سیل و بارون دوید، ولادیمیر مینورسکی؛ (۱۳۶۲)، دو سفرنامه در باره لرستان (همراه با رساله لرستان و لرها)، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند و لیلی بختیار، انتشارات بابک.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، انتشارات افلاک.
- ساکی، علی محمد؛ (۱۳۴۳)، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، کتاب‌فروشی محمدی لرستان، چاپ اول.
- سالک، محمد حسن، علی رضا هژبری، نوبری، رضا افخمی؛ (۱۳۹۸)، نشانه‌شناسی نقوش سر سنجاق عصر آهن، زاگرس مرکزی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۳، دوره نهم، زمستان ۱۳۹۸.
- شیشه‌گر، آرمان؛ (۱۳۸۴)، گزارش کاوش محوطه باستانی سرخ‌دم لکی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- سکایا، مدود؛ (۱۳۸۳)، ایران در عصر آهن I، ترجمه علی اکبر وحدتی.
- طلایی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول ق. م، انتشارات سمت، تهران.
- عمید، حسن؛ (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، جلد ۲، چاپ هفتم، امیر کبیر، تهران.
- غضنفری، حسن؛ فرزین، علی‌رضا، ۱۳۷۶، لرستان در گذر تاریخ، سازمان میراث فرهنگی، چاپ دوم.
- فهیمی، سیدحمید؛ (۱۳۸۱)، فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر، سمیرا، تهران.
- قاسمی، سید فرید؛ (۱۳۷۵)، مفرغ لرستان، پیغام.
- کالمایر، پیتر؛ (۱۳۷۶)، مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه، ترجمه دکتر محمد عاصمی، میراث فرهنگی.
- گدار، آندره؛ (۱۳۷۱)، آثار ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، آستان قدس رضوی.

- گیرشمن، رومن؛ (۱۳۷۱)؛ هنر ایران در دوره‌ی ماد ترجمه‌ی عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی
- لویی، واندنبرگ؛ (۱۳۴۸)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه‌ی عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران.
- لویی واندنبرگ؛ (۱۳۵۰)، کاوش‌های باستان‌شناسی در پشتکوه لرستان، مجله‌ی باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره‌ی ۶، وزارت فرهنگ و هنر.
- مینورسکی، ولادیمیر؛ (۱۳۶۴)، رساله‌ی لرستان و لرها، ترجمه‌ی اسکندر امان‌اللهی بهاروند، لیلی بختیار، انتشارات بابک، چاپ اول.
- مجیدزاده، یوسف؛ (۱۳۶۷)، تاریخ گذاری سر سنجاق‌های مفرغی لرستان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره‌ی اول پاییز و زمستان، مرکز نشر دانشگاهی.
- محمودی، ماندانا؛ (۱۳۷۷)، بررسی سنجاق‌های مفرغی لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۷۷)، بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره‌ی اول ق. م، سبز رویش.
- موسوی، علی؛ (۱۳۷۳)، واندنبرگ باستان‌شناس بزرگ، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال هشتم، شماره‌ی دوم،
- مینا صادق بهنام، کاتالوگ مفرغ‌های لرستان و صنایع فلزی اسلامی، مجموعه موزه خرم‌آباد.
- نیل، زهرا، تمدن کاسی‌ها و اشیای مفرغی لرستان، پنجمین کنگره‌ی بین‌المللی هنر ایران و باستان‌شناسی.
- نگهبان، عزت‌اله؛ (۱۳۷۶)، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی.
- هوار، کلمان؛ (۱۳۶۳)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ اول، امیرکبیر، تهران.

منابع و مأخذ (لاتین):

1. Ayazi, 2008, Discheaded Bronze Pins from Luristan, A symbol of Ancient Iran's Art.
2. Vanden Bergue, Louis, Excavation in Luristan Kalleh Nisar.
3. Arthur upham pope, Billeting of the Asia institute of Pahlavi University no: 3, Shiraz, 1973.p.29.
4. Vanden Bergue.L, Recherches Archaeologiques au Luristan Iran, Ezzo Magazine 177.p.27.
5. Coffmeade, Clare, Luristan in the first half of the first Millennum B.C. Iran, VO: VI, the British institute of Persian Studies, London.1968.pp.128-130.
6. Belloni, Gian Guido, fedidall 'asen, LiLian, the cimmerians, the medes and Luristan, Iranian art, Pall Mall press.London.1969.p.18.
7. Ferrier R.W. the arts of Persia .Yale University .press New .Haven and London .1989.pp.23-25.

بررسی تحولات تاریخی حضور نیروهای روس در جنگ جهانی اول

در منطقه پشتکوه (ایلام) و علل عقب نشینی آنان

علی نوراللهی^{۱۴}

چکیده: در جنگ جهانی اول، ایران به‌رغم اعلام موضع بی‌طرفی، به صحنه درگیری بین نیروهای روس و انگلیس از یک طرف و عثمانی و آلمان از طرف دیگر تبدیل شد. روس‌ها به‌منظور ضربه زدن به عثمانی‌ها و اشغال بین‌النهرین و همچنین رسیدن به نیروهای انگلیسی، که متحدشان بودند، به غرب ایران لشکرکشی کردند. در مقابل عثمانی‌ها و آلمان‌ها نیز برای مقابله با آن‌ها اقداماتی انجام دادند، از جمله کمک‌های مالی و تسلیحاتی به غلامرضاخان والی پشتکوه، ولی در عمل والی موضع خود را تغییر داد و اعلام بی‌طرفی کرد. بر عکس این بی‌عملی و اعلام بی‌طرفی والی، عشایر و ایلات منطقه که قلمرو خود را تحت خطر و مواجه با یورش روس‌ها می‌دیدند با بسیج نیروهای رزمی خود به مقابله با این سیل ویرانگر برخاسته و توانستند آن‌ها را در قلمرو خود ناپود کنند و عده‌ای از آن‌ها را به اسارت بگیرند. در این مقاله تلاش شده تا بر اساس شواهد تاریخی بومی (تاریخ شفاهی) که هنوز توسط افراد و نوادگان عشایر منطقه سینه به سینه محفوظ مانده ابعاد این بخش از تاریخ و نقش عشایر در جلوگیری از ورود نیروهای اشغالگر روس به این منطقه روشن شود.

واژگان کلیدی: جنگ جهانی اول، چرداول، ایل خزل، پشتکوه، باراتف، غلامرضاخان ابوقداره

^{۱۴} - دکتری باستانشناسی

درآمد

بیش از یک قرن از ورود نیروهای اشغالگر روس به غرب ایران در جنگ جهانی اول به بهانه مقابله با نیروهای عثمانی و همچنین، پیوستن به نیروهای بریتانیا که از جنوب بین‌النهرین در صدد پیشروی و تصرف بغداد بودند، گذشته است. روس‌ها به فرماندهی باراتف از طریق شمال غرب و همدان مرحله به مرحله برای تصرف غرب ایران ونیل به این هدف پیش آمدند چون در آنزمان نیرویی متشکل و منظمی در مقابل آن‌ها قرار نداشت توانستند پیشروی کنند. نیروهای ژاندارمری، مردمی و ایل‌های کرد غرب (کلهر، سنجایی، ...) برای مقابله با قوای متجاوز روس با کمک عثمانی‌ها و آلمان‌ها مقاومت‌های سرسختانه‌ای انجام دادند ولی از آنجا که امکانات محدودی چه از نظر لجستیکی و پشتیبانی برخوردار بودند در بیشتر موارد به‌رغم رشادت‌های فراوان و وارد کردن تلفات سنگین بر متجاوزین شکست خوردند. بعد از رسیدن روس‌ها به کرمانشاه و اشغال آن، بخشی از نیروهای خود را برای تصرف خرم‌آباد (بطور کلی لرستان) اعزام کردند که با ایستادگی و مقاومت متهورانه ایلات مواجه شد. روس‌ها با تلفات فراوان شکست‌های سنگینی متحمل شدند. اما در نهایت با کمک گرفتن از عناصر ایرانی که در در خدمت روس‌ها بودند توانستند بخشی از نیروهای خود را در خرم‌آباد مستقر نمایند. در همین زمان نیز بخشی از نیروهای خود را برای عبور از ایلام امروزی که در آن زمان پشتکوه - حسین آباد نامیده می‌شد از مسیر شمال شرق ایلام اعزام کردند. با آگاه شدن ایل‌های ساکن این بخش دست به مقابله زدند و توانستند نیروهای متجاوز را تار و مار و به اسارت بگیرند. قصد آن‌ها برای یورش به حسین آباد و تصرف استان ایلام امروزی، میانبری برای پیوستن به نیروهای بریتانیایی بود که در بصره و

جنوب بین‌النهرین درحال پیشروی به سوی بغداد بودند. اما بر آورد فرماندهان روس اشتباه از آب در آمد و با تلفاتی سنگین برای همیشه از این اقدام چشم پوشی کردند^{۱۵}.

والی غلامرضاخان ابوالقادره در این زمان برای دور ماندن از صدمات ناشی جنگ بین دول متخاصم سیاست بی‌طرفی پیشه کرده بود. عملاً از ایستادگی در مقابل روس‌ها طفره می‌رفت. روس‌ها نیز به وسیله عمال خود یعنی امیراحمدی، والی را تهدید کردند تا خسارتی که توسط نیروهای ایلی و عشایری بر آن‌ها وارد شده بود، جبران کنند و تعدادی از نیروهای مجروح و اسیر خود را از دست عشایر آزاد کنند. از این حوادث متأسفانه جز یادداشت‌های امیراحمدی هیچ منبع نوشتاری دیگری در دست نیست که این نوشته‌ها از آنجا که مغرضانه و جانبدارانه نوشته شده قابل اعتماد و اطمینان نیست و امیر احمدی برای اینکه شکست نیروهای متجاوز و اشغالگر روس از نیروهای ایلی و عشایری توجیه نماید- سعی در آن داشته تا این نیروهای مردمی را به تفنگچیان و نیروهای والی منتسب کند و ملاقات‌ها و گفته‌هایش با فرستادگان والی این موضوع را به خوبی بازتاب می‌دهد؛ اما روایات سینه به سینه و شفاهی محلی که از آن حوادث بازمانده خلاف گفته‌ها و نوشته‌های امیر احمدی را نشان می‌دهد. شاید مهم‌ترین اسناد در مورد این درگیری‌ها منابع و اسناد آرشیوی روسیه باشند که تاکنون منتشر نشده و در دسترس پژوهشگران قرار ندارند. در نبود این اسناد دسته اول رجوع به منابع تاریخی که بصورت جسته و گریخته در مورد تحولات منطقه غرب ایران پرداخته می‌تواند راهگشا باشد، این منابع تاریخی در مورد این درگیری‌ها سکوت کرده‌اند و اطلاعاتی به دست نمی‌دهند زیرا بیشتر به موضوعات کلی پرداخته‌اند و کمتر به

^{۱۵} - با این اقدام در صدد این بودند که با دور زدن این ناحیه نیروهای عثمانی و آلمانی که تنگه مهم و استراتژی پاتوق را در اختیار داشتند دور بزنند و از دو سو آنها را محاصره کنند یا اینکه به نیروهای انگلیسی در جنوب بین‌النهرین بپیوندند که در این زمان تحت فشار و محاصره شدید نظامی عثمانی‌ها قرار داشتند.

احوالات درونی مناطق درگیر پرداخته‌اند از جمله این منابع سرگذشت حیرت انگیز (ملکزاده هیرب ۱۳۲۸)؛ طوفان بر فراز ایران (احرار ۱۳۵۲) و ایراند ر جنگ جهانی اول (میروشنکف ۱۳۴۴) خاطرات دولت موقت (نظام السلطنه مافی ۱۳۷۹) و ایران و جنگ جهانی اول (اتابکی ۱۳۸۷)، برخی دیگر به اقداماتی که علما برای مقابله با هجوم روس‌ها انجام داده‌اند پرداخته‌اند (نظام الدین زاده ۱۳۷۷)، فن میکوش در کتاب واسموس که به زندگی و اقدامات این افسر آلمانی در ایران در طی جنگ جهانی اول می‌پردازد به سفر و ملاقات وی با والی پشتکوه و همچنین مساعدت‌هایش به والی در ازای گذاشتن نیرو در اختیار آلمان‌ها می‌پردازد (فن میکوش ۱۳۷۷)، نین درمیر در کتاب زیر آسمان سوزان ایران نیز اطلاعاتی در مورد اقدامات آلمان‌ها و واسموس ارائه کرده است (نین درمیر ۱۳۶۳). ولی در مجموع مهم‌ترین سند و منبع در این مورد خاطرات و اسناد سپهبد امیر احمدی است که خود درگیر در این موضوع بوده و شرحی از آن ارائه داده است (امیر احمدی ۱۳۷۳). در این مقاله بر اساس شواهد محلی یا تاریخ شفاهی که هنوز توسط افراد و نوادگان عشایر سینه به سینه محفوظ مانده سعی در روشن کردن ابعاد این بخش از تاریخ منطقه و نقش عشایر در جلوگیری از ورود نیروهای اشغالگر روس به این منطقه را دارم.

سیر حوادث

پیش از ورود روس‌ها به مناطق کردنشین غرب ایران، روس‌ها به بهانه مخالفت با مورگان شوستر امریکایی که با مجوز مجلس دوم مشروطه، دولت وی را برای رتق و فتق و اصلاح امور مالی کشور استخدام کرده بود و اقدامات وی برای سر و سامان دادن به امور مالی چون با منافع روسیه در تضاد بود لذا از دولت ایران خواستند که وی را اخراج نماید و به همین منظور برای اجرای خواسته خود، اقدامات عملی چندی دست زدند از جمله طی اولتیماتومی به هیات دولت درخواست لغو ماموریت شوستر

کردند (کسروی، ۲۵۳۷: ۲۳۵) و علاوه بر این موضوع فرصت خوبی را در اختیار روس‌ها قرار داد تا آن‌ها به بخش‌های شمالی ایران دست انداخته و به اشغال خویش در آورند. رد اولتیماتوم این زمینه را فراهم آورد روس‌ها بخش‌های شمالی ایران را به اشغال در آوردند و بخشی از نیروهای خویش را برای تصرف شهر مشهد اعزام کرده و این شهر را به تصرف در آوردند. در شهرهای متصرفی و تحت اشغال خویش به قتل و غارت مردم پرداختند و بارگاه امام هشتم شیعیان را به توپ و گلوله بستند. این اقدامات روسیه در نواحی اشغالی سبب بروز اعتراضات عمومی شد. در این زمان در واکنش به اقدامات روس‌ها علمای مذهبی عتبات عالیه به اقدامات متعددی دست زدند^{۱۶} از جمله نامه نگاری به روسای ایل‌ها برای حفظ وحدت و لزوم مقابله با نیروهای روس و یکی از این روسا که مورد مخاطب و توجه این مکاتبات بود والی پشتکوه یعنی غلامرضا خان ابوالقداره بود که با علمای نجف دارای حشر و نشر بود (بنگرید به حاج سیاح ۲۵۳۶) و سعی در نزدیکی به آن‌ها داشت. لذا علما از وی طی نامه از وی درخواست کمک برای مقابله با روس‌ها کردند (کسروی، ۲۵۳۷/۱۳۵۷: ۴).

متن نامه به قرار زیر است:

^{۱۶} - شکست عثمانی‌ها در منطقه ساری قمیش قفقاز می‌توانست نقطه عطفی در سیاست توسعه طلبی آنها در قفقاز، ترکستان روسیه و شمال ایران باشد زیرا اکثریت جمعیت این مناطق ترک زبان بودند. اما شکست آنها در این نبرد برنامه و چشم انداز آنها را تغییر داد و به پان اسلامیسم روی آوردند. بهمین منظور در اوایل سال ۱۹۱۵م. به سران مذهبی شیعه در کربلا و نجف نزدیک شده و موفق به گرفتن چندین فتوای جهاد بر ضد متفقین شدند (۹ فروردین ۱۲۹۴)، این اقدام عثمانی‌ها با استقبال و حمایت آلمانی‌ها روبرو شد. بعد از این شکست است که عثمانی‌ها بر تمرکز نیروهای خود در غرب ایران (کرمانشاه) افزودند (اتابکی، ۱۳۸۷، ایران و جنگ جهانی اول، ص ۶۰ و بنگرید به احرار، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۷۲۴).

پیوسته ظاهر و هویدا از قدیم زمان بوده که با وجود اعیان اکابر و قبائل و عشایر، اجانب دست اندازی به ایران نخواهند نمود چه برسد به به ورود در آن به قتل و غارت و کمال سلطنت. آیا مرد و مردانگی در ایران باقی نمانده؟ یا اسلام در پشت گوش‌ها افتاده؟ یا اختلافات کارها را به اینجا رسانیده؟ حاشا، ثم حاشا که اگر مرد زیاده بر سابق نبوده، بالبداهه کمتر نخواهد بود. مسلماً معرفت به اسلام و تدین به دین مبین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین به حمدلله به مراتب زیاده شده و اختلافات در اطراف در هیچ زمانی در مقابله‌ی کفر و اسلام نبوده. یا للمسلمین الایرانیین، یک مشهد مقدس در مملکت ایران آن هم به تصرف کفار در آید و هرچه خواهند معمول دارند؟! آیا اختلاف در مورد دیگری که ربطی به هجوم کفار بر اسلام ندارد، می‌شود عذر گردد؟ و اختیار سکوت و استراحت و سکون و عدم حرکت نمائید؟ رجای واثق آن که به اتحاد و اهتمام ملا کلام و کلمه‌ی واحده حفظ حیات اسلام را نموده و امر به جایی نرسد که فاتحه به جهت اسلام گرفته شود. داعیان در کاظمین مجتمع، بشارت اتحاد در حفظ اسلام به دولت و ما بدهید. لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم.

الاحقر عبدالله المازندرانی، محمدحسین الحایری المازندرانی، شیخ الشریعه الاصفهانی، اسماعیل ابن صدرالدین العاملی، مصطفی الحسینی الکاشاری، سیدعلی تبریزی (نظام الدین زاده، ۹۷: ۱۳۷۷؛ بنگرید به احرار، ۱۳۵۲: ۷۲۴).

والی غلامرضاخان ابوالقداره (شکل ۱) با توجه به اوضاع و احوال و اینکه این اقدامات در گذشته نتیجه ملموسی نداشته و همواره به جایی نرسیده و دیگر اینکه همواره قلمرو والی مورد هجوم و یورش سپاهیان عثمانی قرار داشت که بارها و بارها سبب درگیرهای شدید و خونینی میان نیروهای والی با آن‌ها شده بود، والی اعتمادی به عثمانی‌ها نداشت، به این درخواست‌ها توجهی ننمود و سعی داشت که در این میانه

قلمرو خویش را از آشوب و درگیری‌های احتمالی دور نگهدارد. لذا سیاست خود را همچنان که در طی قرار داد ۱۹۰۷ م. مبنی بر بیطرفی بود، با تقویت قوای نظامی خود حفظ کند.^{۱۷} پیشتر این سیاست والی حتی در طی شورش‌های سالار الدوله که بیشتر ایلات کردنشین به سود وی در آن شرکت کرده بودند (فریدالملک همدانی، ۱۳۵۴: ۳۷۹). نیز صورت گرفته بود و والی هیچگاه کمک موثری به سالار الدوله ننمود به‌رغم اینکه به ظاهر از وی حمایت می‌کرد و به او قول مساعدت می‌داد.



شکل شماره ۱: غلامرضا خان ابوالقداره (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

^{۱۷} - با آغاز جنگ جهانی اول حضور و نفوذ روسیه تزاری و بریتانیا در ایران بیشتر شد. اعلام بی‌طرفی دولت ایران در جنگ نیز تاثیری در رفتار این دو قدرت نداشت. همسایگی با روسیه و عثمانی در شمال و شمال غرب، و مستعمرات بریتانیا در جنوب و نیز منابع نفت و موقعیت سوق‌الجیشی ایران، دلایل اصلی نقض بی‌طرفی و ورود نیروهای متخاصم به کشور بود. در سال ربیلف ۱۹۱۵ و هشتاد روز پس از اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ، توافقنامه دیگری میان روسیه و بریتانیا امضا شد که براساس آن دو کشور می‌توانستند نفوذ خود در ایران را بیش از آنچه در پیمان ۱۹۰۷ آنان مقرر شده بود، گسترش دهند. به موجب این پیمان دو کشور حقوق و امتیازات ارضی بیشتری در ایران برای خود قائل شده و هزینه نگهداری نیروهای خود در ایران را نیز به گردن دولت تهران گذاشتند (<https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-46227712>).

اما با شروع جنگ جهانی اول^{۱۸} دولت ایران اعلان بی‌طرفی نمود (۹ آبان ۱۲۹۳/۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲) (شکل ۲)، ولی دول متخاصم به این اعلان بی‌طرفی توجهی ننموده و روس‌های نواحی شمال و شمال‌غرب و انگلیسی‌ها نواحی جنوب و عثمانی و آلمانی‌های نواحی غرب را به اشغال خویش درآوردند. نیروهای روس برای مقابله با عثمانی‌ها و متحدانش در نواحی شمال‌غرب و غرب وارد شدند^{۱۹} (شکل ۳).



شکل شماره ۲: اعلانیه بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول

^{۱۸} - برای آگاهی بنگرید به تورج اتابکی، گاهشمار؛ جنگ جهانی اول در ایران، ۱۳۹۳/۲۰۱۴؛ سپاه روس بعد از ورود به ایران برای انجام عملیات در تهران، قم و همدان به سه بخش تقسیم شد. ژنرال باراتف دستور داشت به وسیله نیروهای خود کنسول‌های روس را به محل ماموریتشان برگرداند و زاندارم‌ها را خلع سلاح و سربازان مزدور (نیروهای عشایری و ایلی) را متفرق کند. در ۱۶ دسامبر یک فوج از سپاه روس پس از نبردی سخت در نزدیک روستای الچی، همدان را بدون مقاومت تصرف کردند و سپس و سپس سربازان مزدور و واحدهای ژاندارم را که تحت رهبری افسران آلمانی بودند، به آنسوی گردنه عباس آباد عقب راندند (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۵۸).

^{۱۹} - ژنرال باراتف دستور داشت با از طریق غرب ایران به نیروهای انگلیسی در جنوب بین‌النهرین بییوندد (احرار، ۱۳۵۲: ۶۳۲). باراتف با همه تلاشی که برای پیوستن به نیروهای انگلیسی تحت محاصره در کوت و الاماره بین‌النهرین انجام داد اما پیش از عبور از مرز نیروهای انگلیسی تسلیم شدند (همان، ۱۳۵۲: ۷۲۶).

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره‌ی ۱۸۷۶۵/۲۹۳۰).



شکل شماره‌ی ۳: مسیر نیروهای روسی تحت فرماندهی باراتف برای تصرف بغداد

(<https://irrussianality.files.wordpress.com/2015/11/the-caucasus-persian-campain.jpg>)

قوای روس^{۲۰} در دسامبر ۱۹۱۵م. همدان را اشغال کرده و به سوی کرمانشاه پیشروی کردند. هرچند مقاومت‌های دلاورانه توسط نیروهای عشایری در گردنه اسدآباد و

^{۲۰} - برای آگاهی از تعداد نفرات قوای روس در تهاجم به کرمانشاه (بنگرید به احراز، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۸۱۳).

کنگاور با حمایت آلمان‌ها و عثمانی‌ها صورت گرفت اما در مقابل ارتش منظم و آموزه و مجهز روس‌ها کاری از پیش نبردند. در این زمان فرماندهی نیروهای عشایر و واحدهای عثمانی در کرمانشاه فیلمارشال کلمار فرای هرفن در گلتنس (شکل ۵) بر عهده داشت (رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۳-۱۴۴ و بنگرید به فرید الملک ۱۳۵۴: ۴۴۹-۴۵۰).



شکل شماره ۴: نیروهای عثمانی و ژاندارمری و کلهر ۱۹۱۶م. در

کرمانشاه (<https://fa.wikipedia.org/wiki/Eshghale-kermanshah.jpg>).

به همین منظور در این زمان از طرف دولت عثمانی کمک‌های نظامی متعددی در اختیار والی قرار گرفت بطوریکه در آغاز عثمانی‌ها دو هزار تفنگ، دو عراده توپ و ششصد هزار لیره به والی دادند و او را به همکاری و اتحاد فراخواندند (نظام السلطنه مافی، ۱۳۷۹: ۳۲۵). والی نیز به آن‌ها وعده گسیل یک نیروی نظامی چند هزار نفری برای کمک به آن‌ها داده بود (میروشنیکیف، ۱۳۴۴: ۵۹).

چنانچه واسموس آلمانی (شکل ۵) در اوایل ۱۳۳۴ق. فوریه ۱۹۱۵م. با یک کاروان که شامل جعبه‌های پول لیره عثمانی و برگه‌های تبلیغاتی به همه زبان‌ها و لهجه‌ها بود، به اتفاق دکتر لندرس و سه ایرانی بنام‌های میرزا محمد، نصرالملک و حسن خان از طریق پشتکوه به ایران آمد و کاروان آلمانی‌ها در باغ شاهی وارد عمله شد (بنگرید به نین درمایر، ۱۳۶۳: ۴۱-۴۲).



شکل ۵: فیلد مارشال گولتز (Colmar-baron-von-der-Goltz)؛ واسموس سال ۱۹۱۵ م. (Gröttrup, 2013: 119).

غلامرضا خان برای پذیرایی محترمانه از آلمانی‌ها گروهی از مردان جنگی را به سرکردگی یکی از پسرانش به استقبال آن‌ها فرستاد. در مدت توقف کوتاه واسموس در نزد والی، به خوبی از وی پذیرایی شد. ضمن گفتگویی که واسموس با والی داشت، غلامرضاخان اظهار کرد در صورتی که اسلحه و بیش از هر چیز پول زیاد در اختیارش بگذارند، آمادگی دارد به آلمان‌ها علیه انگلیسی‌ها کمک کند^{۲۱}، زیرا او نه تنها برای هزینه دستگاه گسترده خود بلکه بیشتر برای تحکیم قدرتش که روبه تزلزل می‌رفت به پول زیاد احتیاج داشت. پس از آنکه هدایای ارسال شده از آلمان موجب خشنودی و سرور خاطر والی شد، واسموس در پناه گروهی که از طرف والی برای مشایعت و بدرقه او تعیین شده بودند به سفر خود در ایران ادامه داد (فن میکوش، ۱۳۷۷:

^{۲۱} - والی پشتکوه به واسموس قول سه تا چهار هزار نیرو را داده بود (فن میکوش، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

۷۹-۸۱). در اواخر اکتبر ۱۹۱۵م. برابر با اواسط ذی الحجه ۱۳۳۴ ق. کانتیس افسر آلمانی در ایران در سلطان آباد، شوری جنگی تشکیل داد. سپس برای عملی کردن نقشه جنگی خویش راهی دیدار نظام السلطنه والی لرستان شد و پس اعلام پشتیبانی وی از آلمان‌ها، سپس کانتیس در ۲۷ اکتبر ۱۸/ ذی الحجه همراه سرگرد دمارة رئیس ژاندارمری بروجرد و یکی از اعضای هیات کلاین بنام ستوان لورز، به دیدار غلامرضاخان والی رفت که وی نیز برای مقابله با روس‌ها و انگلیس‌ها اعلام آمادگی کرده بود. کانتیس پس از مذاکره با والی موفق به جلب نظر وی و فرزندش سردار جنگ برای حمله به انگلیسی‌ها در دره کارون و بیرون راندن آن‌ها از عراق شد، که شاید ابتکار پشتیبانی از آلمان نظر فرزندش بود (گرکه، ۱۳۷۷: ۳۰۸-۳۰۹). بنابراین نه تنها حمایت والی برای مقابله با روس‌ها نبود بلکه تمرکز نیروی‌های والی و پسرش بر خطر حضور انگلیسی‌ها در جنوب و دره کارون عراق بود.

رفتار والی در مقابل آلمان‌ها و عثمانی‌ها بیشتر وعده و وعید بود برای دریافت امکانات نظامی و دریافت بیشتر پول بخصوص در دوران پیش آمده بعد از مشروطیت که اوضاع و احوال حکام نیمه مستقل مانند والی همواره در معرض تهدید قرار داشت که چون کمک آلمان‌ها و عثمانی‌ها محقق نمی‌شد عملاً اقدام خاصی صورت نمی‌داد و یا نمی‌خواست خود را با در افتادن با روس‌ها در معرض تهدید قرار دهد. با این حال نیروهای روس تزاری به فرماندهی ژنرال نیکلای باراتف (بیستون را در ۱۱ فوریه ۱۹۱۶ و کرمانشاه را در ۱۳ فوریه ۱۹۱۶ تسخیر کردند) بنگرید شکل ۶). پیشروی‌های بعدی روس‌ها و تصرف بیجار در ۱۹ فوریه و سنندج در ۲۵ فوریه ۱۹۱۶ سبب شد تا نیروهای ائتلاف آلمان-عثمانی با هدایت سرهنگ آرتور بُپ وابسته نظامی جدید آلمان و دو سرگرد آلمانی دیگر به نام‌های سرگرد لئوناردی و سرگرد ابرهارد، و متشکل از چهار

گردان ارتش عثمانی و پنج هزار نفر از عشایر کرد که توسط ماکس اتو شونمان جمع شده بودند، با پشتیبانی هزار ژاندارم ایرانی به مقاومت در برابر روس‌ها پردازند تا کرمانشاه به عنوان منطقه حائل میان نیروهای روسیه و بریتانیا (در بین‌النهرین) در دست متفقین (ائتلاف آلمان-عثمانی) باقی بماند (شکل ۴). سرانجام در ماه‌های بعدی روس‌ها توانستند ائتلاف نیروهای عشایر و المانی و عثمانی که در منطقه کردند و گردنه پاتاق موضع گرفته بودند را شکست داده و تا خانقین پیشروی کنند^{۲۲}. اما با شکست نیروهای انگلیسی از عثمانی‌ها در جنوب بین‌النهرین در فوریه همان سال، نیروهای روس به کرمانشاه^{۲۳} عقب نشینی کردند. با وقوع انقلاب فوریه ۱۹۱۷ کرمانشاه را ترک کردند (رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۳-۱۴۴).

^{۲۲} - در سال ۱۹۱۶م. در شمال غربی ایران "جبهه ایران" تشکیل شد. این جبهه جناح چپ جبهه قفقاز را تشکیل می‌داد. برای نجات نیروهای انگلیسی که در کوت العماره محاصره شده بودند، فرماندهی روس بنا به درخواست بریتانیا در بهار سال ۱۹۱۶م. به زنرال بارتوف دستور داد مجدداً به طرف غرب حرکت کند. روس‌ها در ۱۰ مه قصر شیرین را تصرف کردند و عثمانی‌ها را از خاک ایران به خانقین عقب راندند، در ماه ژوئن واحدهای سپاه روس بین‌النهرین را تصرف کردند و ضربات سختی به نیروهای عثمانی در رودخانه دیاله وارد آوردند (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۶۴-۶۵).

^{۲۳} - سایکس سپس درباره قحطی چنین می‌آورد: قطعاً غرب و شمال غرب ایران تاوان سنگینی برای ناتوانی دولت خود پرداخته‌اند. اوضاع قحطی تمام کشور را که از مواد غذایی و دام تهی شده در بر گرفته است (مجدد، ۱۳۸۷: ۱۱۲). شاهزاده عبدالحسین فرمانفرما فرمانفرما حاکم فارس در این زمینه گفته است: در کرمانشاه، عملاً همه روستاها ویران شده‌اند. از روستاهایی که پانصد خانه و یک هزار خانوار داشته‌اند، اکنون ویرانه‌ای مانده است. حتی در و پنجره‌ها را برای هیزم یا ساختن مواضع دفاعی برده‌اند. در مناطقی که محصول کافی وجود داشت، امروز یک گاو زنده پیدا نمی‌شود (همان، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در این اوضاع نیروهای روس موفق به شکست نیروهای تحت فرماندهی عثمانی و آلمانی‌ها در همدان و کرمانشاه^{۲۴} و کردستان شدند و توانستند این مناطق را به اشغال خویش در آورند و برای پیوستن به نیروهای انگلیسی به سمت بین‌النهرین پیشروی کنند(شکل ۱۰). در ضمن این پیشروی‌ها بخشی از نیروهای روسی از طریق هلیلان امروزی وارد شمال ایلام امروزی شدند و به سمت غرب پیشروی کردند. در این زمان عشایر لک و خزل و طوایفی از ایل بیژن وند در این مناطق بسر می‌بردند. طوایف منطقه از آنجا که با یورش بخش‌های ارتش روس مواجه شدند دست به مقابله زدند و در طی جنگ شدید چریکی مبتنی بر کمین و یورش در گذرگاه‌های سخت کوهستانی این منطقه می‌شد توانستند بسیاری از این نیروها را کشته و تعدادی را نیز به اسارت بگیرند این در حالی بود که همچنان که اشاره شد تمرکز نیروهای والی بر نواحی جنوبی تر بود(شکل ۷).

^{۲۴} - دوستی که اخیراً از کرمانشاه ایران بازگشته است، اوضاع زیر را که چند ماهی است آن نواحی را دربر گرفته، گزارش کرده است: در پی اشغال پیاپی ترک‌ها و روس‌ها در سال گذشته، هیچ کار کشاورزی ای صورت نگرفته است. از یک سو رفتار ناهنجار مهاجمان که مردم را مجبور می‌کنند پول کاغذی بی ارزش آنها را استفاده کنند و از سوی دیگر نبود منابع، اوضاعی را در کرمانشاه به وجود آورده است که در تاریخ آن تا سال‌های دور بی سابقه است. سربازان و حتی افسران چنان رعب و وحشتی به وجود آورده‌اند که اغلب دکان دارهای فروشنده مواد غذایی به محض دیدن آنها، در دکان‌هایشان را می‌بندند. گرسنگی به حدی رسیده است که هر روز چندین جسد را از خیابانهای نه تنها کرمانشاه، بلکه تمام شهرهای این ناحیه جمع‌آوری می‌کنند. از آنجا که کالاها را هم تنها از طریق زمینی و مسیر عماره و پشتکوه و آن هم با صرف هزینه‌های بسیار سنگین و نامعمول می‌توان وارد کرد، اوضاع تجارت نیز بسیار بد است(مجد، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

اما در همین زمان سردار نظرعلی خان و نیروهای ایلی تابعه اش توانست با حمایت عشایر، تقریباً از همین مسیر و با گذر از ایلرها خود را به کرد و قصرشیرین برساند و به نیروهای تحت امر نظام السلطنه مافی بیوند (بنگرید به ملکزاده هیربد، ۱۳۲۸: ۲۹؛ روستایی، ۱۳۷۷: ۸۸).



شکل شماره ۶: خطوط نیروهای قزاق روسی تحت فرماندهی ژنرال باراتف در ایران (<https://www.reddit.com>).



شکل ۷: قلمرو تقریبی حکومت والی و محل درگیری ایل‌ها با متجاوزان روس که می‌خواستند با تصرف پشتکوه (ایلام امروزی) به یاری نیروهای در محاصره انگلیسی بشتابند (از ع. نوراللهی).

تنها منبعی که به این موضوع یعنی ورود نیروهای روسی به این قسمت اشاره کرده خاطرات امیراحمدی (شکل ۸) است که همراه با نیروهای روسی به فرماندهی ن. ن. باراتف (Nikolai Nikolayevich Baratov (Baratashvili) در تصرف کرمانشاه و غرب ایران همکاری می‌کرد که به غلط یا به عمد شکست نیروهای روسی در این بخش غرب را به نیروهای والی منتسب کرده است. درحالی‌که این نیروها در طی گذرشان از هلیلان و منطقه شله‌کش و گردنه مله‌مازگ (Mela mazeg) و همچنین در ناحیه میان قلعه تا دشت چرداول یعنی روستای زنجیره امروزی می‌رسند و در این ناحیه است که آخرین نفرات این نیروها بطور کامل توسط نیروهای عشایری ایل خزل نابود می‌شوند. اقدامات روس‌ها در تهیج مردم و مقابله فوری آن‌ها با این نیروها نیز موثر بود زیرا به گفته معمرین که از گذشتگان نقل می‌کردند روس‌ها و اردوی آن‌ها به صورت

سیلی از ملخ گرسنه عمل می‌کردند و از آنجا که فاقد هر نوع تدارکات و آذوقه‌ای بودند به هر کجا می‌رسیدند به غارت احشام و غلات مردم دست می‌زدند و چیزی را بر جای نمی‌گذاشتند در نتیجه نیروهای ایلی به هر قیمتی در صدد نابودی تک تک آن‌ها بودند. امیر احمدی اما روایتی دیگر در خاطرات خود ارائه داده است بطور عمد سعی داشته تا نقش این نیروهای خود انگیخته و ایلی را نادیده گرفته و مقصر این درگیری‌ها را والی پشتکوه جلوه داده، برای باج خواهی از والی و اینکه نقش خود را نیز در نظر فرماندهان روس مهم و کلیدی نشان دهد در زیر بطور کامل آن بخش از خاطرات وی را می‌آورم:

چون مشکل کارشکنی عشایر از میان برخاست، قشون روس به طرف هارون آباد- (شاه آباد سابق و اسلام آباد امروز) حرکت نمود. در پاتاق با قشون عثمانی تلاقی شد و اردوی ترک پس از زد و خوردی خونینی عقب نشینی کردند و همه جا فتح با قشون روس بود، تا به نزدیک مرز عراق رسیدیم. در آنجا انگلیسی‌ها پیشنهاد کردند که یک دسته از قشون باراتف با نیروی انگلیس که در کرکوک متمرکز بودند، تماس بگیرند و یک اسکادران از این قشون به طرف کرکوک حرکت نمود. مرا به حکومت هرسین پیشنهاد کردند و والی غرب نیز فوری پذیرفت. زیرا در گردنه بید سرخ^{۲۵} از طرف لرستانی‌ها تعرضاتی می‌شد که به حمل و نقل قشون روسیه صدمه می‌زد و من به هرسین آمدم و به واسطه‌ی آشنایی که در محل داشتم، عده‌ای از اهالی

^{۲۵} - در بید سرخ نیروهای ایل کلهر و همپیمانانش و نیروهای ژاندارمری در مقابل نیروهای روس با رشادت و دلاوری جنگیدند و روس‌ها به سختی با تلفات زیاد توانستند از این منطقه عبور کنند. امیر احمدی در خاطراتش هیچ اشاره‌ای به دلاوری‌های نیروهای ایل کلهر و ژاندارمری در برابر روس‌ها نمی‌کند برای آگاهی رجوع کنید به احرار، توفان در ایران، جلد ۱۳۵۲، ۲: ۶۷۰؛ ملکزاده هیربد، ۱۳۲۸: ۲۴).

محل را مأمور امنیت راه نمودم و در صدد بودم که عده‌ای از رؤسای عشایر لرستان را به کرمانشاه بیاورم که حضوراً با باراتف آشنایی پیدا کنند که دفعتهاً قاصدی رسید و نامه‌ای از باراتف داشت که به کرمانشاه احضارم کرده بود. وقتی به کرمانشاه آمدم و ژنرال باراتف را ملاقات کردم، گفت که بین ما و انگلیسی‌ها توافق شده که نیرویی به کرکوک بفرستیم. یک از سواران فرستادیم و در پشتکوه ابوقدره‌ای‌ها طوری با آن‌ها جنگیده‌اند که در حمله‌ی اول نابود شده‌اند؛ و اکنون می‌خواهیم اردویی به ریاست پالکونیک پیچراخوف^{۲۶} بفرستیم (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۱۰۴). وی در ادامه برای توجیه و قانع کردن فرماندهی روس می‌گوید: من داستان سنجابی‌ها و وعده‌ای که به من داده بودند که بدون نظر من جنگی با ایرانی‌ها راه نیندازند یادآور شدم و گفتم^{۲۷} اگر به من گفته بودید، کاری می‌کردم که در پشتکوه هم مثل هرسین خود مردم حافظ راه و ارتباطات باشند."

در اینجا وی نادانسته به شکست نیروهای روسی از ایلات شمال ایلام امروزی، نه از قشون تحت امر والی پرده برداشته است؛ زیرا از هرسین به عنوان نمونه یاد کرده که اهالی محل و طوایف لک حاضر به پذیرش اینکه بیگانگان روس در قلمروشان باشند نبودند و با آن‌ها درگیر شده بودند. و در ادامه می‌نویسد: اکنون هم به مصلحت نیست که اردوی دیگری بفرستید. زیرا حداقل شما را از جنگ با دشمن باز خواهد داشت.

^{۲۶}- Col.Lazar Bicherakov

^{۲۷} - نه در اینجا و نه در هیچ جایی از خاطراتش به نیروهای ژاندارمری و ایل کلهر و دیگر ایلات که تحت فرماندهی نظام السلطنه مافی (رئیس دولت موقت) اشاره ای نمی‌کند. چنان می‌نماید که نیروهای متجاوز روس که وی در رکاب آنها بود بدون هیچ درگیری و مقاومت و تلفاتی بسوی کرمانشاه حرکت کرده‌اند. شکست‌های و تلفات آنها را کوچک می‌شمارد.

باراتف که از ماجرای سنجابی‌ها تجربه تلخ داشت، فوری پذیرفت و گفت: اگر این مشکل حل شود، از شما ممنون خواهیم شد (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۱۰۴-۱۰۵).

در ادامه وی به سرگشتگی و دستپاچگی والی در رابطه با تصمیمات احتمالی اشاره کرده، و نوشته است که والی از وی چاره خواسته است. که این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که والی در شکست نیروهای روس متعرض به قلمرو ایلات شمال ایلام نه تنها دخیل نبوده بلکه بی‌اطلاع هم بوده است. من یک اسکادران از او خواستم. نامه به سرهنگ پیچراخوف^{۲۸} نوشت که در اختیارم بگذارد. وقتی نزد پیچراخوف رفتم، انتظار داشت که به پشتکوه برای سرکوبی ابوقدره‌ایی‌ها حرکت نماید و هنگامی که امر باراتف را به او اعلام کردم. با خونسردی یک اسکادران سوار^{۲۹} در اختیار من گذاشت. به پشتکوه حرکت کردیم و در هرسم و پس از ملاقات با ابوقدره، به او خاطر نشان ساختم که مخاصمه‌ی او با روس‌ها موجب شده که اردو به طرف پشتکوه حرکت کند و طبعاً تاب مقاومت نخواهد داشت. او دستپاچه شد و راه چاره‌ای از من طلبید. گفتم: اگر به دستور من رفتار نمائی، از بند خلاص می‌شوی. قبول کرد که تسلیم فکر من باشد. پیشنهاد کردم مجروحین و تفنگ‌هایی که از روس‌ها نزد اوست، جمع آوری و به من بدهد که به نزد باراتف ببرم و نامه‌ای هم بنویسد به باراتف که حمله به اسکادران روسی را دزدان مرتکب شده‌اند و خود متعهد می‌شود که دزدان

^{۲۸} - ژنرال پیچراخوف (شکل ۹) از فرماندهان عالی رتبه روس که مخالف بلشویک‌ها بود برای مقابله با انقلاب بلشویک‌ها همراه با نیروهای تحت فرماندهی اش به نیروهای انگلیس تحت فرماندهی ژنرال دسترویل پیوست (احرار، ۱۳۵۲: ۱۰۳۳).

^{۲۹} - در سواره‌نظام نیروی زمینی این یگان، آسواران نامیده می‌شود و پیش از این در زمان قاجار بهادران نامیده می‌شد.

را دستگیر و تسلیم سازد (همان). در مورد واکنش و تصمیم والی پس از مذاکره و گفتگوی خود در هر رسم با والی و نمایندگانش در ادامه می‌نویسد:

ابوالقداره دستور مرا عمل کرده و مضافاً یک اسب عربی به پیشکار خود داد که برای باراتف به رسم پیشکشی بیاورد و حضوراً اطمینان دهد که امنیت آن حدود را به عهده خواهد گرفت. پس از ۲۴ ساعت این کاروان را به طرف کرمانشاه حرکت دادم و هنگامی که نزد باراتف آمدم. از اقدامات من که موجب استرداد مجروحین و سلاح از دست رفته‌ی اسکادران و قرار داد ایجاد امنیت در پشتکوه و عدم مزاحمت بود، اظهار شادمانی کرد و به پیشکار ابوالقداره اطمینان داد که قشون روس بدان صوب لشکرکشی نخواهند نمود. وقتی از نزد باراتف باز گشتیم، پیشکار ابوالقداره نزد من آمد و پاکتی به من داد و گفت: والی گفته است در صورتیکه سرگرد احمد آقاخان توانست ژنرال باراتف را از حمله به پشتکوه منصرف سازد، این پاکت را به او بده و بگو هدیه‌ی قابل‌ی نیز به ایشان تقدیم می‌شود. پاکت را باز کردم، یک چک پنج هزار ریالی در آن بود^{۳۰}. چون آن خدمت را من برای جلوگیری از خونریزی نموده بودم نه برای پاداش دنیوی، نزد باراتف رفتم و ماجرای پیشکشی ابوقداره را به او گفتم. خندید و گفت: در برابر خدمتی که شما به ما و ابوقداره کرده‌اید، این وجه درخور نیست و پنج هزار منات هم باراتف به من بخشید. ضمناً وعده داد که به پاداش رشادت‌ها و صمیمیت‌هایی که کرده‌ایم، از دولت ایران برای شما درجه و از دولت روسیه نشان برای شما خواهم خواست (همان، ۱۰۶: ۱۳۷۳).

^{۳۰}- والی در این زمان بر مشک‌ها و چشمه‌های آب ایل خزل و هم‌پیمانانش، مالیات‌های سفت و سختی بست، این مالیات‌ها را شاید ناشی از دلخوری و خشم والی از ایل‌های مقابله‌کننده با روس‌ها بود که بدون اطلاع وی و سرخود به اقدام علیه آن‌ها دست زده بودند (بنگرید به نوراللهی ۱۳۹۵).



شکل شماره ۸: دو تصویر از سپهبد امیراحمدی (راست در زمان همکاری با روس‌ها - چپ در زمان پهلوی فرمانده لشکر غرب) (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).



شکل شماره ۹: ژنرال باراتف (-today-in) <https://today-in->

و www.tumblr.com/post/143827710733/russian-forces-reach-mesopotamia

سرهنک پیچراخف [/ https://ar.wikipedia.org](https://ar.wikipedia.org)



شکل شماره‌ی ۱۰: دیدار ژنرال باراتف با افسران انگلیسی و رؤسای ایلات گُرد در زیر سیاه چادر کرمانشاه سال ۱۹۱۷ (<https://en.wikipedia.org/wiki/Kermanshah>).

روایات شفاهی

با گذشت حدود یک قرن از آن حوادث و درگذشت بسیاری از کسانی که این حوادث را تجربه کرده بودند، خاطره‌ی آن را کمرنگ یا از بسیاری اذهان زدوده است.^{۳۱} هنوز در بین معمرین داستان‌ها و خاطراتی در مورد هجوم روس‌ها به این بخش نقل می‌شود. امروزه در غیاب آثار مکتوب متأسفانه تنها بازتاب اندکی از آن در اذهان که آن هم از شنیده‌هایی است که در گفتگوها نقل شده باقی مانده است، اما همین

^{۳۱} - این موضوع در مورد حوادث دیگر دوره‌ی قاجار نیز رخ داده است در این مورد بنگرید "سی سال گذشت و یکی از آنان که در جنبش [مشروطه] پا در میان داشته بود و یا خود می‌توانست آگاهی‌هایی گرد آورد به نوشتن آن برنخاست و من دیدم داستان‌ها از میان می‌رود و در آینده کسی گرد آوردن آن‌ها نخواهد توانست. یک جنبشی که در زمان ما رخ داد اگر ما داستان آن را بنویسیم دیگران چگونه خواهند نوشت." (کسروی، احمد، ۱۳۵۷/۲۵۳۷، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۳).

روایات جسته و گریخته در نبود منابع نوشتاری خود می‌تواند تا حدودی پرده از تاریکی این بخش از حوادث بردارد. از جمله در مورد اینکه نیروهای روس از آنجا که تدارکاتی نداشتند. به هر کجا وارد می‌شدند در فکر غارت و چپاول بودند (بنگرید به فرید الملک ۱۳۵۴). سربازان و قشون روس که به این بخش وارد شده بودند بنا بر روایات هرچقدر از آن‌ها کشته می‌شد کشتگان خود را جای می‌گذاشتند و به حرکت خود ادامه می‌دادند و هر کجا گاو یا گوسفندی می‌یافتند مثل قحطی زده‌ها سلاخی و می‌خوردند و باز هم به راه خود ادامه می‌دادند. از سپاه روس به نام سیل ملخ یاد می‌کنند که هیچ چیزی جز ویرانی و تلی از خاک بجای نمی‌گذاشتند.

در این زمان یعنی زمان هجوم روس‌ها به نواحی شمال ایلام که چرداول (چرداور) امروزی است مصادف بوده با کوچ عشایر و ایلات به نواحی گرمسیری از آنجا که نیروی رزمی که همه‌ی مردان ایلی را شامل می‌شد همراه با احشام و اغنام خود به گرمسیر رفته بودند. بخشی از این ایلات هنوز در منطقه مانده بود که آماده‌ی رفتن به نواحی گرمسیری بودند. با شنیدن خبر ورود نیروهای متجاوز به قلمرو ایلی‌شان، مردان و تفنگچیان ایلی برای مقابله برگشته بودند و در راه‌های و گذرگاهی مهم کوهستانی با نیروهای روس درگیر شدند و به تدریج در یک جنگ نامنظم تا نزدیک روستای گدومه در چرداول فعلی آخرین نیروهای متجاوز را از پای درآوردند یا به اسارت گرفتند. معمرین نقل می‌کنند که در این زمان که خانوارهای ایلی بار و بنه و سیاه چادرها را جمع کرده بودند در حال حرکت به سمت گرمسیر بودند. به مردان ایلی خبر می‌دهند که نادانسته زنی از زنان ایل برای پر کردن مشک آب به چشمه‌ای که در مسیر روس‌ها بوده رفته، با شنیدن این خبر تفنگچیان فوراً از ادامه راه منصرف شده و شتابان خود را به محل مورد نظر می‌رسانند. در همین حین قوای متجاوز که متوجه زنی

تنها در نزدیک چشمه می‌شوند به سمت وی هجوم می‌آورند. درگیری شدیدی رخ می‌دهد که با کشته شدن تعداد زیادی از روس‌ها و نجات زن پایان می‌یابد. نقل می‌کنند که انگار روس‌ها مسخ شده بودند و تفنگچی‌ان ایل برای نجات زن مجبور می‌شوند تا آخرین سرباز روس را به قتل برسانند.

روایت دیگر اینست که زمانی که آخرین بازمانده‌های قوای روس به گردنهی دیوچگه (Diochega) بین روستای زنجیره و روستای گدمه- می‌رسند. یکی از سران طایفه‌ی کارزان ایل خزل بنام اولی خان تنهایی یا یک یا دو نفر همراهش در این محل با تعدادی از سربازان روس درگیر می‌شود و همه‌ی آن‌ها را - که در روایات شفاهی بعضی تعداد سربازان روس را ۳ نفر سواره و بعضی ۱۴ نفر ذکر می‌کنند^{۳۲}. درگیر می‌شود موفق به از بین بردن همه‌ی آن‌ها می‌شود و بعد از این حادثه تفنگ‌ها و اسب‌های غنیمتی را بعنوان پیشکش به حضور والی در حسین‌آباد می‌برد. والی بعد از اینکه دستور سپردن اسب‌ها به اصطبل و تفنگ‌ها را به اسلحه‌خانه‌اش می‌دهد. به سردی با وی برخورد کرده و تنها به گفتن یک کلمه‌ی "آفرین" بسنده می‌کند. این روایت بخوبی عدم دخالت والی در این نبردها و شاید عدم رضایت‌اش را نشان می‌دهد.

روایت موثق دیگر وجود دارد که در یکی از درگیری‌ها در گردنهی مله‌مازنگ در نزدیک روستای ژیرتنگ میان قلا (میان قلعه) بعد بررسی کشته‌های روسی متوجه می‌شوند که یکی از سربازان قرآنی به همراه دارد به گمان اینکه وی مسلمان است جسدش را به شیوه و آداب مسلمانی دفن می‌کنند. بعدها این محل به قبرستان عمومی

^{۳۲} - درباره تعداد سربازان روسی و همچنین کسانی که با آنها در این ناحیه درگیر شده‌اند، متفاوت است و لی نگارنده با توجه به اینکه از افراد مختلف شنیده هر دو قول را در اینجا آورده است.

روستای ژیرتنگ (Zhirtang) میان قلعه تبدیل می‌شود و تا حال حاضر نیز اهالی این روستا امواتشان را در این گورستان دفن می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

اعلام بی‌طرفی والی هر چند موجب شد که پشتکوه (ایلام امروزی - قلمرو حکمرانی والی) از خرابی‌های ورود قوای بیگانه جلوگیری بعمل آورد. اما والی به خوبی می‌دانست تنها اعلام بی‌طرفی نمی‌تواند وی و قلمرویش را از مصائب و خطرات و تهدیدهای نیروهای متخاصم بدور نگهدارد بنابر این به تقویت نیروهای تحت فرماندهی‌اش پرداخت و توانسته بود نیرویی متشکل و نیرومند تشکیل دهد. در سایه‌ی این دوراندیشی، تلاش زیادی کرد تا بتواند از دول متحد (آلمان و عثمانی) کمک‌های نظامی و تسلیحاتی و مالی دریافت نماید. والی غلامرضاخان در این زمان تمام نیروهایش را در جنوب قلمرویش متمرکز کرده بود، زیرا وی تصور می‌کرد که تجمع نیروهای انگلیسی در جنوب بین‌النهرین (بصره، کوت و الاماره) مهم‌ترین تهدید می‌باشد و دیگر اینکه نواحی کرمانشاه در این زمان در کنترل نیروهای ایل کلهر، ژاندارمری و عثمانی با پشتیبانی آلمانی‌ها بود، والی نیز با آن‌ها اعلان دوستی کرده بود^{۳۳}. اما با پیشروی روس‌ها به سمت کرمانشاه و تصرف این ناحیه روس‌ها با آگاهی از این موضوع که نیروهای انگلیسی در کوت الاماره به محاصره‌ی نیروهای عثمانی به فرماندهی سرهنگ علی احسان درآمده‌اند و با توجه به مقاومت‌های شدید ایلات و عشایر و نیروهای ژاندارمری سبب از دست رفتن زمان زیادی برای پیوستن و کمک

^{۳۳} - عثمانی‌ها در گذشته بارها با والی جنگیده بودند و متحمل شکست‌های سنگینی شده بودند. در این اوضاع که به متحدی قوی نیاز داشتند، سعی در جلب والی داشتند و نمی‌خواستند وارد جنگی شوند که بازنده قطعی آن بودند.

رسانی قوای روس به انگلیس شده بود، آن‌ها بعد از تصرف کرمانشاه بخشی از نیروهایشان را به پشتکوه فرستادند که این نواحی را تصرف کنند و دالان جدید و میانبری برای کمک‌رسانی به نیروهای محاصره شده‌ی انگلیس ایجاد کنند. ولی با ورود نیروهای روس به شمال ایلام که قلمرو ایل خزل و هم‌پیمانانش بیژنه‌وند و طوایف زردلانی بود، با مقاومت سرسختانه و جنگ‌های نامنظم و چریکی و پارتیزانی مواجه گردیدند. تا آخرین نفرات نیروهای متجاوز یا کشته شدند یا به اسارت این طوایف درآمدند. شکست آن‌ها در این ناحیه آن‌ها را متقاعد ساخت که در این ناحیه نمی‌توانند موفقیتی کسب کرده و کاری از پیش ببرند. والی و نیروهایش که در این جنگ‌ها هیچ نقشی نداشتند و برای سلب مسئولیت از خود و برگرداندن اسرا و تجهیزات غنیمتی روس در هلسم (Halasem) با امیر احمدی دیدار کرد و وی مدافعین را یک عده دزد و اشرار^{۳۴} توصیف کرد؛ از دست درازی به این ناحیه بخوبی نشاندهنده اینست که روس‌ها می‌دانستند که در صورت ورود نه با نیروهای مزدور والی بلکه با مردمان و جنگجویان ایلی این ناحیه طرف خواند بود.

شکست روس‌ها در این ناحیه سبب دور ماندن از خرابی‌ها و نابسامانی‌های زیادی شد. این موضوع در پرتو اقدامات والی در حفظ مرزهای جنوبی خود از هرگونه تعرض قوای خارجی، توانست این منطقه را از قحطی و چپاول و مصیبت‌های شدیدی^{۳۵} که در نتیجه دخالت و حضور نیروهای عثمانی، روس و انگلیس به وجود آمده بود، در

^{۳۴} این جنبش‌ها در واقع مقاومتی طبیعی بود از جانب ایل‌ها و عشایر در مقابل اشغال کشورشان (میروشنیکف، ۱۳۴۴:۷۳).

^{۳۵} - برای آگاهی از شدت مصائب و قحطی درک‌رند و کرمانشاه و نواحی دیگر بنگرید به دست‌نویس ۱۳۶۲، مجلد ۱۳۸۷، احرار ۱۳۵۲: ۸۲۳ و همچنین اتابکی (۱۳۸۷).

پشتکوه وجود نداشته باشد و این منطقه در پرتو این امنیت به منطقه‌ای برای ارسال مواد غذایی و مایحتاج لازم به نواحی قحطی زده کرمانشاه و همدان درآید؛ اما در برخوردی که میان نیروهای ایلی با نیروهای مهاجم روس در شمال ایلام امروزی اتفاق افتاد والی نقشی نداشته است.

روس‌ها از اعزام بخشی از نیروهای خود به شمال ایلام امروزی یعنی شهرستان چرداول چندین هدف احتمالی در نظر داشتند. یکی پیوستن به نیروهای بریتانیایی در جنوب بین‌النهرین، دوم تصرف پشتکوه و قلمرو والی که نقش مهمی در تسلط بر بین‌النهرین ایفا می‌کرد، سوم اینکه از رفت آمدهای کارداران نظامی و سیاسی آلمان و عثمانی با والی آگاه بودند، با تصرف این نواحی در صدد بودند که هرگونه اقدامی علیه خود را در این ناحیه از بین ببرند؛ چهارم اینکه در واقع یک احتمال است بعد از تصرف کرمانشاه و آگاهی از تجمع زیاد نیروهای متشکل از عثمانی‌ها، ایل کلهر و تابعه و نیروهای ژاندارمری در کرد و سرپل ذهاب و قصرشیرین که گردنه و تنگه‌ی معروف پاتاق را در اختیار داشتند با هدف دور زدن و محاصره‌ی این نیروها دست به اعزام و تصرف بخش‌های شمالی ایلام امروزی زدند که ناکام ماند.

دیگر اینکه همچنان که بخشی از سپاهیان خود را به لرستان برای تصرف خرم‌آباد اعزام کردند، می‌خواستند این منطقه را نیز در دست بگیرند و جای پای خود را برای اقدامات بعدی مستحکم کنند. اما به نظر می‌رسد که در معادلاتشان مقاومت سرسختانه و وطن‌پرستانه ایلات این نواحی را مد نظر قرار نداده بودند. همچنان که در لشکرکشی به لرستان نیز با شکست‌های سنگینی از جانب طوایف و ایل‌ها روبرو شدند. تنها با پادرمیانی امیراحمدی توانستند خود را به خرم‌آباد برسانند؛ اما در این ناحیه نتوانستند کاری از پیش ببرند نقشه و اهدافشان برای همیشه عقیم ماند.

اما در مورد نیروها و کسانی که در مقابل یورش و اقدامات سپاهیان اعزامی روس به شمال ایلام ایستادگی کردند. در نوشته‌های امیر احمدی والی را مقصر معرفی نموده است. اما والی به درستی شکست این بخش از سپاه روس را به دیگران (یاغیان و دزدان^{۳۶}) نسبت می‌دهد. هر چند ایل خزل و بیژنه‌وند (دو هم پیمان در این منطقه) در این زمان با والی دارای پیمان نظامی یا هاونگره (Havnegareh) بودند اما در امور نظامی و دفاعی مستقل از والی عمل می‌کردند.

والی نیز به هیچ عنوان حتی با آگاهی از ورود سپاهیان روس حاضر به در افتادن با روس‌ها نبود و فقط به تداوم حکمرانی خود می‌اندیشید چنانچه بعدها با یورش قوای دولتی به پشتکوه به فرماندهی رضاخان (در آن زمان وزیر جنگ بود) با حفظ سمت خود با وی کنار آمد. بنابراین می‌توان گفت که کوچ نشینان و مردمان و طوایف ایل خزل و تابعه در این زمان با توجه به روحیه و رسوم ایلی کهنی که در میان آن‌ها وجود داشته و دارد، همواره ورود هر نیرو یا گروه بیگانه‌ای به قلمروشان را بر نمی‌تافتند^{۳۷} با شدت و حدت به مقابله با آن برخاستند نیروهای خویش را در قالب واحدهای

^{۳۶} - دزد و یاغی نامیدن ایل‌ها و مدافعان ایلی ریشه در ادبیات و نوشته‌های استعماری و نوشته‌های کسانی دارد که پایگاه مردمی نداشتند. بنابر این از این واژگان جهت توجیه اعمال و رفتار خود بهره می‌بردند. چنانچه با نگاهی به گزارشاتی که بیگانگانی که برای اهداف خاصی به این منطقه می‌آمدند و با شک و سوء ظن اهالی روبرو شده یا از این منطقه گذر کرده‌اند این واژگان بسیار استفاده شده است (بنگرید به Rawlinson1839:52، دوبد ۱۳۸۴ و Edmonds1922:۳۴۲).

^{۳۷} - در دوران جنگ تحمیلی (جنگ هشت ساله)، هنگامی که ارتش عراق قلمرو گرمسیری ایل خزل را اشغال کرد. مردمان ایل خزل به صورت خودجوش و بر اساس سازمان ایلی برای بیرون راندن اشغالگران به این منطقه رفته و طی درگیری‌های شدیدی - علی‌رغم اینکه دشمن دارای نیروهای منظم و تجهیزات زرهی بود- توانستند آنان را از قلمرو خود بیرون برانند و این منطقه را دوباره پس بگیرند. این نبرد به عملیات میمک مشهور است.

چریکی و پارتیزانی سازماندهی کرده و به نابود کردن متجاوزین در نواحی کوهستانی و گذرگاه‌های این منطقه پرداختند که هنوز روایات بسیاری از این حوادث - هرچند زمان زیادی از آن گذشته- در میان اهالی این منطقه باقیمانده است، که به نمونه‌هایی از آن در این نوشتار اشاره شد.

البته لازم به یادآوری بعدها که رضاخان به قدرت رسید، اولین اقدام وی سرکوبی ایلات و عشایر بود. وی در همین زمان به ایلام امروزی لشکرکشی نمود و اقدام به سرکوب ایل خزل و دیگر ایل‌های پشتکوه نمود و اقدامات وی تأثیرات مخربی بر وضعیت این ایلات برجای گذاشت (نوراللهی ۱۳۹۵). در این اقدامات امیر احمدی یار و یاور وی بود^{۳۸}. با گماردن افراد نظامی به عنوان سرپرست نظامی ایل خزل و دیگر ایل‌ها اقدامات غیر انسانی زیادی را مرتکب شدند. این اقدامات افراد گمارده شده به وسیله امیراحمدی چه در مورد ایل‌های ایلام و لرستان (بنگرید به حجاریان ۱۳۹۵؛ خالقی ۱۳۷۳:۲۳۸؛ Douglas, 1952: 95-110) را در واقع می‌توان تا حدودی مربوط به کینه‌ای دانست که وی از مقاومت این ایل‌ها در برابر نیروهای روس که وی نیز با

۳۸- اوایل بهار ۱۳۰۷ از اعلیحضرت اجازه خواستم که به تهران بیایم و حضوراً گزارش کارهای لرستان را به عرض برسانم و ایشان نیز اجازه دادند. در این سفر، شاه ابراز محبت فراوان نمود و من دو موضوع را با ایشان به میان نهادم: یکی تخته قاپو کردن ایلات، دیگر موضوع جنگ پشتکوه و تسلیم نمودن ابوقدره ایها. زیرا منطقه وسیع پشتکوه زیر نفوذ خان مطلق العنان بودند، دستگاه عظیم و نفوذ فراوان و ادعای زیاد داشت. با خارجی‌ها هم بیسر و سر نبود و به واسطه وصلتی که با بعضی اعیان کرمانشاه نموده بود، ریشه‌ای در همه جا دوانده و در یک قسمت از سرحد عراق، که از قصر شیرین تا خوزستان بود همه کاره بود. دولت در آنجا کنترلی نداشت. رضاشاه که از ابتدای کار هدفش به هم زدن حکومت خان‌ها و به وجود آوردن کشوری بود که تمام نقاطش تابع حکومت مرکزی باشند، با دیده قبول پیشنهاد مرا پذیرفت و گفت: هم با تخته قاپو کردن ایلات موافقم و هم با خاتمه دادن به کار والی پشتکوه (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۳۳۲).

آن‌ها همراه بود دانست^{۳۹}. چنانچه فردی نظامی بنام سید تقی از گماردگان وی در میان ایل خزل که کاردار نظامی بود مرتکب جنایت‌های زیادی شد که امروزه در اذهان جمعی ایل مانده است و در مناسبت‌های خاطراتی از آن دوران نقل می‌کنند.

فرمانده روس‌ها نیز با توجه به شکست‌های متعدد و خسارتی که بر اثر ورود به این مناطق به آن‌ها وارد شده بود. نیروهایی به فرماندهی پیچراخوف تدارک دید که مجدد به پشتکوه حمله کنند، اما با میانجیگری امیراحمدی که خطرات حمله به پشتکوه را به آن‌ها یادآوری کرد، از ارسال نیرو به پشتکوه منصرف شد. هرچند برخورد بین عشایر پشتکوه با قوای روس در نوشته‌های این دوره به قوای والی نسبت داده شده؛ ولی خاطرات شفاهی و سینه به سینه خلاف این را نشان می‌دهد. اینکه شکست یورش سربازان روس به وسیله‌ی عشایر و ایلات کرد (خزل و بیژنوند و و دیگر طوایف) ساکن در منطقه صورت گرفته و والی عملاً در آن دخالتی نداشته است. چنانچه در خاطرات امیراحمدی والی تار و مار شدن قوای روس را به راهزنان کرد و یاغیان نسبت داده است.

^{۳۹} - سپهبد امیر احمدی بعد کلیه اموال خویش را در سال ۱۳۰۶ ه.ش. به همسر و فرزندانش انتقال داد (بلوچ و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴)، شاید این امر ناشی از ترس و واهمه‌ای بود که وی احساس می‌کرد ممکن است بعدها دامنگیر وی شود.

منابع و مآخذ:

- سند: متن فرمان احمدشاه قاجار. در باره بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول. سازمان اسناد و کتابخانه ملی. شماره ۱۸۷۶۵/۲۹۳۰.
- افشارسیستانی، ایرج؛ (۱۳۷۲)، ایلام و تمدن دیرینه آن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احرار، احمد؛ (۱۳۵۲)، طوفان در ایران. تهران: انتشارات نوین.
- امیراحمدی، احمد؛ (۱۳۷۳)، خاطرات نخستین سپهبد ایران. به کوشش غلامحسین زرگری نژاد. تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- امیراحمدی، احمد؛ (۱۳۷۳)، اسناد نخستین سپهبد ایران. به کوشش سیروس سعدوندیان. تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- بلوچ، شبنم؛ حنا جیلانی، عارفه کیانی؛ (۱۳۹۶)، خانه سپهبد امیر احمدی اولین سپهبد ایران. تهران: اونت شهرسازی و معماری - مدیریت بافت و بناهای تاریخی تهران.
- رحمانی، علی؛ (۱۳۸۰)، «جایگاه ایران در استراتژی آلمان». در ایران و جنگ جهانی اول: مجموعه مقالات سمینار، صص ۱۴۶-۱۳۱، تهران: وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. صص ۱۴۴-۱۴۳.
- روستایی، محسن؛ (۱۳۷۷)، «سردار اکرم نظرعلی خان طرهانی». فصلنامه لرستان پژوهی. شماره ۳ و ۴. صص ۶۷-۱۱۸.
- دوبد، بارون؛ (۱۳۸۴)، سفرنامه لرستان و خوزستان. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کسروی، احمد؛ (۲۵۳۷/۱۳۵۷)، تاریخ هجده ساله آذربایجان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گرکه، اولریخ؛ (۱۳۷۷)، پیش بسوی شرق. ترجمه پرویز صدری. تهران: نشر کتاب.
- فریدالملک همدانی؛ (۱۳۵۴)، میرزا محمدعلیخان، خاطرات فرید، گردآورنده، مسعود فرید (قراگزلو)، تهران، زوار.

– فن میکوش، داگوبرت؛ (۱۳۷۷)، واسموس. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. قم: موسسه فرهنگی همسایه.

– خالقی، زهره؛ (۱۳۷۳)، آوای مهر. یادواره قمرالملوک وزیری. تهران: دنیای مادر.

– حاج سیاح محلاتی؛ (۱۳۵۶/۲۵۳۶)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: انتشارات امیرکبیر.

– مافی، نظام السلطنه؛ (۱۳۷۹)، خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی. بکوشش مافی، معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.

– جد، محمدقلی؛ (۱۳۸۷)، قحطی بزرگ. ترجمه محمد کریمی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

– لکزاده هیرید، ح؛ (۱۳۲۸)، سرگذشت حیرت‌انگیز یک افسر و کارمند ارشد دولت در ۳۷ سال خدمات لشکری و کشوری که توأم با وقایع مهمه و اسرار مکتومه تاریخ معاصر است، بی‌جا.

– یروشنیکف، ل. ی؛ (۱۳۴۴)، ایران در جنگ جهانی اول. ترجمه ع. دخانیاتی. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

– نظام‌الدین‌زاده. سید حسن؛ (۱۳۷۷)، هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران. تهران: انتشارات شیرازه.

– نوراللهی، علی؛ (۱۳۹۵)، «علل و زمینه‌های تخته‌قاپو کردن عشایر استان ایلام در دوران معاصر براساس نظریه سیستم‌ها: مطالعه موردی ایل خزل». فصلنامه فره‌وشی. شماره ۲.

– نی درمایر، اسکار؛ (۱۳۶۳)، زیر آسمان سوزان ایران، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، نشر تاریخ ایران.

1. Douglas, William .O. (1951), *Strange Lands and Friendly People*, New York: Harper & Brothers Publishers.

2. Edmonds, C.J. , (1922), “*Luristan: Pish-i-Kuh and Bala Gariveh*”, *The Geographical Journal*, LIX:5 (1922)

3. Gröttrup, Hendrik (2013), Wilhelm Wassmuss: Der deutsche Lawrence, Metropol Verlag, Berlin.
4. Rawlinson, Henry C., (1839). *Notes on a March from Zohab at the Foot of the Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from Thence through the Province of Luristan to Kirmanshah, in the Year 1836, The Journal of the Royal Geographic Society* 9, pp. 26-116.
5. <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-46227712>
6. http://www.bbc.com/persian/iran/2014/11/141117_timeline_ww1_iran.
7. <http://www.anthropologyandculture.com/fa>
8. <https://www.britannica.com/biography/Colmar-baron-von-der-Goltz>.
9. https://www.reddit.com/r/TheGreatWarChannel/comments/a0p2w6/line_of_russian_cossacks_under_the_command_of_General_Baratov_in_Persia/ ..
10. <http://www.iichs.ir/Picture- =3473>.

چکیده انگلیسی مقالات**Seymareh vegetation and evidence from ancient botany in the environment of the ancient community of Qala Piroozali**

Dr. Lily Niakan.

Abstract

This article is a preliminary report on the remains of plant seeds obtained from the ancient site of Qala Piroozali near the Siab River, which is located on the banks of the Seymareh River. Archaeological evidence shows that agriculture began in the Holocene about ten thousand years ago. Therefore, in the Neolithic period, we have witnessed the domestication and cultivation of plants for thousands of years. The above process was reported by researchers in the third millennium BC based on archaeological plant studies in ancient sites indicating the growth and expansion of agriculture during this period. Research on the ancient nutrition of past humans is one of the most important topics that in archaeological research can determine the environmental conditions of prehistoric times and the beginning of the history of the region in terms of vegetation and animals in the area. This information leads to the recognition and formation of human settlements and awareness of the livelihood economy and complex human relationships with the environment. The main purpose of this article was to obtain information about the study and knowledge of vegetation findings obtained from the stratigraphy workshop and how residents use these resources. The above process was able to determine the environmental conditions of these people, the type of agriculture and animal husbandry of this area, of the beginning of Elamite. The plant and animal remains of this ancient site were researched by archeological plants and zoological animals and were able to determine part of the diet of the inhabitants of Qala Piruzali through agriculture, fishing and animal husbandry. The presence of samples of grains, fruit of

trees, animal bones and fish indicates the use and nutrition of the inhabitants of Qala Piruzali in the third millennium BC, ie the beginning of settlement along the Siab River on the banks of the Seymareh River.

Keywords: Seymareh, Qala Piroozali, Paleontology, Neolithic, Siab.

Lemental analysis of gypsum mortar plasters of Seymareh mosque using XRD and XRF methods Fatemeh Hajian, Ali Sanaeinejad, and Akbar Sharifinia

Abstract

Identification of gypsum mortar compounds used in plaster decorations with the aim of discovering its principles of processing is very important. In this research, the gypsum mortar used in the plaster decorations of the mosque of the historical city of Simareh has been studied with the aim of discovering the compounds and finally finding the source of the gypsum supply required. In order to achieve this goal, samples of gypsum mortar used in bedding decorations along with samples of architectural mortar and natural gypsum from the foothills around the historical city of Seymareh were presented to the laboratory for comparative study of their compositions for XRF and XRD studies.

The results of the studies show that in the composition of gypsum mortar, the plastering decorations of Seymareh Mosque, gypsum ores ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$), quartz (SiO_2) and calcite (CaCO_3) and in the composition of other samples, foothill and mortar Architectural structures, only two gypsum minerals ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$) and quartz (SiO_2) were observed. As a result of the combination of calcite with gypsum mortar, the plaster decorations of this historical place have been a conscious thing in order to delay the gypsum mortar and create an opportunity to engrave on them. In a way, it was found that the foothills of Kabirkuh with the geological structure of Gachsaran Formation were the source of supply of gypsum needed for mortar used in bed decorations and the erection of architectural works of this ancient city.

Keywords: Seymareh Mosque, gypsum mortar, XRD and XRF .
Kabirkuh, Plastering.

The role of handicrafts in the development of rural entrepreneurship in the Zagros region (Case study: Ilam embossed kilim)
Manijeh Afra, Habibollah Mahmoudian, Shahram Sarabi,

Abstract

Historical studies show that in non-agricultural seasons, villagers use raw materials from agriculture and animal husbandry to produce a variety of handicrafts needed in the daily life of Zagros families, and in this way, while filling leisure time, part of their economic needs. The development of this sector has led to the prosperity of the rural entrepreneurship market in the western regions of Iran, especially in the provinces of Ilam and Lorestan. In fact, the presence of raw materials, production history, and no need for extensive investment and many other benefits have played an effective role in economic developments based on the handicrafts and traditional industries of the villagers.

The embossed flower kilim is one of the traditional and indigenous mats of Ilam villagers, which has become famous in the regional and national markets with the initiative and creativity of artists in this field. In this paper, this goal is pursued to present the findings of scientific research in this field.

Keywords: handicrafts and traditional, kilim weaving, traditional textile, embossed kilim, weaving, Zagro-Elamite

Discovered from the sites of Dvin and Ani; in the ninth to fourteenth centuries AD

Parisa Pourmohammadi.

Abstract

Imported pottery from Armenia in the ninth to fourteenth centuries AD is one of the most important branches of the trade-economic history of the country in the Islamic Middle Ages, which are examined in this article. According to archeological discoveries, the growth of the pottery industry in Armenia, especially in Dvin and Ani areas, as well as the neighboring countries, led to the economic growth of cities in the ninth to fourteenth centuries AD. The study of typology, classification as well as the type of technical operation of these centers shows the characteristics of products in terms of quality, diversity, aesthetic evaluation, painting style, evidence and characteristics discovered from the sites, cultural and economic relations between Iran and Armenia. In a way, a comparative comparison of pottery and other findings from settlements in Armenia with the discoveries of archaeologists in Central Asia and China also confirms the economic, commercial and cultural developments of this country with other countries in the region in this historical period. The coherent discoveries of the city of Devin with the discoveries of other countries have made it possible to identify the historical, economic and trade developments of these countries.

Keywords: Devin, Kufic script, Aragades, Caucasus, trade relations, curred pottery .

Archaeological study of bronze objects in Lorestan

(With emphasis on bronze pins) Mandana Mahmoudi

Abstract

The land of Lorestan has been one of the most important human settlements in different historical periods due to its favorable.

Geographical conditions and water resources. According to archeological activities and the opinions of historians and tourists, Especially Islamic geographers, this area in the past was fertile and was one of the oldest known settlements. The historical importance Of Lorestan is mostly due to the discovery of bronze artifacts attributed to the Kassi people who ruled for some time in the. Historical region of Lorestan (present-day Ilam and Lorestan provinces, etc.). Since the copper-tin alloy, called bronze.

Sir Percy Sykes, Survivor·Stein, and some domestic and foreign archaeologists have studied the Bronze Age cultures in the region, but the efforts of a joint Iranian-Belgian delegation led by Professor Vandenberg in the 1960s were far-reaching and significant. Despite these efforts, there is much left unsaid about bronze, which necessitates extensive scientific research. In this article, the aim is to study bronze pins as part of bronze artifacts discovered in the ancient sites and cemeteries of Lorestan from library sources and archaeological reports.

Keywords: pin, Lorestan bronze, tin and copper alloy, Kasi people, and Bronze Age. Iran-Armenia relations based on archaeological findings.

Investigating the historical developments of the presence of Russian forces in the First World War in Poshtkuh region (Ilam) and the reasons for their withdrawal. Ali Noorullahi

Abstract

In World War I, Iran, despite declaring its neutrality, became the scene of clashes between Russian and British forces on the one hand and the Ottomans and Germany on the other. The Russians marched into western Iran to strike at the Ottomans and occupy Mesopotamia, as well as to reach their allied British forces. On the other hand, the Ottomans and the Germans took measures to counter them, including financial aid and weapons to Gholam Reza Khan, the governor of Posht-e-kuh, but in practice the governor changed his position and declared neutrality. Contrary to this inaction and the declaration of neutrality of the governor, the tribes and clans of the region, who saw their territory in danger and facing the attack of the Russians, mobilized their combat forces to face this devastating flood and were able to destroy them in their territory. Take one of them captive.

This article tries to clarify the dimensions of this part of history and the role of nomads in preventing the entry of Russian occupying forces into the region, based on the evidence of indigenous history (oral history) that is still preserved by nomads and descendants of the region.

Keywords: World War I, Chardavol, Khazal tribe, Posht-e-kuh, Baratov, Gholamreza Khan Aboghadareh.

In this issue you read:

- 1- Seymareh vegetation and evidence from ancient botany in the environment of the ancient community of Qala-e-Piroozali .Lily Niakan.
- 2- Elemental analysis of gypsum mortar in the beds of Seymareh mosque using XRD and XRF methods. Fatemeh Hajian, Ali Sanaeinejad, Akbar Sharifinia.
- 3- The role of handicrafts in the development of rural entrepreneurship in the Zagros region Case study: Elamite embossed kilim(Manijeh Afra, Habibollah Mahmoudian, Shahram Sarabi.
- 4- Iran-Armenia relations based on archaeological findings Discovered from the sites of "Devin" and "Ani" in the ninth to fourteenth centuries AD Dr. Parisa Pourmohammadi.
- 5- Archaeological study of bronze objects in Lorestan With emphasis on bronze pins Mandana Mahmoudi
- 6- Investigating the historical developments of the presence of Russian forces in the First World War in Poshtkuh region (Ilam) and the reasons for their withdrawal. Ali Noorullahi

General article features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be

associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after conclusion

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references:

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Reference to the thesis: The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges

Referees this issue:

Dr. Naser Rad

Dr. Leyla Khosravi

Dr. Khodakaram Mazaheri

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Haji Karimi

Dr. Ali Khaki

Editorial board:

Dr. Reza Ahmadi

Specialty: Forestry

Dr. Parisa Pourmohammadi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Soheila Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Frangis Darvishi

Dr. Naser Rad

Specialty: International Relations
Dr. Masoud Shadman
Specialty: History, Civilization, Nations
Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan
Specialty: Linguistics
Dr. Habibollah Mahmoodian
Specialty: Archaeological
Dr. Ebrahim Moradi
Specialty: Archaeological
Dr. Khodakaram Mazaheri
Specialty: Archaeological
Dr. Lily Niakan
Specialty: Archaeological
Dr. Siavash Yari
Specialty: History of Islam.



Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 15 * four year*summer 1399

Owner and responsible manager:

Dr. Habibollah Mahmoodian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Scientific Advisor: Dr. Reza Khani

Director of Technical and Media Affairs:

Omid Mm Mahmoodian.

Persian editor: Ali Mohamad niakan.

English Editor: Dr. Parisa Pourmohammadi

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Price: 45,000 Tomans